

سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۲ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

لکی فایف



۵۵۵

دعوت کما حقہ
و شخصہ مخصوصہ و شیر خوار شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ
لکے فایف ہمیشہ بکوشش اپنا خاطرہ خواہد بود

آدرس: شہر نوابشاہ مقابل مسجد جامع شیرپور • تلفون: ۲۰۲۱۰



یمار امین ویدیوکست

بعترین فلمعای ویدیوی گلچین (پینتو، دری،
هندي وایرانی) آماده فروش دارد. • فلمبرداری از
محافل خوش شمعای بیرونه میشود.
ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان
۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوشرو سرور شمارا
به بدترین وجه برگه از مینماید
(همچنان شب و یو یوسی)

اکسرس: چهار راه سردار
تق برفخانه
جمهوریت

خوراکه فروشی انوش

خوراکه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکه باب
را به قیمت های مناسب عرضه میدارد.
مشتری دایمی خوراکه فروشی انوش باشید. همچنان مجلات
و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکه فروشی
دستیاب کرده میتوانید.

اکسرس: چوک قلع فتح شه

سباوروس

اعلان تان شمسار با شرایط بهتر نشه
میرسانه

خوراکه فروشی سبزویش

خوراکه مورد
نیاز شمارا به
فروش میرساند.
همچنان بلوزهای
بهاره هندي و لباس -
چین از قبیل براهن، دامن
جمبرهای زنانه، طفلانه و دخترانه
ساخت وطن را با قیمت های نازل بدسترس مراه.
جمعین محنت نر امید هد.
شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بدست آرید.

اکسرس: سرک ۶ قلع فتح شه تق برفخانه برادران هوس

قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

جدید
ترین لوازم
تحریر کلاس
معارف.
اقسام کتاب
و کتابچه، انواع قلم های
خود کار خود رنگ و ده ها قلم
اجناس دیگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب
ورضایت بخش دستیاب نمایید. ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ -
افغان. • نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

قرطاسیه فروشی اخبارک

کتاب، قرطاسیه، مجلات و کارتهای
تربیتی ارزان و خوب
اکسرس: منزل اول فروشگاه بزرگ فغان

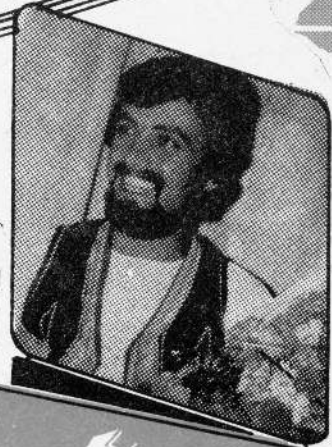
قرطاسیه فروشی دوست

انواع قرطاسیه، جراید و مجلات دخواهتان را عرضه
میدارد. • ادرس توجه نمایید.
ماکتب مکر و باغ کهنه

ضروری: در شماره یازدهم سال ۶۷ مجله سباوروس در شرح عکسهای مرسوط
به استعدادها ثروت ملی ما، نام محنت قاری فاخره قاری و قاری تصحیح شود.

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم
شماره مسلسل نهم

سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز

است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

فاجعه



صدای گمشده
جاودانه‌سده‌ها

صفحه (۲۰)

درسهای موسیقی

صفحه (۸۴)

پاستی

سیرین

مخ (۸۷)

آیاتاسی دخیل

کوزیر

از مود تا سینما

صفحه (۵۴)

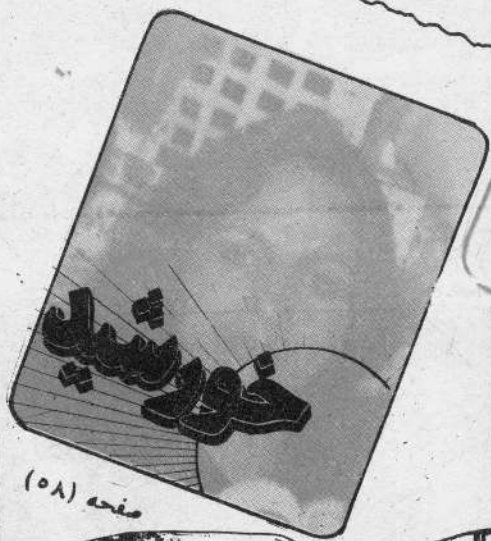
صفحه (۲۲)

چگونگی نوشتن

علی افشاری بسمل
پروما جراحی در ایستاد
دنیای عشق خود را
سرگردانان



چهار صد سالگی
صفحه (۳۲)



صفحه (۵۸)

از گپها که ما خبر شدیم
صفحه (۴۴)

۱۳۶ سالگی در هزار سالگی

بخ (۲۷)

زن ۱۳ سالگی که مرد

صفحه (۴۰)

مدیرمسئول: دکتور ظا هرطنین
تلفون: ۶۱۹۵۲
معاون: محمد اصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سوجبور: ۶۱۸۷۸
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالستان
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:
بارق شفیعی
محمود حبیبی
عبدالله شادان
لطیف ناظمی
رهنورد زریاب
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد طیب و
وحمید محمود
مطالعی: کبیر امیر
عمیر نامی
مستقیم: محمد گل
نگار: شریف لطیفی و
شاپسون

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف
نظر نویسندگان میباشد.

مصیبت‌اشک

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای مائیس و تکالوژی، متاسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدای کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مائیا امروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داری مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سزولکته‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی و سیادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برایم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روانها حبه‌تر تیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا می‌چی مفهوم دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي مي باشد اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف مي داشته باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف مي تواند وجود داشته باشد . ناپائيدگي شخصيت مي ثباتي عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري براي دريافتن اسرار رمز مواد نشه آورنده ها هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگي و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگي است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود مي داشته باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده مي ويوارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکسر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده مي آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده مي همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود مي آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل مي باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار مي داشته باشد به مصداق همان شعر :
نشه صهبانمي ارز به تشويش
خسار
در گذر امروز عذاب که فردا
آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض رواني چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشويشات رواني بملاحظه ميرسد گاهي ديوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش رواني شده است يا تشويش رواني باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوايي لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدر انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک مي کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساساتي عجول و کوتاه نظرمي شود کم حوصلگي و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثر مي سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهي هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام ميوا د استفاده بعمل مي آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچا قبران و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر مي شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده گي مصيبت هاي جنگ و بيسوا دي و عوامل ازينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخي مناطق از تريا ک بحيت دروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دواي خواب آور استفاده مي شود از تريا ک و چرس گاهي براي درمان و معالجه قلع ها کار مي گيرند در برخي از ولايات ما در طبابت هاي محلي و غنچهوي حتى براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار مي آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد تريا ک و چرس و تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود مي آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازاریافته است . متاسفانه زماني دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعي و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماندرس ، مخم و بننگ آب و بعضي ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه مي گويند : در يکي از مناطق ولايت بدخشان پيغمرد ي بود که مدت درازي تريا ک دود مي کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان مي پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود تريا ک نمی بيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده مي شود . دليل آن اين است که حتى موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به تريا ک وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود تريا ک و تبا نيواردن بيسترك آن مرده و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يک احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به تريا ک در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانسي وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالي اداره سازما صحتي جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربطه احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را مي نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه (۷۴)

دواي مرگ و تاجران مرگ



بِه ميگويند



مهر و وفا

مهر و وفا



مهر و وفا

مهر و وفا



دوست و ادمه

هيله منده م هغه كسان چي به تحينو عقل نار وغيواخته دي ژر تر ژره شفا و مومي او د عقلی او هو بنيار سترگي بي روضي شي خبره داسي ده چي تحني بي احساسه اوس مسووليتنه نارينه د خپل ژوند بدې او د نيسي روضي چي لومړني بنخي ورسره به ورين تندي كاللي چوره ياده باسي حقي دخپل بيه نس او شهرت څخه تير يزي او د دوهم واړه بند و بست كوي كه څه هم چي د موضوع نوي نه ده ولي به ٦٢ كال كې بي د سارن ناروضي بيه تحانه نيولي او د يروكسانوته بي سرايت و كړه اميد واړه هم مسر كال د اد كو رنيورنگيد و ناروضي له منځه ولاړه شي .

لطيفه پيراد پياتون پوهنځي فار التحصيله



پاكي و صفايي

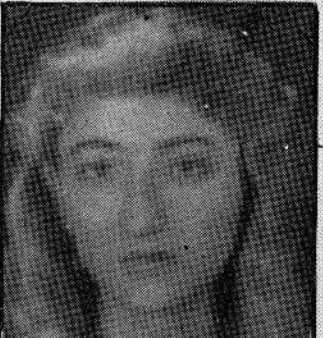
عزيز آقا سراز د لېسنگي خاصي به پاكي و صفايي د اد آرژومند صاحب خانه مكروريان شم ، آنجا به مغمي شوي پاكي و صفايي راتا مين كړد . - اگريا دخترن هم سفر زنده كي شويده كه او چندان توجه به پاكي نه اشته باشد در آنصورت چه خواهيد كړد ؟ - خداي ناخواسته باشد كه اينچنين شوي ، ورته كار زارمي شوي با آنهم اگراچنين دخترن سرد چارنستم انوت اورا به روحيه خود تربيه ميكنم .



نظام و د سپلين در سرويس ها

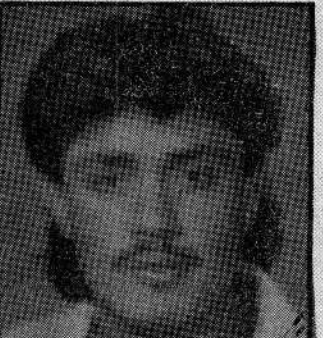
عضوكلان خانواده ام مياشم .. آرژو د ان خواهران و برادرانم به آرژو هاي د نشان نابل ايند . همچنان آرژومندم كه بعضي از همشهریان مانظم و د سپلين اجتماعي را د سرويس هاي ملي بس جد ا رعایت نمايند ، و نگرانان محتس هم د رين زمينه از خود سي تفاوتی نشان نه هند ، بعضي از مردان به بالا شدن از د روزه اوس سرويس هلاتمندي بسيار نشان ميدهند وقتي برايشان گفته شويده كه يك كمي د ورشويد و يا به اخل سرويس پيش برويد ميگويند : ((برو بي جان توجهه خود هم سازي ، ما از خود خوار و مادر د اريم . . .))

مصريا شيكاگو د ريشاني فار از صواب ١٦



ميخواهد هنرمند سينما شود

محمد نريد محصل سال د م پوهنځي هنر هاي زيبا : در رشته تياتر و سينما مصروف تحصيل استم ، باسلكم عشق ميورن و دوستي ميدان ، و معين ام هر نقشه كه برام سپرد شوي ميتوانم آنرا به خوبي اجرا نمايم ، ولي باتا سف چند بار يكه به اداره فلم هاي هنري و مستند مراجعه كردم خود را پشت در بسته يافتم و جواب رد شنيدم ، آرژومندم كه امسان آرژو هام بر او رده شويده ميتوانم در فلم ها كار نمايم .



پایند حاضری خانه

پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنتنی ژورنالینم :
تعمیم د اتم اسنال باشخسر مورد نظم ازدواج تمام آرزو د اتم
که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .
آرزو مند بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد اوردوسه
وقت معین خانه بیاید ، یعنی آن تسمیکه باید حاضر د دفتر
میباشد ، باید ، باید حاضر نزد من نیز باشد .

وفادار و پولدار



روزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده کان :
آرزو د اتم باخوانی دارای تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار
ازدواج تمام ، پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان
از کشور سوری تمام .
- اگر باخوانی دارای چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟
- در آن صورت باهیی کسر از دواج نخواهم کرد .

در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :
د رزنده گیام سه آرزوی بزرگ د اتم که به حقیقت بیوستن آن
خیلی مشکل و یا هم دوزار امکان است ، نخست آرزو د اتم خیلی ها
تروتمند باشم ، آندر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار
ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس
موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده
امریکا سفر تمام .

بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :
زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو
وروسته د ژورنالینم به پوهنتنی کی شامل شم . اوم د ژوند ملگری
چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کن .
- د د بی خصویاتو لرونکو انجلی سره که بیسواده وراشناسی
عنه انتخابوی ؟
- لومړی کوشس کم چی د ژوند ملگری می باید باسواده وی
اړکه نه وه نویسی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خپله هم
شبه اوون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



چهارمین جشنواره شعر جوانان

مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمره دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از برشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دایم ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از وی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و اوهه نداشتید ؟
- البته که واهمه داشتیم ، حتی صدای قلم را میشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله ((شادان)) همراه با من اخبار را میخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .
- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیکلمه می کنید ، آیا اتفاق افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیکلمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیکلمه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیکلمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .
- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشان پیچد پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را نا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادر و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکشند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پنج میزتم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تند و بدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوید ؟

ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمیبوسم. اگر راستر بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر هندی پسری بهم نه در آمریکا ، در یسوان ، دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زلو ارمو ، تان دعوت صورت نخواهد گرفت. زروان هفتیسه سهنا آستم و دعوت هفتیسه جوانی بیشتر با داران ، روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بجز دیده در این باشد. بنابراین موه دانه زن میانم اما را به بوسه دو میزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر ، فکر ، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- در روز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتن)) میزنم و اما امروز خوبی برایم بوده باشد سرحال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند بخواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم. چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم. روانه تلفون در یکی از اتاق های دور هم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارن حار زیاد هم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختناق نشوری با مادر و خواهرم داشته ام و عاشقی میخواسته خراب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدیدی آید عکس العمل تان چه بوده است ؟

ج- ای وای ! وای خدا جان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد را اغوش میگیرد.

س- اگر روز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتن)) میزنم و اما امروز خوبی برایم بوده باشد سرحال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند بخواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم. چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم. روانه تلفون در یکی از اتاق های دور هم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارن حار زیاد هم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختناق نشوری با مادر و خواهرم داشته ام و عاشقی میخواسته خراب شود.



چونان نسل نوبی حد پیرو و اراد است و درین مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهه (۸۰) نیستم ، ازینرو تا اندازه یی مسافه کار استم و عید مسذرت میخواهم البته در آینده پس از کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز نداشتند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدید کسی جلو بروم و بوسه بدهد ؟

میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



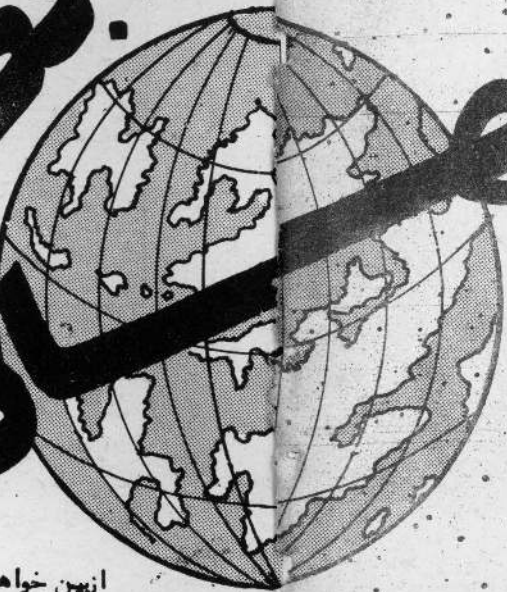
ترجمه: انجنیر حلیم

تأثیر عمده جنگ ذرویی سقوط ناگهانی و سقوط و متداوم درجه حرارت خواهد بود

تأثیر عمده جنگ

ذرویی سقوط ناگهانی و سقوط

و متداوم درجه حرارت خواهد بود



شوری در مطالعات و تحقیقاتشان پیرامون تغییرات ممکنه در اتموسفر بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند، آنان توانهای خاکی را که بر سطح کره میخوردند و پیوند می یابند مثال می آورند.

طبق نظر گولیتسین، خاکسوزده هایی که از کره میخوردند در آسمان تابستان بلند می شود، تمام کره میخوردند و در طرف چپ هفته در هر یک میگرد و درجه حرارت کره میخورد و در صورت کلی تغییر میدهد، سطح کره سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متفاوتی جهان پیدا میکند، همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق خواهد افتاد، بر طبق تخمین های نهایت مستطانه، بی که بعمل آمده آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمع خورشید که به سطح زمین می رسد ظرف چند هفته در حدود (۱۰۰) - مرتبه خواهد گاست.

مدل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما)) کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی نخواهد بود.

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظر پال ایرلیج، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد کالیفرنیا، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود، علت ساده آن اینست که فوتوسنتز، این پایه و اساس زنده گی نجات در تاریکی غیر ممکن خواهد بود و بدون زندگی نجات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین خواهد رفت.

حق اگر تصور کنیم که شرایط نیست شکل ارتجایی بخود بگیرد، در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمع قوی ماورای بنفش مواجه خواهد شد.

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل عضو آکادمی علوم اتحاد شوروی بقیه در صفحه (۲۷)

از این خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه حرارت پتانسیل مقاومت کنند.

صریخندگان دیگر؟

الکساندروف معتقد است که تغییرات یکسال را در بر خواهد گرفت تا جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد، این چه چیزی را آشکار میسازد یا توضیح میدهد؟ جنگلات وسیع به صحرانیمه صحرای مبدل خواهد شد البدی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید. این نشاندهنده امکان پدید آمدن صریخندگان دیگر است. ملاتوا الکساندروف و ستیجکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه بعد از درگیری ذروی، هوای گرم بر روی ساحات تپت و بعضی نقاط دیگر موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی تاره ها سرانبر خواهد شد، بار دگر سیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد گرفت.

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع در نیم کره شمالی رخ خواهد داد، چون کتله های هوای سرد و نیم کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند، انسان میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه بایست در نیم کره جنوبی پناه گزین شوند.

زمستان ذروی بر تمام مناطق تیره خواهد انگذد؟

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دلپسند اند، طبق نظر الکساندروف این مانع تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره از بین خواهد برد.

این فرضیه که هیچ منطقه بی بر روی کره زمین از این فاجعه در امان نخواهد ماند بهر جهت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است. کارل ساگان دانشمند آمریکایی و گولیتسین و گینزبورن دانشمندان

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت.

آفت ایکولوژیکی سرتاسری؟

هفته ذروی بعد از انفجار ((زمستان)) همراه با تاریکی تقریباً مطلق فرا میخورد، صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور در در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید. شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت معکوس را بخود خواهد گرفت.

طبق نظر ولادیمیر الکساندروف، درجه حرارت اتموسفر در ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنج درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت، با این کار واکنش زنجیری از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری میگردد.

ناپودی حیات بصورت کل؟

مدل سید بعدی های درود آنها یکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند، طوری که تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین تاره ها و اوجبار (هوای خیلی آهسته تر بر روی اوجبار سرد) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید در زمین های ساحلی خواهد گردید که این به توبه خود چنان بر فباری های شدیدی را بدین حال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود خواهد ساخت، علاوه بر آن تغییرات اتموسفری سایر اقلیم های در لوئیکی را کاملاً از بین خواهد برد و خشکسالی و نواذاری را بر قاره های بیخندگان و بدون خورشید حاکم خواهد ساخت.

بعبارت دیگر، هراتیه که از صمیم آتش جان سلامت برده، سردی یا خشکسالی آنرا از بین خواهد برد، یخبندان ناگهانی وسیع که الکساندروف ستیجکوف آنرا پیش بینی کرده، برای جنگلات در ارتفاعات متوسط تپاه کن و کشنده خواهد بود، جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره بی که تقریباً نیمی از کتله خشک زمین را در بر میگیرد، یعنی طوری

بگذارد فرض کنیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پیوسته... سیمای جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود؟

از پاسخ این سوال میتوان نهایت مشابهت را قاطعانه در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت. در کفرانس های دانشمندان ذروی در سیکو و واشنگتن شهرهای دیگر نماینده گان جامعه علمی جهان به آخرین مسائلات و تحقیقاتشان پیرامون اینکه جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود توجه جدی مبدول داشته اند، تنهاسه سال قبل، دانشمندان ذروی این مفکوره که اگرچه وضع جهان بعد از جنگ ذروی خیلی فاجعه انگیز و ناگوار خواهد بود، ولی موجودات زنده به ناچار مانند مگس ها گشته نخواهند شد، کار کردند، این دانشمندان اکنون بعد از دست یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((خوشبینی)) استدلال ضعیفی وجود دارد، تغییر عقیده داده اند.

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق و تجارب مدل های کمپیوتری قرار گرفت، چه قدرت محض انفجار (۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمتر از نصف زیاد خانه میخورد ذروی جهان) باشد، همه به این نتیجه رسیدند که: عواقب انفجارات ذروی نسبت به تاثيرات مستقیم آن (امواج تکان دهنده، جریان حرارت یا تند باد حرارتی و شمع) به مراتب وحشتناکتر و کشنده تر است.

مدل های اقلیمی که لحظرت دانشمندان شوروی و آمریکایی یعنی تیم ساگان در پوهنتون کورنل، مشخصین و دانشمندان مرکزی ایالات متحده برای تحقیقات اتموسفری است، نتایج بسیار در را س آن قرار دارد ولادیمیر الکساندروف و گینزبورن ستیجکوف از مرکز ریاضی آکادمی علوم شوروی، گینزبورن و الکساندر گینزبورن از انستیتوت نیک اتموسفر مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از جنگ ذروی ارائه میکند، تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و وسیع و متداوم درجه حرارت خواهد بود، ظرف چند روز محدود جهان از سردی یقیناً به انداز سردی قطب شمال دچار سرما خوردگی می

اگر بوی نعیت و احوال کونی زنده می یابد مرد کتبی اراد هر عمل بین اوست بر اراد ۳۱ انه و غیر کونی او بیاسیر بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان حارن او را نیز تغییر دهد ۱۰

از حکایات باستانی هند
مترجم: ع. فرحسوز
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شای
بایسری که بر این آرزای شده
بود شادمان گردیده بود بنا
و ملکه بخاطر دست یافتن به این
الطاف و بخشش شامی از شعایر
و مراسم را بر پا آورد و ریاست های
بسیاری کشیده بودند از سر
آنها از زمان ازدواج شان در
دوازده سال قبل تا این زمان
کودکی بدنی نیاورده بودند
ملکه از سوی همه نزد یکان و
عزیزان تهنیت گفته شده بود
کودک خوشدل و زیاده رکاب او
لمیده بود هنگام نیمه شب از
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی
کاخ را ترک گویند تا ملکه
که خدمه ها در بیرون از اتاق
نگهبانی اثر میکردند خواب
را حسی داشته باشد بجز آنها
خاموش شدند
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان
بیدار شد و بد نظر رسید که نوری
در نزدیکی سرش ظاهر شده است
چشماتش را گشود تا به منبع نور
نگاه کند آنچه را دید او را به
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

نورانی ایستاده بود و دست
را ستر به سوی سرکودک نوزاد
کشیده شده بود چون ملکه به
آن نگریست موجود نورانی
دستش را عقب کشید و لبخند زد
ملکه بر حایر نشست و گفت
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً
تو پندار خود آسمانی هستی
چون نورانی خاموشی گردید این
کار ملکه را شگفت زد ساخت
ملکه گفت
- برا شما گفتمی زنده
و مود با نه افزود
- آیا شما یک موجود آسمانی
نیستید
رب النوع سرنوشت گفت
- بلی استم اما من رب النوع
سرنوشت ایتم و یگانه و شایسته من
اینست تا آنکه را در زنده کسی
برای یک نوزاد فراهم شده
است در پیشانی او بنگسیار
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه
(کارما) برای یک کودک مقرر
داشته است از زود من درختان
تولد هر کودکی را تعیینم اما
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت
خاص و بدانی بی است که تو
یداری با وجود آنکه خود از آن
آگاهی نداری
ملکه در برابر رب النوع خم شد
و پرسید
- آیا آنکه را در پیشانی کودک
من نباشته این برای من آشکار
نخواهید کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- من نمیتوانم آشکارا تمس
اگر اینکار را بکنم برای توست
ندارد از سوی دیگر اینکار
بدون هیچگونه تزیین با عفت
شگرفی تو خواهد شد
- شما همین الان نیم از آن به
را آرزو داشتید بدانم برایم
گفتید چنین به نظر میرسد که
هیچ چیز خوبی در سرنوشت
بسم وجود ندارد شما باید تمام
حقیقت را برایم بگویید در غیر این
شمارا نخواهم گذاشت که بروید
اگر با جبر بروید من خود را
خواهم کشم
ملکه این جمله ها را با صدای
نرم ولی مضم اشعار کرد
مباحثه بین ملکه و رب النوع
ساعتی ادامه یافت بالاخره
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه
آشکار سازد که بر او در زنده کسی
خواهد کرد و دراز کاخ در
جنگلی خواهد زیست
ملکه دریا مرونومید نگریست
اما بخورد جزا داد تا از
رب النوع خوشبختی تقاضا کند
که اندکی بارید بختی بپوش
را کاهش دهد
رب النوع گفت
- خوب من تضمین میکنم که او
هر روز توانایی شکار یک آهو را

داشته باشد و این امر بزرگی از
سرنوشت او خواهد بود بیشتر
ازین تازی کرد نمیتوانم
و سرانجام سخن ها رب النوع
ملکه را ترسید
روزها سپری شدند ملکه در
و وسواس خود را در دل نگهداشت
یک سال بعد شاه بیمار شد و
در گذشت وزیر سیمه کار او
تا شاهی را به بهانه اینکه
شهرزاده خرد سال است تمسب
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه
و شهرزاده را بکشد اما ملکه با
شهرزاده کویت به موقع فرار
کرد و در جنگلی پناه گزید
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه
و اقیعیت پیوست هر نام ملکه
جال های را در گوشه و کنار جنگل
می گسترانید و صبح بعد آهویی
را در یکی از جال های یافت
ملکه آهو را به یکی از جنگل نینان
میداد و او آنرا در شهر می فروخت
و بهایش را به ملکه می سپرد
به این ترتیب سالها سپری
شد بزودی شهرزاده نوجوان
به یاری مادر شتابید در عین
حال شهرزاده به شاکردی یک
تارک دنیا رفت بنوشتن و خواندن
و فلسفه را اموخت
روزی شهرزاده در اندیشه بی
با خود میگفت
- بسیار شگفتی آور است که
هیچکاه بیشترا یک آهو در روز
شکار نمیکم در حالیکه هر روز در
پنج محل جال میگذارم و بسیار
عجیب تر اینکه هیچ روزی را بدون
یک آهو شکار شده سپری نمیکم
مادرش که این سخنها را
شنیده بود گفت
- این بخاطر است که شکار یک

آهو در یک روز جزئی از سرنوشت
توست
به این ترتیب ملکه بخشی از
راز را آشکار ساخت شهرزاده
اصرار ورزید تا بداند که مقصود
مادرش چیست و ملکه مجبور شد
تا همه چیز را به یک به او بگوید
شهرزاده نشست و در سکوت
تزیینی فرورفت پس از سکوت
طولانی گفت
- مادر! من سرنوشت خود را
تعمیر خواهم داد
- بسم چگونه اینکار را میتوانی
بکنی کی میتواند سرنوشت خود
را تغییر دهد
شهرزاده نوجوان گفت
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی
خویشم به خاطر اعمال خود در
زنده می قبلی است بترسم
میتوانم اینکار را بکنم
شهرزاده ساعات طولانی بسمه
اندیشه فرورفت و بعد با چهره
مغمم برخاست
روزی دیگر او به عور پنج جال
فقط یک جال را در گوشه بی از
جنگل گسترانید و در نور یک
پیشینی کرده بود یک آهو را
در جال یافت
روز بعد به عور اینکه جال را
روی زمین بگستراند آنرا در
شاخه بی از درختی آویخت
با وجود آن صبح روز بعد آهویی
در جال گیر مانده بود
و بعد جال را در بلندترین
درخت آویخت و همین سان گرد
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت
نیمه شب از خواب بیدار شد
و موجود نورانی بی را در کنارش
یافت
شهرزاده پرسید

- آیا عارب النور سرنوشت
استیسه
رب النوع خشمگین گفت
- بلی من استم منظور تو از
آویختن نبال در درخت بلند و
افروختن آتس پیرامون آن چیست
ایا نمیدانی با وجود یک من یک
رب النوع است در نیای عینی
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم
کار بکنم نمیدانی که بسردن
آهوه بالای درخت تازی است
دنیار
شهرزاده گفت
اما شکار یک آهو در هر روز جزئی
از سرنوشت من است اینکه
چگونه آنرا در جال من گیر
میاندازی کارتوست
رب النوع گفت
- آیا باید بخاطر خوشبختی
که برای تو تضمین کرده ام مزا
حم من شوی
شهرزاده آهسته گفت
- اگر کار ترا در نوار منی ساختم
تو در برابر من ظاهر نمیشدی
- اما تو چرا میخواهی که من در
برابر تو ظاهر شوم
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من
نوشته بی و مرا محکم به زنده کسی
در تبعید میکند از جبین من
بزای رب النوع سرنوشت
سکوت کرد شهرزاده چشمانش
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم
از یک سرنوشت تو گردید لحظات
طولانی سپری شد شهرزاده
احساس کرد که دست رب النوع
از پیشانی او میگذرد بعد
چشمانش را باز کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- با اراده و آرزوی خود تو قادر
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی
و افزود
- احسان و بخشش من با تو
خواهد بود
و آنگاه ناپدید شد
روز بعد خوب شکی خوبی
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده
و مادرش آورد قاصد تخت و
تاج که مستبد و مستغرضه بود
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ
رفتند همه کس ملکه را شناخت
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر
سرنهاد



مراسم یک تدفین

امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجرائیه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکیئو از فلپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پینار از ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم، در مراسم ۵۲ سران دول قرار داشتند.

درین مراسم جاپان بایست پلوما

سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود. هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در هلهوی آن حکومت مدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معشون نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتوننن می ساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی سلسلسل، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر سازمانتداری رسمی در روزه به زندگی عادی شان برداختند حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیراز جنگ را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا به جهت تجلیل تبار جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند، به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از تحسار و جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما موران عالیرتبه شان برداخته بودند، که در آنجا هنوز احساسات غمگین

جاپانی ناشی از بد رفتاری با اسرای جنگی باج خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، با وصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانی، که در جوار پارک تعیین شده برای برگزاری مراسم تدفین به سسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری سه توکیو ۲۲۰۰۰ بولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاسی مسوترها و اموال تجارتی زمینی و هوایی در نقاط مختلف مرکز وهومه شهر ببرد از بند. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن در نقش متضاد امپراتور بود؛ نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتوننن نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاسی بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتوننن دانستند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و جاپان چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد ولوکو بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسنت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجو کوکون، که با شگونه های گیلان خود شمرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود در آنجا یک سالون مراسم، که دارای یک دروازه چوبی به ارتفاع ده فوت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی سه ساله امپراتور نقش مهماندارو رهبران مذ هبی شنتوننن برقرار کننده رسمی مراسم را ایفانمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانییه های از طرف مدراعظم و دیگر ما موران جاپانی، ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیونقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیوسرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت ننمایند. البته صرف سمعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت و مجید مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت مدراعظم جاپان تاحاییکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقتست و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصص داده بود، امپراتور جدید و خانش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و یاز پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

زخم معده یک مریضی

نویسنده: کورون الله روحیان
مکروبیست
کشف میکروب کامیابلو بکتیر پیلور (Compylobacter pylori)
در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکم و اسباب گستریته های مزمن و فرخات خماساز همگی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب پیلوری را در معده شان حمل نموده و محو همین ارگانیم از وجود بافت صحت و ترمم گستریته ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکثراً به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تدای هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلان بالایی فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب پیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میباشند. و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مرآتیه اماتف تراز مریمان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت به رشد بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریته ها و فرخات را مرتبط به قلوبی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخرش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین و یا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معما تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب پیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانده که یکانه مکروبی است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر پیلو از با کار بزیست و میوکشن محافظه کند. و اکثر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشابهت با میکروب های نوع سیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges
بقیه در صفحه (۹۰)



موگیشی، صدای جاودانه سده‌ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موگیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موگیش چاند متور، همانند دیگر موسیقی (وسانت دیسای) باورهای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازیگر شدن به‌عنوان خوانی این نیز تا "تیر منق" بحا گذشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای ((بنکچ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ ((کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که ((انیل بیسوا من)) یکی از موسیقی‌دانان مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موگیش را با سیلی زد. اما خود بیسوا من این انسانه را زد کرده میگوید: ((شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موگیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موگیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بمان آورد. تهدیدش کردم که در جلو آرکستر -

لت و کوش خواهم کرد.))
بقیه در صفحه (۷۸)

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر میخیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موگیش و رنیه - مردند چنین چیزهایی واقع نشد و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موگیش ((الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کردند زیرا موگیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار ((هنر رهنوش)) که به‌عهد گرفته است تا تمام آهنگهای موگیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موگیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موگیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتن گیسر - مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدایش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عارای ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری

ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي دي

نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود
- الرزګونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي هسه
سربازان ښه روزلي دي او سورشال موهم لیري
کړي (پوه شوي؟)
- هو، ښاغلی جګړن
- او بیا کوي چې سربازان د سگرت څکولو په وخت
کې احتیاط وکړي، کله چې غشي ویشتونکې دغه
د شپې خلیل ونگې چینی وینې چې له یوې خوا نه
بلې خوا ته یې ګوتې یې خاړت کوي
په تیره اونۍ کې پنځه کسه سربازان په سروندو
باندې په ګولۍ ولګیدل، ښه پاملرنه وکړي!
پوه شوي؟
- هو، ښاغلی جګړن
د وچ برید من الرزګله چې د ټولې په لوړ روان

لیکونکي: ولګانګه پورشرت
ژباړونکي: ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه
یو کال پنځوس سه شنبه
او جګړه، د یوې سه شنبې لري.

د دې سه شنبې په ورځ

په ښوونځي کې یې د القاد لویو تورو مشق کاوه
د ښوونکي په سترگو، د بلې نښې لرونکې عینکې
وي، عینکې جوګا ته د لرلې اولنزه یې هغو-
مړه د بل ووچې سترګې یې په سختې لیدل کیدي.
د وړه څلویښت نجونې د توري تختې و پراندي
ناستی وي او په غټو تورو لیکل:
(فریتس د خپلې بیاله لري، د برتاني د خندا غمز
تیاره ورسید، په جګړه کې ټول پلرونه
سربازان دي.)
اولا (۱۱۱۵) د خپلې ژبې څوکه، ترسزي
پورې ورسوله، ښوونکي هغه ووهله، (اولا تا-
جګړه په (ګ) لیکلې، په (ګ) لیکل کېسزي،
(ګ) لکه ګور، ماڅوچوخله درته وینې دي))
ښوونکي یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په
وړاندې یې د چلیانښه کینود، (د سبا لیاړه
دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي؟))
اولا وویل ((هو)) اوله ځانه سره یې زیاته کړه:
(عینکې یې وګوره)) د ښوونځي په حویلي کې
کارخانود د وږي لیري غونډول شوي ټوټې خپلې

د دې سه شنبې په ورځ

د وچ برید من اولرزد ټولې قوماندان وټاکل شو.
(تاسو باید خپل سورشال لیري کړي، ښاغلی الرزګله)
(بلې ښاغلی جګړن؟)
(هداس ده چې ویی ویل الرزګله په د وچ ټولې
کې دغه موضوع په چاښه نه لګيزي؟)
(ټاکل شوي ده د وچ ټولې ته تبدیل شم؟)
(هو، او هغوي له دغې موضوع سره ښه نلري،
ته نه شي کولای له هغوي سره سم ولاړ شوی،
د وچ ټولې له انضباط سره عادت کړي، له دغه سره
ښال سره په تاسوونه مني، تونن هسه داسې کوم
شي له ځانه سره نه ګرځاوه.
(هسه ټی شوي؟)
- نه، هغه خبر راکړ چې ناروغه شوي دي، حال
یې ښه نه و، له هغې وړځي نه چې د تونن رښې

بیښلې وروڼ وویل: ((هو، هغه کولای شي))

د دې سه شنبې په ورځ

تونن هسه یې په تسکړه کې له حشراتو سره د
مجادلی کوټې ته ونيو، د ننوتو د روزي پر سره
یوه ټابلو داسې لیکل شوي و: ((که جنرال یې
که سربازي، دلته باید خپل وښته وڅیړي))
د هسه وښته یې وڅیړل، د نرس او د یوې وږي
ګوتې د غښ لاسواښوته ورته وي.
د بند وښواوخوا یې لږ سره ښکاریدله.
هسه ته یې په کم شي باندې چې د درملتون
پوې یې درلود مالش ورکړ، ترس وڅیړلې ډوله
لاسواښو د هسه ښوونځي او وروسته یې په یوې ډبلې
کتابچې کې داسې ولیکل: ((تودوخه را، نهښ

څلویښتو درجې ساره او تر شونډولاندې یې زمزمه
کړه: ((بیچاره سربازان))

د دې سه شنبې په ورځ

د سمولسک د ساري ناروغيو د سارایې روغتون
رښې د روغتون له سرطیبې څخه بوښته وکړه.
(هره ورځ څوکه...)
(پنځه شپږ کسه...)
اوربیس وویل: ((نفرت پارونکې ده...))
سرطیبې یې په خواب کې وویل: ((هو، نفرات
پارونکې ده...))
او هېڅ یوه ډبل سترګوته ونه کتل.

د دې سه شنبې په ورځ

د ((جاد ویر فلوټ)) قطعه یې غزولسه، میروم
هسه خپلې شونډې سري کړي وي.

د دې سه شنبې په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسې ولیکل:
(دخدای له مرستی پرته استقامت نه شي کیدای...)
څوکه چې اسپستان ورنژدې شو، له خایه پورته
شوه، اسپستان لکه چې د نړۍ د یوې وچې نیمه
برخه یې پر شا پاروي د سالون له منځه به کړ وپسه
ملاتیر شو.

الیزابت له هغه بوښته وکړه: ((هغه ته باید
کم شي ورکړم...))
د اکړ خواب ورکړ ((نه)) دغه کلمه یې هومره
ورو ویله چې تابه ویل له خپله ځانه شرمیزې
اوروسته یې تونن هسه د باندې ولید د اوه د پا-
ندي زیات غالمغال اوږدل کیده، چا وویل: ولسی
مړي په ارامې سره پرېمکه نه زدي، هر چل هغوي
له پاسه خوشې کوي او غالمغال جوړ یزي...
اسپستان له یو بسترنه بل ته یې هره ورځ اوهره
شپه.

اوږدې وړځي او د شپې په اوز د وکې، لکه د هغه
چا غونډې چې د روند باری بر اوږد وي، کس و پ
د سالون له منځه تیرید،
د باندې، دوه کسه چې تشه تسکړه یې وړلسه
سره خپې راوړلیدل، یوه یې وویل: ((خلکوړم
نمبر ریزش کړي...))

د دې سه شنبې په ورځ

د شپې، اولا په خپله کتابچه کې په غټو تورو
داسې لیکل:
(په جګړه کې پلرونه سربازان دي،
په جګړه کې ټول پلرونه سربازان دي...)
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله، او جګړه
یې په (ګ) لکه ګور.

د دې سه شنبې په ورځ

د سورشال یې له ځانه لیري کړ، سگرت یسې
ولگاوه او په لوږ غښ وویل: ((د ټولې قوماندان
د وچ برید من الرزګله))
په همدغه وخت کې د بزغز پورته شو.

د دې سه شنبې په ورځ

ښاغلی هانزن بیښلې سورین ته وویل: ((کو-
چې سورین د وچ وچ محل لپاره باید ښاغلی هسه
ته کم شي ولیدو، لږ سگرت، یوڅه خوراک، د-
لو ستلو لپاره څو کتا بونه، یوه جوړه د ستکښې اودا-
س نورشيان، هلکان زکام نیولی، زه هم دغه زکام
ښه پیژم، د پیره مننه...))
(ښاغلی هانزن د هولد رلین کتاب څنگه دي؟)
(حماقت دي کړچې سورین، حماقت، نه، ښه
په وي لږ څه ساده وي، لکه ولهلم پوښ او پسا
همدارنگه نور...)
اته خو پوهیږي چې هسه له ساده شیانوسره د پیره
مینه درلوده، په مینه یې خندلې، تاسو خو په دي
پوهیږي زما خدا په دغه هسه څومره کولای شوی
رخاندي...))

د دې سه شنبې په ورځ

میروم هسه د گاوندې د کورنګه رواهه، کله چې
د روازه خلاصه شوه، هسه لیک یې چې په لاس کې و
ونوراوه، مپه یې تونن شوي و.
په هغه ځای کې د سر ودرجه صفرلاندې څلور-
پښتوه اودغه لیک نه وړځي په لاره کې و.
د پاکت بروخ لیکل شوي و: ((میروم تونن هسه ته
دي ورسيزي...))
میروم هسه لیک جگه نیولی و، څو گاوندې یې هغه
نه لیده.

صاحبا ز پوپل

لیلا، لیلا تو روز دوست است خدا یاد دنیا کو روز دوست است



نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اند علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من

— در را در یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی را در یوتلوزین که زنده باشند در روز های مایوسی را بروی من کشود اند. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انرا در طلوع سوزنیک ثبت میکنم بعد از از زبانی اگر خدا بخواهد که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما بوس گله و شکوه به خورد من داد پس یعنی چه؟ بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یواغاز کردید از همسان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت پت بد پرنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما، گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز دوست است

همچنان اهنگ: قدح را سر کنیم شب را سر کنیم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— ایاد راول هاهم از طرف راد پور مشکلات داشتید؟

— بلی. اولین اهنگ راد راد پور با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما، گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز دوست است

یک گپ دیگر هم است من نکایی بقمه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق صرف در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد موجود است.

از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سر کنیم شب را سر کنیم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده ام در یکی از عروسی ها بالا میستیز من بینم. او میخورد اند ((نگاهت راز من برگیر و بگذر که دیگر تاب دیدارت زدم ام)) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکرد. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کرد. ام از او دعوت میکنم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش من ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انرا در یوتلوزین میگزینیم؟ علاقه مندان او از تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

بمیانند کشور ترک کند او نخست به ایران رفت. در انجا با گوشتوش خواننده پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشقی قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از انجای فرانسه رفت و فعلاً در کالیفورنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک مینمود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در انجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام ((گروه کامپی)) نامیده میشود که در راه بین وقت میخواند ام احساس من کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقت او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقت میخواند تو میگفتی گلهامی گلهامی و شاخه های خشک درختان شگوفه میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور پیرو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۸۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید. و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خوانان های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقت متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانواد د دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوزد نعیم پوپل را مجبور

ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

زاکا کال وولک د ژرما راکا کال یوپی

کی نقل زره نازره وی یو آزی
 د خیل احساس سره سم پرمخ
 یخی د خیل مراد د لاسسته
 راور لود باره توله مخکه رانسکر
 زوی د مار به کال زیزید لسی
 هلك قهار شهوت پرست او
 خورا حساس وی اوزیزیدلی نجلی
 بنایسته وی به عابانیا نوکی
 د بنایسته ستاین د باره مار
 فوندي بنایسته اصطلاح وسیل
 کییزی .

نیکمرغه به وی که د مار به
 کال زیزیدلی د گامینی اوچرگی
 به کال زیزید لوسره واده وکړي
 خود بیژود کال سره به طالعمنند
 نه وی د پراگ او وحشی خوگ
 د کلو سره به بدمرغه وی .

به یو یزیم کی مارک نیسه
 موجود به توگه گیل کیزی د مار
 رانو پاچا (موچالیندا) بوداد
 سیل به وخت کی وژغوري مار
 خو پی ی ترهغه وخته پوری ساتل
 کیدی ترخود فیلسوف نگارچون
 د نظر له مخی انسانان د مار
 د پوهی سطحی ته ورسیدل .
 همدارنگه به بوداییم کی مار
 تهر چرگ د شهوت او خوگ د
 جهل سمبول دی .

د منحنی آسیا یخی خلک په
 دی عقیده دی چی د مار به
 کال زیزیدلی نارینه که د سړی
 اومیزی به کال زیزیدلی نجلسی
 سره واده وکړي د هغه
 اولاد ونه به نامتوانان د اره خلک
 وی د مار به کال زیزیدلی نجلی
 که د چرگی اوتوپه کال زیزیدلی
 هلك سره واده وکړي دوی به
 نجونی زیزوی .

د منگولیا او منچوریا خلک عقیده
 لری : (د مار به کال زیزیدلی
 یو معتدل اوزره سواند مانسان
 دی همدارنگه دی به منطقی
 تیز فهم او برخله خبره ولاړ سړی
 وی خو عیب به یی دشرویاتو
 خنبل وی د زره مفعلواو نوری
 اوز دی ناروی به ولری د د
 د باره لازم نه دی چی دخیل
 رییس (وظیفوی) سره جنجال
 وکړي به لومړی سرکی به رنغ
 یو سی اووروسته به له منحنه
 ولاړ شی .)

د تبت د شپيته کلتی کییزی
 بیل د جینی کییزی له بیل سره
 سمون نه لری به تبتکی دا
 دوره د سوي د کال خخه بیل
 کیزی به پداسی حال کی چی به
 جین کی د موزک د کال خخه
 بیل کیزی د دوی ترمنخ توپیر
 به د روکلوکی دی به دی خاطر
 اوسنی شپيته کلتی دوره به جین
 کی به ۱۹۸۴ کال او په تبت کی به
 ۱۹۸۷ کال کی بیل شوه .
 د ۱۹۸۹ کال د فبروري د
 شپزیم نیتی به شیه نوي کال
 یعنی د زره مار کال بیل شو .
 (چی ۱۳۶۸ هـ ش کال هم به
 همدی نامه یاد یزی) د طبیعی
 عناصرو د دی رنگ سره
 مخکه سمون لری کال مونث
 (نرم) بلل کیزی د خختیو
 خلکو په روایت به دی کال کی
 زوری او بد مرضی بیسی سختی
 نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی
 د منحنی اوختیعی آسیا په خلکو
 کی د مار خخه مختلف تعبیرونه
 شته جابانیا ن عقیده لری :
 ((مار د حکمت فراست اوارا دی
 خاوند دی خورا طالع مند دی
 هر خه ته بخان رسولی شی مار
 متکبر او مغروردی خوشتر یافغو
 سته شوی دی مار خورا خسود
 خواه او موزی دی خود علاقسی
 په صورت کی مرستی ته هم دانگی
 کله هم داسی ساتته کوی چی به
 مشکله خوگ بخان حنی خلاصولی
 شی مار د نوروه نظریواو فیصلو

د هر عنصر د باره یوزرگی یعنی
 سورد اور ژر د مخکی سپین د
 اوسینی تور د اوبواوشین د در
 ختی د باره مشخص شوی دی
 کلونه به مذکر (کلک) او مونث
 (نرم) ټول هم ویش شوی دی
 د موزک پراگ نهنگه آس
 بیژواو سینی کلونه مذکر (کلک)
 اود گامینی سوي مار میزی
 چرگه اوخوگ کلونه مونث (نرم)
 بلل شوی دی
 لویه یا شپيته کلتی دوره به
 خختیوه او منحنی آسیا کی لخورا
 پخواخه د تاریخ په مختلفو زمانو
 کی منل شوی ده د انگیزه به
 چین کی ترمیلاد مخکی به د وده
 پیزی به جابان کی به مغولستان کی
 به خلورمه پیزی به مغولستان کی
 د میلاد په خوارلمه پیزی ۱۰ و
 په تبت کی به ۲۷ ام کال کی منل
 شوی ده .

همدارنگه کال میاشت ور
 یخی او ساعتونه هم دخارویوه
 نامه یاد یولی لکه د (صفر متر
 ۲ بجو) د موزک ساعتونه
 (۲-۴ بجو) د گامینی
 (۴-۶ بجو) د پراگ له
 (۶-۸ بجو) د سوي او هندا
 راز تراخه پوری یاد یولی
 لویه کیزیه
 پنخه کوچنی د وولس کلنی
 د وری یوه لویه شپيته کلتی دوره
 جوړ وی به دی دوره کی یو
 خاروی پنخه واره به تکرار یاد
 یزی خوه هر وار کی یوزرگی د
 هر خاروی د باره مشخص شوی
 دی د ارنگره د پنخه طبیعی
 عنصر یعنی درخته اوره مخکسه
 اوسپنه او اوبو خخه اخیسته
 شوی دی د اوشیه لاند نیس
 جدول کی به واضح ټول خر
 گند یزی :

مور	نر	۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
کوهسینه	بنیخه	۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور
پراگ	نر	۳ سور	۱۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین
سور	بنیخه	۴ سور	۱۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین
نهنگه	نر	۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور
مار	بنیخه	۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور
آهن	نر	۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر
مپزه	بنیخه	۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر
لپیرو	نر	۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین
چرگه	بنیخه	۱۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین
لپیرو	نر	۱۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
خوگ	بنیخه	۱۲ شین	۱۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور

نامه یاد یزی به دی ټول :
 ۱- موزک ۲- گامینه ۳- پرا
 نگ ۴- سوي ۵- نهنگه ۶- مار
 ۷- آس ۸- میزه ۹- بیژو
 ۱۰- چرگه ۱۱- سینی ۱۲- خوگه
 نوي کال به د جنوري د د یار
 لسی خخه د فبروري ترخلو رو
 پشتمی پوری (د جدی د رویشتم
 خخه د حوت ترخلو پوری)
 بیل کیدی تل د سپوزم به
 لومړی وړخ نامانعل کیدی د
 منگولیا یی ژری ویونکی خلک نوي
 کال (سگان سر) یعنی سپینه
 میاشت بولی نوي کال به نیمه
 شپیه نه نامانعی بلکه د نوي کال
 به لومړی وړخ د سهار سپید وته یی
 نامانعی اوره دی سهار دی یوی
 سینی خلک د یویل کورته سس د
 نوي کال مبارکی وایی اوسوماتو
 ویش د اعدات تراوسه پوری
 به منحنی آسیا کی پاته دی به
 به میلمستیایکی د فونواوشید و
 خخه نیار سوي خوار به دستر
 خوان اینول کیزی سپین
 خوار به سپینه میاشت لور
 حکمت د رلود او خلک په دی
 ارمان وه چی د اخوا به به
 نوي کال د رمو به زیانید وکی
 اغیزه لری اود پوی خور لسو
 به وخت کی یویل ته دخارویو د
 بجایانو د زیزیدولو هیلیس
 خرگند ولی اوره مغولستان
 کی اوس هم د نوي کال لومړی
 وړخ دخارویو دورمی به نامه
 یاد ییزی .

نه ننگاری د دی پرخای چی
 د اقمری شمسی ویولو به به
 وی چی قمری شمسی
 مشتري زحل کلزیه یی ویولو
 برخه د انگیزه د لمر سپوزمی
 مشتري زحل او مخکی د حرکتو
 خخه ترتیب شوی ده د اداکبه
 هم د وولس کلتی بلل شوی چی
 د لمر به تاوخوا یان دی د مخکی
 د حرکت خخه تصحیح شوی او
 توگه ۱۱۸۶۲ کلنه دوره بولی
 د اوره د لمر به تاوخوا یان دی
 مشتري حرکت دی
 تراوسه پوری د دی کیزی د
 پیدا کید وپخای چاته بحرگند نه
 دی البته به آسیا کی دی خو
 به خختیوه یا منحنی برخه کی د
 خرگند نه ده د یوی خوانجو
 می شمیزه د منحنی آسیا د کوچنی
 کلتور خخه لیری بریسی اوره قوی
 احتمال د چین د خوزون نجوسی
 تاریخ لاسرته راور نه بلل کیزی
 د بلی خواد کلزیه ټول خاروی به
 لږ استتا (بیژواوچرگه) به
 منحنی آسیا کی ژوند کوی اونهنگ
 خوه مرعای کی ژوند کولای شی
 بلکه نوحمل به سل کی دیوه روایت
 تا بید گران گاردی خو بیاه به
 اعتماد سره ویلی شوی د دی کلزیه
 جوړونکی مخرایی کوچیان دی چی
 د مترکوجی مد نیت خاوندان
 وړه خرنگه چی مخکی مورویل دوی
 کلزیه دی کوچنی کلزیه د وولس
 کاله ده هر کال د یو خاروی به

د هر نوي کال به راتلو سره
 ټول خلک د نو یویدیدو البته
 نیکمرغه یویدیدو به تمه وی
 او هر یو د خیل قیاس سره سم
 راتلونکی اټکلونه وړاندی کوی
 د ابخوانی آسیا یی عادت به
 اروپا کی اوس د کلتور او کچر جیز
 گر خیدلی دی خو پوهیزی
 چی راتلونکی کال د کم خاروی به
 نامه یاد یزی اوهغه ټول کالی
 اوما سکونه واغوندي اود کال
 به لومړی وړخ یا شپیه یو بنایسته
 نوبت ننگاره کړی به عانگری
 توگه پنخنی د دی پوینتی سره
 پیره علاقه خرگند وی اورد سر
 زره غواری چی د نوي کال نم
 د هغه خصوصیات او تقریبی
 اټکل شوی راتلونکی خان تصلم
 کسری
 د کلونود اوشی یوه خختیوه
 عنعنه ده چی د پخواخخه د
 کلزیه به ټول د کال د عدد سر
 خنکه دخاروی نم هم لیکل کیدی
 د اوشی دوی دوری لری لومړی
 یی د وولس کلتی اود وده یی
 شپيته کلتی دوره ده کله یی
 پوهان د کوچنی اولوی دوری به
 نامه هم بولی د وولس کلتی
 د نورولس هاوکلزیه برتلسه
 د ویره معموله کلزیه نه ده به
 یقیس ټول د انگیزه د ویر
 حقیقی نه ده لکه یوه نجوس
 او کلتوری کلزیه چی ده به
 علمی ادبیاتوکی یی کله قسری
 کلزیه هم بولی خود ایقینی

د ننی آسیا و نرغاد محلی خخه
د شیر شاه رشاد ژماره



مرزهای دانش

آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (توسفيو جزمين) در ارتفاع ۲۰-۳۰ كيلومتر سطح زمين - منتشر است، هرگاه آن از ديگر تركيبات اتموسفر جدا ساخته شود قشری با ضخامت ۳ ميلي متر را تشكيل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هوای ترمال به ۸ ميلي متر برسد، آزون - راديو اکثف ماورای بنفش خورشيد را جذب نموده، مانع ضرر به پوستی - بالایی سطح زمين و مانع تغییرات حرارت در اتموسفر میگردد.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشيد کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هوای محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمين بر اقليم اثر افکند و درجه حرارت آنرا کمتر میگرداند. از جمله دشمنان عمده آزون نور - روي و محیط بهرکات مشترک کاربن و فلور و کلور میباشند. از ۶۰ سال است که در مچال ها و کولرهايشکل مانع مورد استفاده قرار میگیرد. این ماده زهر آگين نبوده بود، فواران کم میباشند. در ارتفاعی انتقال میکند کاربن را آزاد می نماید، یک اتم - کاربن میتواند ۱۰۰۰۰۰ اتم آزون را تخریب کند.

بر علاوه نور و گازهای مچال، کساید آزون و ديگرومادی که تعداد آنها به ۳۰۰ برسد، قشر آزون را تخریب می نمایند. برای ازدياد معلومات خوانندگان محترم نقل گفتگوی خبر -

نگار روزنامه ازويستيا با پروفيسور ولاديسلور زخاروف ناپنده اتحاد شوروي در گفتوای مونتپال که پيرامین اتخاذ تدابير دروقليه قشر آزون از تخریب بعمل آمده نيمه - قدیم میشود:

۱- آهنگ تخریب قشر آزون به چه پیمانها بست و آزون نگاه در سده ۲۱ چه چیزی را انتظار میاید. - در دهه ۷۰، که تاثيرات مواد مخرب بر آزون مورد مطالعه قرار گرفت، چنين پيش بينی بعمل آمده که در پايان سده جاری ۲۷ درصد آزون کاهش خواهد یافت. مگر خوشبختانه این پيشگویی به حقیقت نرسیده است. قرار میسازد علمي، در صورتی آهنگ تخریب شدت موجود را حفظ کند، تا نیمه سده آینده از ۶ تا ۷ درصد پخش محافظت خود را از دست خواهد داد. مقدار کم آزون اتموسفر هیچگاه به پیمان معلوم نبوده است، در - آواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ مقدار آن صدمه دیدند رفت ولی در اوایل دهه ۶۰ نصدی آن دوباره پاييس آمد و پس از ده سال نسبت به دهه ۵۰ باز بلند رفت و از نیمه دوم دهه ۷۰ دوباره پاييس آمد، فعلا قشر آزون ۳ نصد نازک شده است. - کاهش قشر آزون برای انسان چه تهدیدی را در قبال دارد؟ - لزوم نیست از حجم آنتاب نهاده قشور داشت، چه لباس مادی - بپوشد (صفحه ۷۵)

آیاتصادم زمین با کدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای آهنگهای اطراف ما، که با نجوم و کواکب مرصع گردیده، نمایشگاهی را مانند دران هزاران هزار کواکب و سیاره پرتو افشانی می کنند. زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنتاب دور میمانند، نجات یافته است.

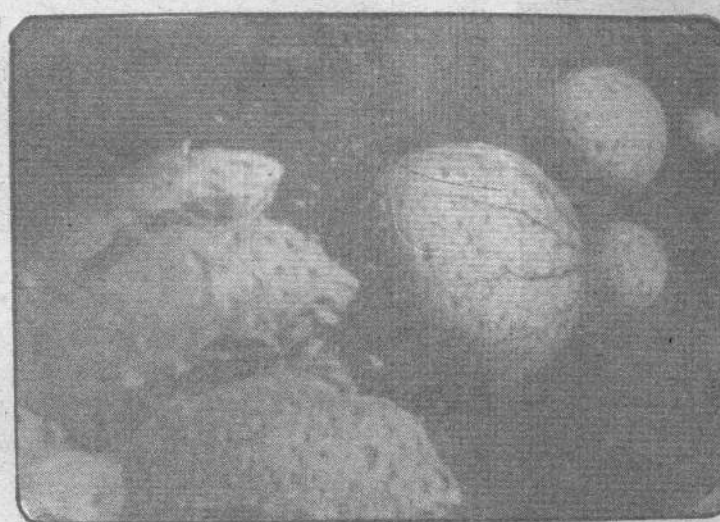
چه مشاهده خواهیم کرد - آنگهی از ستاره های جدار زمین تا دم نماید، علمای اظهار می دارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا به نزدیک و خلقت این امکان به میسازد.

طبایط سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایط خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایط باید در کنار طبایط عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد، برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد:

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش و اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز، سر درد میکند، خواب ندان، اشتها ندان، پاييس از حد معیسن غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه ها و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار میشوم. قهوه میبینم تا خود را تسکین دهم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و...

بوجود آمینان به محبت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگی سازش نمی تواند. داکتر هونگ میدانم که امروز تقریبا همه کس به همچو تکالیف سرد چار است. - پس شما را از نقطه زندگی تان، که در ناهم - نغیت دارد، تدابیر میگیرم. داکتر بابت بیچکاری ظرفیت در آرای سوزن موماندنی به ناف مرید نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریبا همه از دست زدن به آن به تقشایمی آید، درین اثنا داکتر در حانیکه سوزن بیچکاری را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی میشود، استفراغ دام و...

در بیماری سوزن را بالای نهانگا جمعیت پیوست و نزدیک بود با ردیگر ما، در سال ۱۳۲۷ سنیکه (هیومز) ستاره کوچک که شکل و حجم غیر منظم داشت و علما آنرا کوه های پرواز کننده می نامند، تکرار کرد یعنی ستاره مذکور با زمین تصادم نماید. کوه های پرواز کننده از جمله اصطلاحات تلکی است، طبق اظهار علمای نجوم در باره این اصطلاح باید گفت: کواکب و کوه های پرواز کننده مدارات عجیبی را در خلال حرکت سالانه زمین بدور آنتاب انجام میدهد که این کار فرصت های زیاد را برای تصادم با زمین میسازد.



علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره های با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ میگاتن مواد منفجره بوجود می آید، سیاره های ما آنرا می شناسیم تغییر میمانند، زمین با سیارات شدیداً از زمین، امواج غبار و خرابی، مواجه میگردد. این کوه تا دم ولو گرد آید یا خشک به وقوع می پیوست تا شیرات ن سالها سال در هوا باقی میماند. - طبیعت زمین را تغییر میدهد که منجر به وفیات موجودات و خرابی کاینات میشود. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

تحقیقات علمی در قرون وسطی این را پیشگویی میگرد که آیا امکان دارد تا دم یک سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰۰ علی الرغم اینکه نظریه بالا تکمله جوانب وسیع موضوع در میان علمای قرون وسطی نمود ولی عده ای تصادم علمای آن صریحا انهم ضمنی تسمیر این احتمال میکنند:

در بیماریتخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را بریرامون طول عمر، که از هنده سان بدین - سو بر مبنای تدابیر میزبان و نتایج فنانعت بخش آن قایم ساخته بیان میکند. علمای اعزازت وی طب سوزن عموما در رتد آوی سیستم تنفسی، نفس تنگی، تکالیف جگر و تکالیف ناشی از حساسیت ضعیف واقع میشوند. شیوه داکتر هونگ عمر را طولی میسازد، این طول عمر بوعلاوه از زیاد شدن سالهای زندگی شامل افزایش فعالیت واحساس لذت از زندگی نیز میگردد، نکات مهم معده کسار داکتر هونگ است که وی، بعکس محقق و امرانستیتوت طول عمر

در بیماریتخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را بریرامون طول عمر، که از هنده سان بدین - سو بر مبنای تدابیر میزبان و نتایج فنانعت بخش آن قایم ساخته بیان میکند. علمای اعزازت وی طب سوزن عموما در رتد آوی سیستم تنفسی، نفس تنگی، تکالیف جگر و تکالیف ناشی از حساسیت ضعیف واقع میشوند. شیوه داکتر هونگ عمر را طولی میسازد، این طول عمر بوعلاوه از زیاد شدن سالهای زندگی شامل افزایش فعالیت واحساس لذت از زندگی نیز میگردد، نکات مهم معده کسار داکتر هونگ است که وی، بعکس محقق و امرانستیتوت طول عمر

در بیماریتخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را بریرامون طول عمر، که از هنده سان بدین - سو بر مبنای تدابیر میزبان و نتایج فنانعت بخش آن قایم ساخته بیان میکند. علمای اعزازت وی طب سوزن عموما در رتد آوی سیستم تنفسی، نفس تنگی، تکالیف جگر و تکالیف ناشی از حساسیت ضعیف واقع میشوند. شیوه داکتر هونگ عمر را طولی میسازد، این طول عمر بوعلاوه از زیاد شدن سالهای زندگی شامل افزایش فعالیت واحساس لذت از زندگی نیز میگردد، نکات مهم معده کسار داکتر هونگ است که وی، بعکس محقق و امرانستیتوت طول عمر

بقیه در صفحه (۷۴)

تحقیقات علمی در قرون وسطی این را پیشگویی میگرد که آیا امکان دارد تا دم یک سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰۰ علی الرغم اینکه نظریه بالا تکمله جوانب وسیع موضوع در میان علمای قرون وسطی نمود ولی عده ای تصادم علمای آن صریحا انهم ضمنی تسمیر این احتمال میکنند:

در بیماریتخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را بریرامون طول عمر، که از هنده سان بدین - سو بر مبنای تدابیر میزبان و نتایج فنانعت بخش آن قایم ساخته بیان میکند. علمای اعزازت وی طب سوزن عموما در رتد آوی سیستم تنفسی، نفس تنگی، تکالیف جگر و تکالیف ناشی از حساسیت ضعیف واقع میشوند. شیوه داکتر هونگ عمر را طولی میسازد، این طول عمر بوعلاوه از زیاد شدن سالهای زندگی شامل افزایش فعالیت واحساس لذت از زندگی نیز میگردد، نکات مهم معده کسار داکتر هونگ است که وی، بعکس محقق و امرانستیتوت طول عمر

در بیماریتخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را بریرامون طول عمر، که از هنده سان بدین - سو بر مبنای تدابیر میزبان و نتایج فنانعت بخش آن قایم ساخته بیان میکند. علمای اعزازت وی طب سوزن عموما در رتد آوی سیستم تنفسی، نفس تنگی، تکالیف جگر و تکالیف ناشی از حساسیت ضعیف واقع میشوند. شیوه داکتر هونگ عمر را طولی میسازد، این طول عمر بوعلاوه از زیاد شدن سالهای زندگی شامل افزایش فعالیت واحساس لذت از زندگی نیز میگردد، نکات مهم معده کسار داکتر هونگ است که وی، بعکس محقق و امرانستیتوت طول عمر

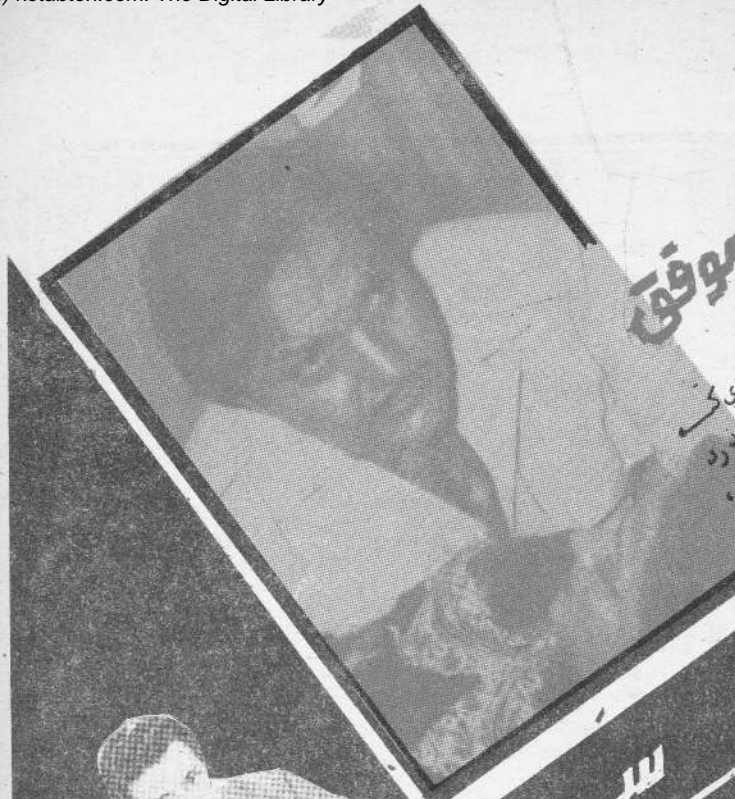
در بیماریتخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را بریرامون طول عمر، که از هنده سان بدین - سو بر مبنای تدابیر میزبان و نتایج فنانعت بخش آن قایم ساخته بیان میکند. علمای اعزازت وی طب سوزن عموما در رتد آوی سیستم تنفسی، نفس تنگی، تکالیف جگر و تکالیف ناشی از حساسیت ضعیف واقع میشوند. شیوه داکتر هونگ عمر را طولی میسازد، این طول عمر بوعلاوه از زیاد شدن سالهای زندگی شامل افزایش فعالیت واحساس لذت از زندگی نیز میگردد، نکات مهم معده کسار داکتر هونگ است که وی، بعکس محقق و امرانستیتوت طول عمر

در بیماریتخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را بریرامون طول عمر، که از هنده سان بدین - سو بر مبنای تدابیر میزبان و نتایج فنانعت بخش آن قایم ساخته بیان میکند. علمای اعزازت وی طب سوزن عموما در رتد آوی سیستم تنفسی، نفس تنگی، تکالیف جگر و تکالیف ناشی از حساسیت ضعیف واقع میشوند. شیوه داکتر هونگ عمر را طولی میسازد، این طول عمر بوعلاوه از زیاد شدن سالهای زندگی شامل افزایش فعالیت واحساس لذت از زندگی نیز میگردد، نکات مهم معده کسار داکتر هونگ است که وی، بعکس محقق و امرانستیتوت طول عمر

بقیه در صفحه (۷۴)

پیرین چوپیره جیره موفق

یکی از غریبانه گان بر فدرت سینمایی عند که نه تنها با آفرینش نقشهای در فم ها کاپوس ترس و د هشت را در فم عن نشانگر زنده میسازد، بلکه از در فم عن غریبانه و (مردانگی) بیخواسی می یابد، بریم جو پرواست. از جمله دست اندرکاران سه دهه صنعت فلمسازی کسراوند است. با وجودیکه به بیرون میگرداند در جهان بر زن و سرون رونقیت های غریبانه بیخواسی هنرمتم نویزی بر نوسان شمار برود.



سردید خاموش شد

و چنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و آفرینشگری جاودانه دست از قلمزنی برگیرد. آن که میخواست از سناریو های نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه ها از ستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیز راه یابد و جلو آئین کرد. ولی دریح که دست همسرش مرگ آرزو هایش را به انجماد و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

مرد خشن با سحرین تیکو



در کارهای صحنه سازی فلم ها آموزش دید و به امورتیه فلم اشتغال پیدا کرد. نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) ((بیک تویل)) به دست آورد، پس از آن نزد بیک ده سال در فلم های ارزان قیمت وسترن (کاوایی) نقش های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آب در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوایی بنام ستیکه کوچ (وضع گادی چهار اسب) می باشد. در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوایی در فلم ((مارشال)) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش ها برای - سالیان متعادی در زمره ستاره های ممتاز سینمای امریکا، او را از دیگر هنر بیشه گان متمایز می گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تمام - شاگردان سینما را بخود منحصر - ساخت. پس از آنکه جلو تر شد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیری بوجود نیارود. بقیه در صفحه (۹۱)

اوزنده گی را دوست دارد - شد و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه و انسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثیل آرایه میداد. این ستاره سینمای امریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسیون کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی اش در ونیترسا (ایوا) امریکا متولد شد، می باشد. (جان واین) در ابتدا اعلا - نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید. در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیوی نوکس در شهر لانس - انجلس مراجعه کرده و در آن جا

نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر می باشد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری می باشد. بقیه در صفحه ۹۳

آره ها

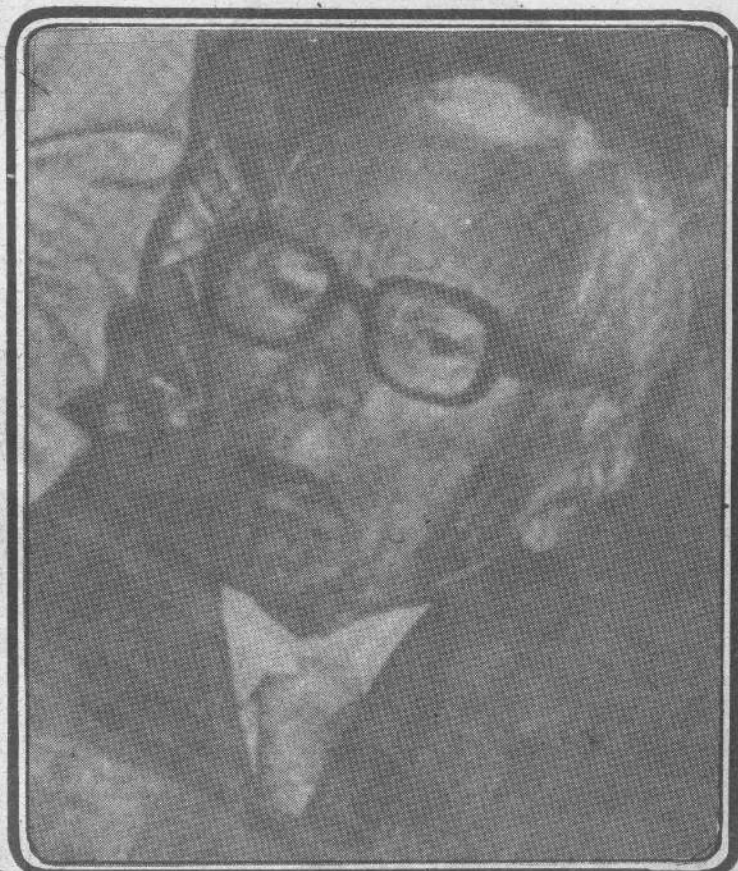


تفصیلات

قافیه و قیافه

کوچک

درسیمای یک مرد بزرگ.



در صد سالگی

چارلی

استعداد و شهرت افسانه‌ای
چارلی در سراسر جهان
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان
حیات خود به شهرت و محبوبیت -
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت
شماراند ، بخوبی کسانی چون
چارلی چاپلین که برای مدت زمان
طولانی محبوبیتی پایان ناپذیر در
میان مردم جهان داشته باشد .
چارلی چاپلین بزرگ که در این
روزها در سراسر جهان با حرمت و -
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد
سالگی تولدش را جشن گرفتند -
استعداد این شهرت آفرین در
ضمیمه همین گردیده بود .
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی
برای نخستین بار روی پرده ، هر
خانواده از نمانش آگاه بودند -
موسکها ، اسپا ، بازی کودکان و حتی
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین -
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه
رفتن چاپلین ابداع کردند ، نامش
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .
چاپلین سیمای جاودانه شخص
را در دل پرده سینما خلق کرد که
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از
دیدن آن شادمان میگردد و کیف
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر
نابسامانی های تجسم کننده تب
های معین روزگاران فلماهای
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .
 - چه کارهایی که نکردم ؟ روز-
 نامه فروش ، شاگردی حروف -
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور
 شدن را از یاد نبردم .
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-
 نوز از جلادادن بوتها ، شانه کردن
 موها ، پوشیدن پیراهن پاک و از
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک
 هاور) ابانه ورزیدم .
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهسد
 وگرم تاشا ی دیکور سالن هتل بود ،
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ
 کنم ، از میکاژ ولباس را بیوتی خوشم
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم
 کلاه شیوی خوروی بسرو کنم و صای -
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستم
 که همه چیز باهم در تضاد باشند ،
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خود
 و بوتهای کلان ، تعبدانستم که جوان
 مینمایم یا من بخاطر نبودن مک سنت
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم
 هنوز بر این روشن نبود ، مگر وقتی که
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نا-
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین
 دارم ، ناظا هر شدن بیورود سیتیز
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛
 همینکه در برابر سنت قرار گرفتم با
 تپیم کاملاً ساینز کرده بودم ، در -
 برابرش به جست و خیز و قدم زدن -
 پرداخته و صایم را حرکت میدادم ،
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی
 های نهادی شکل میگرفت .
 بقیه در صفحه (۱۴)

تعیین کننده صادق

۳۵

حکایت

قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را میدید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انداخت. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

تقسیم دیواری ۱۱ حصوت سال ۶۶ رانشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشته بود. نسا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیچ گلرگه های که از دهانه تنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه د فتر کوبید و اجازة ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: ((قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخوام که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الهه نامزد کردم هفتوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاریخ ۵ نور دختر را در محل و خیفه اش لت و کوب کرد. بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: ((بگیر دخترت را، چله سرا پس بده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاریخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالای شوهرم تنگچه کشید مرمی که از تنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزة ۸ امنیتی هم از

موسم آگاهی دارند، در آنروز هم بدختر گفت: ((چله مرا پس بده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

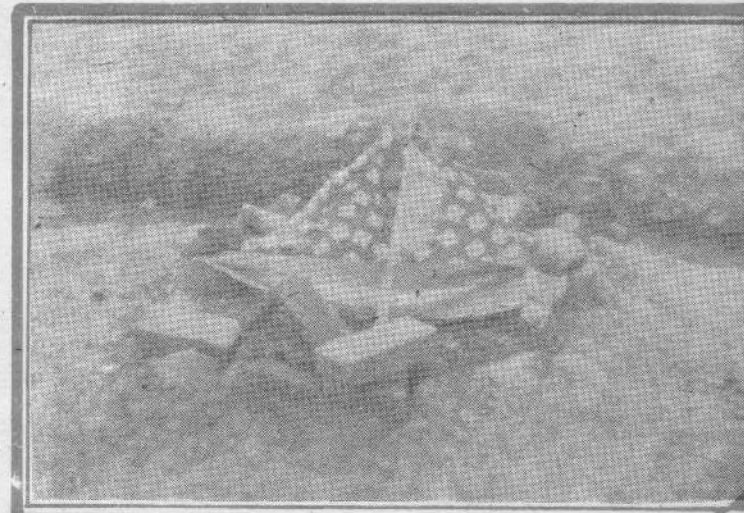
با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاریخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و پالایش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچکی ها دختر بخانه آمد.

- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟
- نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی نامیش رعایت نداشتند. وقتی باد ختر من نامزد شده دختر همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی باد ختر سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)

مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخمی بود



دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

تیمار کرملین

کرملین اهمیت و مفهوم این کار در چیست؟
 دهی از انصاف های باستانی در باره آفرینش که تا به امروز معلوم نیست با رجوع به امپروسه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد یک قلعه مثل امار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).
 و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند و واقعا دیوارهای کرملین همانا به شکل شلختماوی الاغلا ساخته شده است.
 الساق خط دومی استحکاماتی کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پلخت - میدان سبز - میباشد.
 کلیسای ترویتس که رود و مرکز هندس تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سبز گردید (که امروزه نام کلیسای پکروفسکی ها کلیسای واسیلیانته بوده معروف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروتنه - بنیادساز تاجیک از پیروزی - برخانی قزاق ها ساخته شد.)
 قرن (شانزدهم و شانزدهم) عصر وسعت سهیم استحکاماتی سرحدات دولت جوان مسکو و روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.
 در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی بی دیگری مانند قلعه نوگ گردید ایوان - گردید، کولونو و غیره احداث گردید.
 در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با آنهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند.
 بقیه در صفحه (۸۶)

جهان را آغاز نمودند.
 بیانه عظیم کارها، اعمار برج های اساسی، دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت، حتی امروز موجب شگفتی جهانیان میباشد، چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست، در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد.
 اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت، در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعد دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند.
 اولتر از همه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید.
 تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند، بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین را از راه آب اکمال کرد، بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه یا) مسمی گردید.
 در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند. در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید، قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.
 در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) اعمار گردید. این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان، دیوارهای پانزده کیلو - متری جویی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید.
 دیوارهای جدید یکجا با قلعه در قرن پانزدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد، بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساسا - دیوارهای -

دیوارهای کرملین، در واقعیت امر، به یک مخطط معمولی گنجه معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است. از همین نگاه است که سالانه مشهوران رشته های گوناگون هنر، شعرا و مسلمانان پیشانی پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشای آن حظ وافری برند.
دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد
 دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد معمول دولت روسیه گردیده است. در مثل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل - تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است. در سال (۱۱۴۷ م) امپروسه (پوری دولگه روکی) درین تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت. اعمار شهر در آن زمان معنای ساختن قلعه را داشت، معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است. نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود، طبق معلومات در اشر حجلات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمت بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپروسه (ایوان کالیستی) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند. اعمار آنها هم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید. در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دویتسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.
 در قرن XV یانزدهم تحت رهبری شخص امپروس بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکو روجو، پیوتره انتونیوسولاری، الیگز نپانین، میلانتس) به همکاری استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

امبار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پانثل اولی، که میدان سبز را احتوا نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزدهم شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای پکروفسکی ها کلیسای واسیلیانته معروف است، در میدان سبز جلب توجه میکند.
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تکلیف شده سبز ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند ازین و آهن ساخته شده که عملا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر این بناهای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا به این شمار مورد توجهات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بناگذاری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.
 کاخ کرملین مثلثی از برجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد. نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا به این شمار مورد توجهات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بناگذاری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.
 کاخ کرملین مثلثی از برجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد. نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

بنای بزرگترین دیوارهای کرملین اعمار گردید و در پیوسته در پیوسته

فروشنده‌های سبزه‌ها را می‌بینید در فروشگاه‌های هنر

فروشگاه آثار هنرهای زیاده را می‌بینید
در فروشگاه‌های هنر

سخت اعتماد دارند * متخصصان کارآموده هر هفت
دیارتنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران
بها ونادر به هر گوشه که ارد نیاسفر میکنند ، بسا
علاقندان وگردانندگان آثار به داد و ستد میزند ازند
و در حراج ها اشتراك میوزند .

انتونی سبزه ۴۹ ساله ، امر د بیارتنت
نقاشی ، همن تماشای سالون فروشات اگسفورد به
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا ، که
به صورت رنگه آبی کار شده است ، برخورد و به آن -
چنان علاقمند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در
حراج آن شرکت جوید ، این اثر هنرمندی گمنام از طریق
مزایده به قیمت (۶۰۰۰) پوند به سبزه تعلق
گرفت ، چه سبزه حد سر زده بود که این اثر از -
نا بیغه رویایی قرن نژدهم سامویل بالمر است ، بعد
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید .

انتونی گاردنر ، مسوول آثار هنری جنوب شرق
آسیا ، ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید
و ترمیم نمود .

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری ، یکی از مر -
یدان بود ، از موزیم میانامی بنگله دیش آمد
است . او میگوید ، (احتمالاً این برونز رزمیان
حک هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد ، صا
کاملاً آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقامات
بنگله دیش تعهد بسمایند که انراد موزیم ایالتس
بدون امنیت نگذارند) .

با امانده مجدد برونز ، سبزه مبلغ (۵۰۰۰۰)
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد : (آنچه را که ما
انجام میدهم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای
آینده است) .

در حمله آثار افغانی مجسمه های از گند ها را
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کیس
بشمار میرود ، نیز در این فروشگاه وجود دارد .
گاردنر میگوید ، که تا این اواخر آثار هنری و منا طبق

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه
انگلستان از جواهر فروشی سبزه و سران واقع در
لندن ، که (۳۰۰) سال قدمت دارد ، استمداد
جست ، شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت .

این شرکت برای بیش از (۷۰) کشور جهان و
همچنان برای ملکه ، شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر
موجب شهرت جهانی آن گردیده است .

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا
سالانه بیش از (۳۰) میلیون پوند سترانگه داد و ستد
دارد . هرگاه بهترین را میخواهید ، همینجا است
گزانبهاترین آثار در همینجا است .

تلفورد شوت ، امراداری فروشگاه اظهار
داشت ، (این فروشگاه در سطح جهانی جالب
ترین نوع خود است) .

نمایشگاه های سه منزله و گالری های آن از -
مجسمه های شرقی ، منسوجات ، نقره باب ، نقاشی -
ها ، چینی باب ، مسکوکات ، کتب ، مدال و تعداد
زیادی از ایشیا و احنایر برانگیزند و جالب آنگند
است . جالبترین بخش آن قسمت آثار چینی و جا -
بانی است که یکجا با دیگر بخش های شرقی منبع
ثالث درآمد شرکت را میسازد ، اجناس ترتیبی
از قبیل عاج ، برونز و چینی باب چنان با نظم و شکوه
خاصی در اناقه چیده شده است که کویلا خان
میتوانست آنرا به شرکت خویش در خاناد و انتقال
دهد .

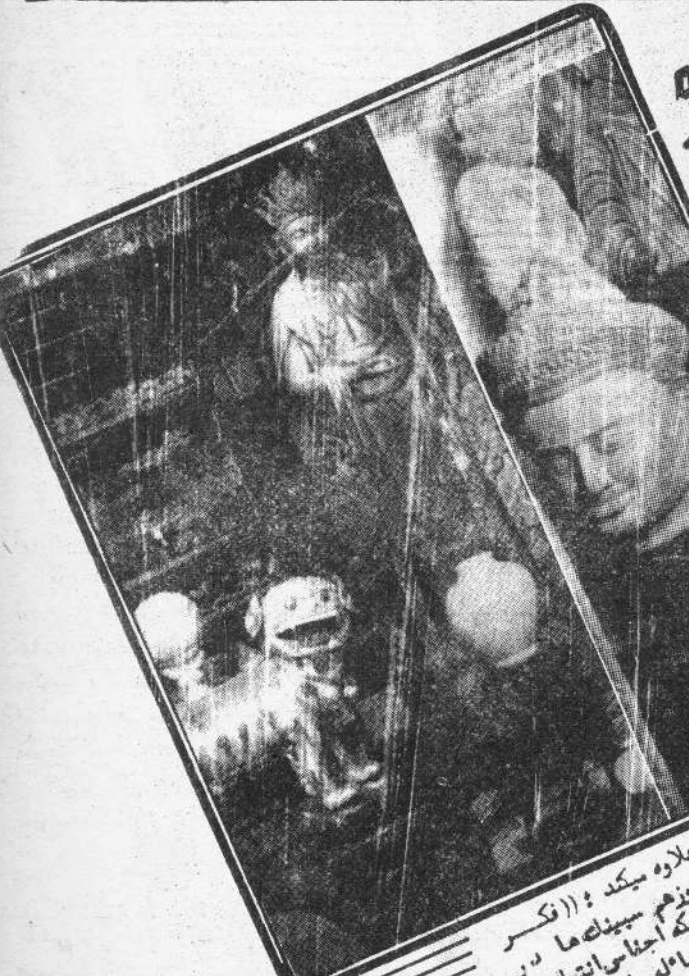
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -
است و روی آن شلنگ نقره ای که منقوش با جعره ملکه
سکات میباشد ، در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آرد .

داشتن همجو اجناس د لکتر توجه علاقمندان
ماورای ابحار را بخود جلب نموده است ، یک امریکایی
سخت علاقمند است تا در برابر دست آوری مجسمه
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند .
مشتریان خصوصی و موزیم ها به فروشگاه سبزه

مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فاین تحصیل کردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوزم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که باید داشته باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوزم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

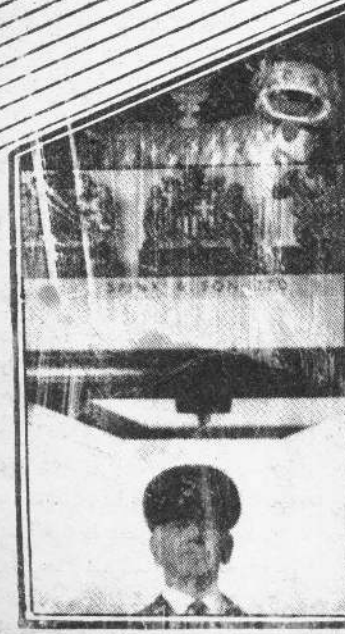
دیپارتمنت نقره می که موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برایم نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابسه مهمترین بازار نقره میشناسند، در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیزم دم یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ اطرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سیرد دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران برتانیوی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایم کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوفسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و انزن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازندوی میباید . شوهرش به جرعت اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است . نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته هایش نمیشود . به مشکل موفق میشم که قصه اش را از خود نریشم ، میگوید : ((ما قصه میکم به شرطیکه تو او رو چاپ کنی که کل دنیا نم مره بفامن و بفامن که چی دل کلانی دارم و دگه مره ملامت نکن و نگوین که ما به دل خودم زن هر جایی شدیم و ...)) قبول میکم و او با زسان خود قصه میکنه و من با زسان خود می نویسم :

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه باشم و بی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم عمه بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزنده می درمن بدید آورد ، فضایی هرات زمین (زادگاهم) برایم تنگ شده بود . همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا (گل بی بی) خطاب میکرد ، گلی که برپرشد - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر نسیم صبح نداشت . در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن - زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی ازقائتر مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده سالگی آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه گذاشته شوم ، آنها در شهر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم جز یاد های از مادرم به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود ندارد . او مرد و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشته . من طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، تازه د شناسمایشان گاهگاهی گوشم را نواز میداد - من تا حال از سکوی بلندی دست و پا زان برتاب شده بودم - هنوز به زمین نخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم . آنشب در دست شپش بود که ننگه های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی دور از عفت رامیسم - آنشب نامزدی جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی - هایش جز آزار چیزی دیگری را نمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده بود که با جینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر (گل بی بی) مادر نه - زن دوازده ساله بی بودم .

و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمرم آنقدر خود را ناتوان و ذنبون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهام به من میدیدند و شاید تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگریستم بی زنی با مهرانی دست به سرم کشید و چنانکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی آرزی داده شود ، دلیل ناراحتی ام را برسد تنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بیبیکه سرگردان یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده می بود زیاد ، از این تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از تو بگوید ؟ و من بدون هیچ پرسشی پذیرفته در حالیکه دست بی زنی را در بین موههای چرک لمس میکردم و لطف غرض آلودی را احساس میکردم ، راهی منزلش شدم ، در خانه محقر بی زنی یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این خانه محکم به پذیرایی وهم آشپزی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم کسی بهره داشتم زنده گی در این خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : ((کالایته جمع کوکه ترو به جایی میسم)) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت سوار سرویس سفری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به شهری حالا دیگر برایم مفهمم نداشت چه من از خود نبودم - شاید اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم . در قند ها مرید در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر دیگر کار میکردم ، مراد ریدل بول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازه - انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . (بخاطر آمدن بود که زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از ویا آریزان تا خانه آورده بود و من فکر میکردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز) .

من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غمگین به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا باید محکم به زنده گی شو و اینبار تقدیر مرا دوباره به کابل آورد - نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی به کابل در خانه بی انتقال داد ، فکر میکردم شاید در اینجا تنها یک مایه داشته باشم ، اما در رخ که اینبار هر شب ویا چند شب بعد مالکهای موتقی را باید پذیرایی میکردم - با عین این آدم نماها خود را برایشان سرویس کتم ، در دستهای قهار و وحشی شان بلوتم و دره دره - وجود را ، وجود کوچکم را برایشان تعارف نمایم صبح عا از کسالت شیهله بخوام

تعبه کننده صباح الدین رهش (۸۶)

سر گذشت یک زنده گی بر باد رفته

ازهریسی



پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زلزله خاکی شده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که برای زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

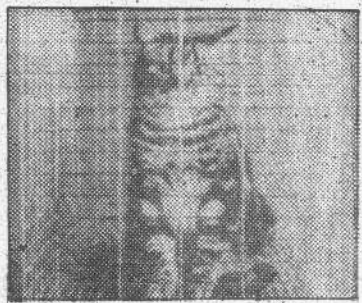
قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک های معسره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آنها رسیدگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود، قارن به شفاخانه اطفال در فلادمپس در ایالت پنسوانیا برده شد.

دکترول، وسترمان دهن شفاخانه پسر از معاینه پسر بچه گشت دو انگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوستند و زنده ایمن عملیات که دو انگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدند چهارده ساعت را در هرگزوت، دکتر وسترمان یک وید دست قارن را نیز با وید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد، این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالت متحده فرستاده شدند و با این احساس معجزه سیامگدان از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشته اند.

ازهرده پشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است



دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پشک ها معمولاً این مرض را از حمله به یکدیگر میگیرند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمیکند. آزمایش روی انسانها به یک با چنین پشک ها در تماس بوده اند ثابت میسازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

پولیس در پی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در محلات عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس را به این در تعقیب آنانی گماشته شده اند که سگرت را نادرده بگیرند، واکسیر چنین شخصی بدست پولیس یافتند از ۲۰۰ پوسوتا ۹ دالر جریمه داده روز زندان، چرا خواهند دید. طبق این مقررات هیچ شخصی اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکشد و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیره و مقامات مانه لاد اولتر گرتش موتوهای بهزلسی میخی پس را ممنوع میگردند که ستونهای از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را بازمی آورد.

لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به حشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت طاهره رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید. آن کشور از دست دهد.

بخطرات جلاوگیری از قمچین کاری پدرش را گشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند.

مسول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر بخاطر تنبلی واخذ نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمچین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد.

قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.

خانه جی ها



یک سگ ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بد نیا آورد که رحمت عمه نوزاد - دان خوب میباشند. خورد ترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزاد آن کم است به نیتا میباشند که بحالست

عادی نوعی نماید و در تدا وی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بد نیا آورده

تهیه کننده: حسن نیر

آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هند، آتش سوزی ۲۰ نفر را کشت و ۲۵ نفر را زخمی ساخت.

آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان، هنریشهر دایرکتر، سریال ۵۲ قسمتی ((شمشیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد، علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکاران گفتند که خطری جدی زنده می اورا تهدید نمیکند.

قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان، پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

از هر یک

اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



اکیهیتو، امیراتور جدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکا) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرو عیتو بدست می آورد.

انژون بران، ۲۵ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

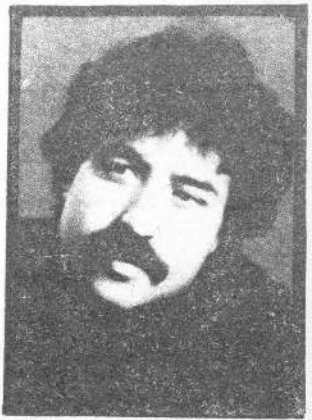
سه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سازمان و اشخاص اصلا ذهن زمینیه چیزی نهادند.

تعداد نهادی به این عهد اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجایا سحر های علمی به منظور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجار و روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات به نهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپذیر است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه است که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشیم.

از گپ های که ما خبر شدیم

آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر نه و ساره در مباحث خود یاد رفتن جوانان گت: حاج مع سابقه بد هم و شرطی عم نام منو بر اینکجه اگر در مسابقه بره از من نبود بنجهد هم ارادمانی می خواهم، اگر با حتم می بردن، کسرت مسابقه حاضرند مسرت را بید یون.

معشر سیم حاضرند و گت منتقم معشر واحد مسابقه نهدن من با برنده مسابقه، دست و پنجه نرم می کنم.

وقتی از معشر پرسیدیم، حالا سخن از چه فرار است؟ گت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از منی آید و من ندانستم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جندی بود؟ و بالاخره بخبر من کیست که به گپ خوب مردم ما قاپو داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستار علاقه داریم یک مسابقه جالب دیدنی راتناشا خواهیم کرد.

جندی قبل معشر معسار نواز با استعداد کنورد و صاحب خود در برنامه هزارویک گپ تلویزیون و در رفتن جوانان گت: حاضر نیست تاده سان آیند، جاب هنری این راه کسی دیگر

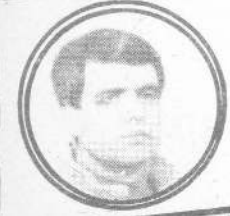
صد قسم برای یک بوجی آرد

نور سیاه سنگ منایل نقلیه ار دو نزد یک دکان لالا غفور بیروسیا در عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس میخورد که خدا به قران به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه اردیبهشتی عم میگت از برای خدا چرا نامحس نس میخورد، هر نس بوجی از آرد من که همین چند لحظه قبل از موتربایس کردم و از هزار نس با خسته آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت بیس، زیرا موتربیکه بوجی آرد بوجی آرد و در موترب بهارا آرد همینجاتی خالص نمون، منتظرین، موتربیکه نس اما آن معشر نس و قران میخورد که (بالا سره کت) این بوجی از خودم است و توچار بوجی را به بخلوبین بایب کردی، خلاصه به میانگیری یک حاجی موسفید ه آن معشر گتند تو حاجی موسفید دست را بالایی بران مجید بگا ریب و نس بخوری که این بوجی از دست! گت بلی من حاضرم و چنین کرد. آن مرد بیچاره بوجی آرد و در موترب ب

انداخته سوپ کارت نورفت مردم از آن نفر دیگر پرسیدند ترا به خدا راست میگت که این بوجی از دست گت: بیاید در خودم فریب بد از گت نگویس و او نس بوجی آرد خانه می برد نس خوردم که از ه این چسرا و تیکه خرد بونم در مسجد درس میخواندم شنیده بودم که برای نه ات دادن جان نس خوردن راست و بوجی آرد آن معلوم را به دست انداخته سوپ منن خون رس.

شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیمه محسن بوهنخی و تزئین بوهنخون کابل:

شاد به کارمند محمی یکی از شماخانه ها: س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟ ج: ساریان به گفته شما کارمندان جی، شریان مغزی کفانده و با تا س از سرف راست بدن فلج بوده در ایار شانس در ستر مریضی فرزند دارند محمد سرف از لیلان چسار نود فامیلی خیرخانه مینه: س: چرا بعضی از معترمندان عتگام بسنگ در تلویزیون مسی لرزند؟ ج: آنان نمی لرزند، حتما سرف خود را نبینند.

س: برای مدت کوتاهی در نشرات تلویزیون تغییرات خوبی دیده آمد اما بعد از گذشت چند شب، دوباره نشرات مسیر قبلی خود را گرفت، یعنی اینکجه اصلاح قابل دیدن نیست، چرا چنین شد؟ ج: میگردند، در جوییکه آب رفته باز می رود!

س: چرا بعضی از معترمندان موبع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟ ج: به خاطر اینکجه میخواهند جو سرف خود را نبینند.

شیشه تلویزیون شمالی است یا چشمانتان نقص پیدا کرده حتما به داکتر دندان مراجعه کنید. گلانی محسن روزنالمین: س: برنامه عسارویک گپ تلویزیون که متواتر هر شب سسر میشد چه شد که یکی و یکبار نشراتش دسغ شد؟ ج: این خود یک گپ از هزار گپ است! سیمین از مکروریان س: س: خبر شدیم که سیمیا ترانه بنج انگشتش سوخته چرا؟ ج: کسی گفته بود، سیمیا بقیه در صفحه (۸۸)

جان ترانه علاوه ازینکجه هنرمند خوش آواز است بنج انگشتش شس چراغ است، علت سوختن درین است. فریده کارمند فروشگاه بزرگ افغان: س: خبر شدیم که حاجی کامران بازم صاحب فرزند پ شد مبارک است، میخوایم بد انیم چند بچه و چند دختر دارو چند ساه عسند و آیا بازم می خواهد فرزند داشته باشد؟ ج: حاجی کامران صاحب یازدهمین فرزند شد که دختر بقیه در صفحه (۸۸)

اسد بدیع از طبابت دست می کشد



نور اسد از لیب و بابت کساره گیر کند. وقتی این شایعه را جاییو شنیدم، گت پرسید بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار بگیرم نمانده که سرفاس برود گتند نماید ه نفع خلق - الله تدا مرکز ترانسپورتی شهری رایا استرات چندین تن از تجار ملی - ایر نمایند و با باید عم مواد اولیه سرف معترمنان را تهیه نمایند باران ترانس روز هنر رساند و با م کدام کسار نیب بگیرن را نمایان نماید. ازندان چند روز پیش ازان در همایز دای را بدیع ازان در همایز دای را بدیع

تلویزیون دیدیم که جهست گرد اندگی برنامه سفینه راد یوی آمده بود، غمسه موسعات شایعاتی راه در مسورد او شنیده بودم برای سعه کرد که بعد از شنیدن و تین بسیار آرام و شمرده گت: زلی جان همیشه این حرفها درع است تو باور نکن گت من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خندید و گت دست اختیار - اری و من برای نسه ای کردم ازین فرار میگردند شخصی بود که فکر میکرد تانه گتیم است، اورا دست تد اوی ه اساینگاه می بردند و گفتور

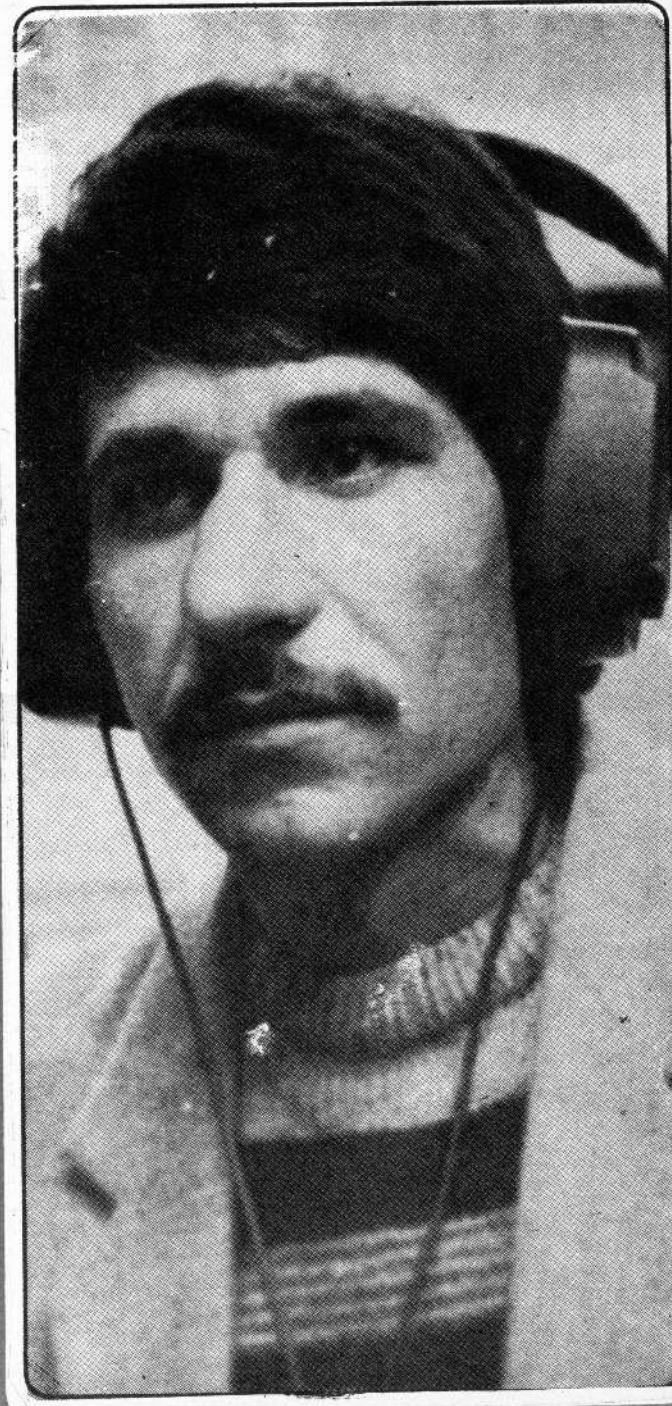
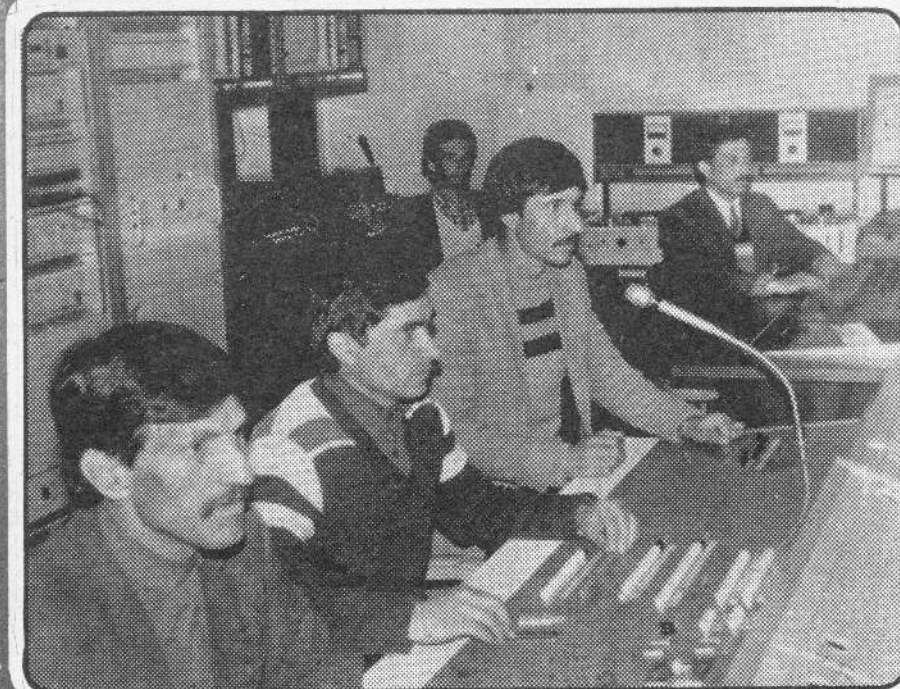
ان مجرب روانی اورا تحت معاینه قرار دادند و زیاد زحمت کشیدند، رزب نکتور موسفت اورا سزد خون خواست و گت: بران رتو اگر تانه گت نیستی، تویت سرف دستی یک مرد کاملاً عسار بی وضحتند از تانه لیاپت، سو میتوانی عروس کنی و با صاحب اولاد و نواسه شوی، تو میتوانی صاحب یک خوی بانوی و سه مرد خدمت نمایی ۰۰۰۰ باریس جمله حرفها مرید یاد رفت خاسر سخندان نه کتور اسندید در اخیر به وی گت: تشکر دارم صاحب من هم قوس می کنم که من دیگر تانه گت نیست اما خدا کند که موفنا تین کند.

مجله ناولوژی

صاحب از اسد بهج

سی از یک دهه

گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



بایک تابلوی نقاشی از تیشه های طبیعتی - با الفقه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سعی داشته باشیم، چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحات از بینندگان تلویزیون هست، چون مجله تلویزیونی در جایگاه یک برنامه اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا بر این بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تحصیل کرده کویاز صدف یازدهم مکتب الی بالاترین - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداختن های برنامه، موافق شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راه برای تلویزیون پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم داریم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام در میان بگذاریم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتو ارسال بقیه در صفحه (۱۱۰)

تان باشید، کدام بخشها را بیشتر می پسندید؟

برنامه مجله تلویزیونی یکی از برنامه های اختصاصی تلویزیون است که در سطح بلند هنری ادبی انتشاری باید طبعاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان بینی های فرهنگ کشورهای مختلف پر دازد، مطالب مجله تلویزیونی انکسوسه معرفی و شطاسی هنری خفوم کلی و عام آن به مثابه یک نیاز حتی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تامل آن، دستی یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارزشمندی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از زمینه تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع - (پرویش هنری) است آهنگهاییک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شعری

هنری اما با در نظر داشت محدودیت های فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه پرویش، صرفاً مستتر حکم فرموده ما من همکاری همراه است که لازم حدائقه ایش سپاسگزاریم کم.

و اما در زمینه نوشتاری ارسال هم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه، کلا بدوش من گذاشته شده علاوه بر نوشتن بخش های درسی، بنا بر عدم موجودیت نهی شده پشتو در اداره، ما نوشتن بخشهای پشتوئی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام میدهم.

در گذشته نهی شده گان - دیگری چون شهره داء، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف مستتر سرورانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نهد.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به روشهای مخصوصی به یک هرزه تشریحات خود، تشریحات میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشریحات رهسپار است؟ بیننده های برنامه، تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بیننده مجله

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که پاتویه، نوشته و دایرکت برنامه، مجله تلویزیونی بارادیسو تلویزیون همکاری دارم کار من در - تلویزیون، اساساً در دو جمعیت هرزه، شکل یافته است؛ کارگردانی برنامه ها نوشته کسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلویزیونی، برنامه کتاب را نیز برنامه ((برگها)) اساس نهادم که نهی شده کی و کارگردانی اثرات نهی شده مدهد داشتیم، جدا از آن، دهها برنامه فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلویزیونی راتویه و دایرکت نموده ام، البته در حاشیه، از نوشته ستایشی فلم داستانی ((سهند)) تیاتر تلویزیونی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلویزیونی انقانی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتویه برنامه، مجله تلویزیونی شما راهگاری میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه، مجله تلویزیونی همانطوریکه اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مسئولیت و مشکل مهود، انیک پوییت و مسیح منحص در صوم بخشهای فنو و

که راه، موسم ستدر دوید برتو شده، کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد، از اصطلاحات هرزه، این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از آنزه های فنو کار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیک و اصطلاحی (شاید درست و شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگرداران - غیر مسلکی، تدوین شده است. اما، کار من وقتی کارگروه کبری از دایرکتوران تلویزیون، مبتنی است بر تجاریک حین کار و اصلاح بدت می آورند، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه، اساس کارگردانی برنامه های تلویزیونی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که بارادیسو تلویزیون همکاری دارید، کدام برنامه ها راتویه کرده اید (البته جدا از مجله تلویزیونی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراکیری رشته ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلویزیون، در ایلاتی داشته های نیم جان و پاتویه (روشن سازی هنری)، برنامه (مجله تلویزیونی) یگانه برنامه نفس کی و زنده، هنری ادبی است که صیقل معقول سلامت آرایه مؤثر را دارد بیشتر برای رانفان و رهبران هنر و ادبیات درخور قبول و پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلویزیونی) که خود، انبیا، نهی شده و شامسر است، نوشته ها و کارهای دتسوق هنری - ادبی ایش و صداق لبید صیقل روشنگرانه ایش میباشد، گفت و شنودی تهیه دیده ایم که پیشکی شما شود:

س - آیا در رشته دایرکتوری تلویزیون هرزه در زمینه برنامه سازی - تحصیل بخصوصی کرده اید؟

ج - کار در تلویزیون طویبت که معایب و روابط خصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از ایلاتی کتابها آموخته ام. اما در تلویزیون ما، همانطوریکه اشاره کردم، بسیاری از مواردی

دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب
 هرچه میجویی بجو
 بیکران بحرست ، گزهر بیحساب
 هرچه میجویی بجو
 فارس گویی ، دري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 لفظ شعرو دلبري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 بهرمن تنها زمان مادر است
 همچو شیر مادر است
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست
 چونکه مهر مادر است
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم
 دوست میدارم و را
 چون نوازشهای گرم مادرم
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

کاسه

بلبل به فغان چه کار دارد
 نه که خبر از بهار دارد
 قمری به طلوع صبحگاهی
 جشنی به چمن هزار دارد
 چشمش ز شراب ناب امشب
 پتگرکه چنان خمار دارد
 مردم زنگاه آشنیش
 گلگونه قبا ، نگار دارد
 اندام ظریف و نقره فامش
 بردل هو من شکار دارد
 آید بیم ز راه شوخی
 حیف است به غیر نظر دارد
 صید کشته بود و بناز و رامش
 خون شهدا ، وقار دارد

مشوش

من مرغ اشم
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم
 در من هراس نیست ز سردی و تیوه گی
 من از سپیده های دروغین مشوشم
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار
 نشکست ولی غبار دارد
 پژمان شده اسپیر زلفش
 صد همچو منی بتار دارد

بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی
 درسی شوی دادی خیلی بنییرا گانی
 نه چی زما دعاوی تالره بنییرا شوی
 چی ترکی تلی ستا دادا گانگو
 هغه لاری زما ستا ترمنحه پیری شوی
 دمانام له تیکی تیخ دهلال ووت
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور بنستی
 به هغو بلهارو لکی هد پیری شوی
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی
 خاورو لاندی خه بنایسته نیگی خیری شوی
 بیا به و سپری رسی د سرو رید یو
 که به سرو وینو خرویی می میری شوی

پوهاند زیار
۶۷۲۲۲

بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار
 بین زکان طبیعت به که سار سبزه
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار
 ببر کنسید ، چمن جامه ، نگارین خوش
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه ، من
 جد از وادی عشقم به جو بیار چکار
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب
 مرا به بیک فریبند ، خماری چکار
 فغان و ناله ، مرغان خوش ترانه شنو
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین
 مرا به سپروسفر سوی گل بهار چکار
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد
 شکسته شیشه ، قلبم مرا قرار چکار

مته، نیت

گرتویند اري دل م را حز تو یاری هست . نیست
 یاغم را غیر مهتر نمکساری هست . نیست
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست
 و برپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست
 گر کسی گوید که درد دنیا به دوش زنده کسی
 سخت و سنگینتر زه جریار یاری هست . نیست
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

غزل

ماد خپل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی
 به مائل کانی وریدی دی به دی کوخه کسی
 به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی
 تامل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده
 داسی می لیرد پرخه کتلی دی بعدی کوخه کی
 سترگی خمار شوندي مسکی انگلی ولونه ولسونه
 خه خطرناک قاتلان بنگلی دی به دی کوخه کی
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی
 مائل د هجر زهر خنکلی دی به دی کوخه کی
 توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

دخوانی گلونه

زیاد مینی بنگلی بنگلی پسانسی
 چی د سپرلی بنگلا پری بیه بنگاریده
 به مومرینولپچو خوب ته بی سرنه تیتاوه
 د بپنشی عظمت نینه بی
 پرته خته کی وه
 دغه غرور بی د پیری بیرونو
 مات نه شوکر ای
 کره صدقه بی له زلفانو
 دخوانی گلونه
 خودغه تورماران بی
 کله د غاری امیلونه نه شول
 چایی دیانور زیدل
 به شپه کی ونه لیدل
 به جوانی برگ مینی
 د جاخماري نازینس سترگی
 باندی نمجنس نه شوی
 خودخوانی گلونو
 د جانا زکوبینوته
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

پروانه ها

پروانه های پروانه ها
 پروانه های خوشنما
 پروازتان بس دلنشین
 بر آسمان و بر زمین
 کالای خوشترنگ شما
 رقم شما، جنگ شما
 روی گل و روی چمن
 روی علف های دمن
 مستانه بال و پرزید
 بر روی من بر پرزید
 گفتم بگیرم بالکت
 آن بالک خال خالکت
 از دست من گشتی رها
 رفتی سوي تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش
 در شام تار طرز صدایش نخواند است
 اما
 زلفان تار دختر شب
 روی ماه را
 در چنبر طلسم سیاه کشید است
 اری!
 شاید که زنده کسی
 يك انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو
 آه ای خدای من!
 چون شاخه های خشک درختان
 در آستان درگه * تو با کمال عجز
 از فرط یک نیاز
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است
 دستم تعی مدار
 آه ای خدای من!
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست
 و اینسان غمین مدار
 هرگز رواندار خدایا که قلب من
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه
 هرگز رواندار خدایا که چشم من
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه
 مرضیه عدیل

شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها
 بوی تراب کلبه ای من می براكند
 من، لوح خاطرم:
 با قاف قامت تو،
 دل انگیزی کنم
 با یاد پادشاه تو،
 شهبازی کنم
 محسنتی "سوزن"

لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی
 میگی ی خود د ن هدا وریکی ناخسی
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا
 کلی گی نه شته دی بیوجه لیونی
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی
 کله کوی جاته سجده لیونی
 زهیز به کوریه لبی پلی وی لا
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

السمعیل

شبنم پاک سحر

واضپ باز میانند
 نشان شیخ اندامت
 به دیوار دل پادم
 که می آبی به سوری من
 به دیت ابروی صفا من
 و ناله ستان البرزانی
 خدایا، نه، چرا سر زان
 که شیخ است این که میگرد
 نه دستان سید مریم تو
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم
 مثال شبنم پاک سحر گاهم
 در آغوش نرمانوسم
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران
 به رویت باز میگرد
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

بهار و باری

یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 درختان شکوفه بار
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار
 من با ادب بوسه بچشم زلف او
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار
 وانگه بجام چشم اوستای من بنبار
 یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 (لومان) تویی خنار
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



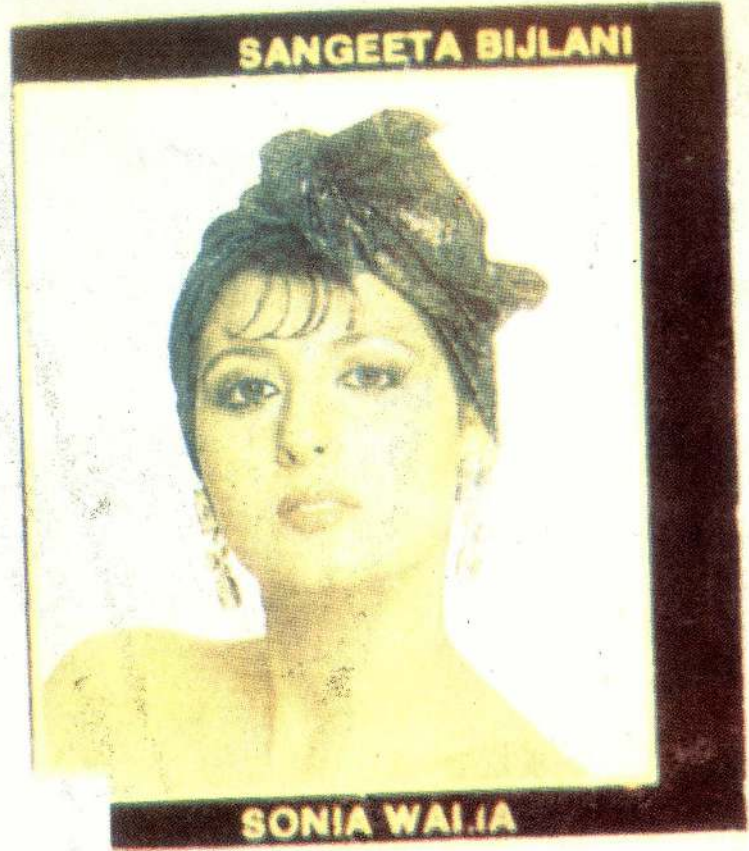
سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سه سه
فلك كشيده در جهان آنقدر نهاد
نمست • مزارع آسمان خورش از -
همان آفا ز مورد تعجب و حیرت مد و
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری
نشاندهنده اوج ترقی تختک
دین هیا آن مرحله تاریخ است •
در آفا ز چنین مزارع یک چیز
کامله لوکس حساب میروند و ملتی که
آنها بنا نهاد بود به آن افتخار میکرد
ولی امروز مزارع آسمان خورش نظر
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل
امار چنین مزارع سه فلك كشيده
میشود •
حساب آسمان خورش ها هرچ
های بلند در جهان به هزارها
میرسد ولی فقط نام بعضی از آنها
زمانی دهن به دهن میگفت و آنها
را بنامهای بزرگترین ، بلندترین
••••• تهن می نامیدند • از ساختن
های بلند ترین اول یکی هم بلند
تهن اهرام مصر است که بنام کوفی
(Cheops) یاد میشود • این
ساختمان سنگی ۱۶۶۱ متر بلند
بوده و از سال ۲۶۰۰ قبل از میلاد

تا امروز با برج ایفل پیوسته است حتی
انسان امروزی از دیدن این هرم -
دست تحریر به دندان میبرد •
انکشاف واقعی ساختمانهای
بلند از زمان گوتمک آفا ز میشود •
دین زمان در تمام جهان کلیساها
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس
را در شهر رم که ارتفاع مناره آن به
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم
چنان باید از قصر گوتمک در شهر
کولن آلمان یاد دهانی کرد که
۵۷ متر ارتفاع دارد •
بها دگاره های تاریخی همگین در
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم
نیز در پیوستیم ، ولی همان آمدن برج
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -
مصری با استفاده از تکنالژی جدید
بستگی مستقیم دارد •
اولین برج فولادی با ارتفاع
۳۰۰ متر که مدت نهادی در جهان
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •
این برج طی مغل مجالی بمناسبت
تعیینگاه بین المللی در سال
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و
طراح آن گوستاف ایفل منفی شد •
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -
مادل های این برج گایی و اعمار
شده است •
بیکار در برج ایفل مدت نهادی -
شکستنده شده ، بالاخره در سال
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما
خراش کولمبیا بلدیگ (CHURCH
BUILDING) که ۳۰۶
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بیکار
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •
مزارع امپایر سٹییت بلدیگ
(EMPIRE STATE
BUILDING) این مقام را برای -
نیویارک گونتی کرد ، این ساختمان
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •
آنقدر زمان دیری نمی گذرد که -
ارتفاع فوق راسختمان دویچ مرکز
جهانی تجارتی (WORLD TRADE
CENTER) که ۴۱۲ متر -
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -
تین ساختمان جهان که در شهر
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی
که در شیکاگو واقع است دارای -
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام
SEGRS TOWER یاد میشود •
در طولی ساختمانهای بلند
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار
شدند •
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲
متر داشت به دست آورد • این برج
بقیه در صفحه (۷۴)



SONIA WALIA



از دنیای مود

تجزیه و تحلیل



حرف‌هایی از دومودل معروف

تا زمانی که فلم

((خون بهری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شبه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تهن امید زمانی توام باد لهره جاس * برای آنکه قهل از این فلم ، در فلم های ((تیر - شهرین)) و ((آگوش)) نیز ظاهر شد ولی شعری از ککار خود نگرفته بود *

وقتی اوراد در ((پانسیون)) که زنده گی میکنند ملاقات کردم در برابر پریشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بهری مانگ)) برای - ثبوت اهلیت هنری من ، وجه تعیین کننده یسی داشت)) *

ایمدها نیک و تفته کوتاه ، به دناله * حرف هایش افزود :

((خوشحال استم از اینکه ((راکش روشن)) در فلم خود برایم فرصت کار داد و با این زمینه سازی ، شناختی بین ما پیدا آمد و موقع یافتن نامردم برای هنر و استعدادم تهنش قایل شوند و از نمایش فلم به اینسو ، روزی رابسه یاد ندارم که زنگ تلفون به صدا نیاید و از کارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نزنند و برایم تهنک نگیند *

عده بی راعیده برای این است که ((راکش روشن)) کارگردان فلم ((خون بهری مانگ)) از من به شیوه * نا - جایزی استفاده کرده و کار حوش شنا با لباس های ((سکس)) مرابه انظار جلوه داده است ولی اقتصاد من این است که اگر در کار حوض شنا ، لباس شنا رابسه تن داشته ام که به مقتضای * حنه * فلم است این چه گناه کبیره است که از آن حرف نامی بافتند ؟

آیا تهنیک به ننده این است که در کار حوض شنا ، دختری با لباس سوراخ ستور حاضر شود ؟ آیا در محل - شنا ، پوشیدن لباس شنا ، امر کاملاً طبیعی نیست ؟ اگر کارگردان مراد در کار حوض شنا ، با لباس های

که ((سونم)) در فلم ((وحی)) ظاهر شده است و ارد هکرد بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جای بزرگی بود که بر من تحمیل میشد .

در فلم ((آگوش)) نقش زن یک هنرمند به نام رسیده بی رامتعهه بودم * نقش نهایت پرا زوا مض و ایادامات بود ولی کارگردان ، مرایشوه * کار را آموخت و مرا خوب یاری رسانید *

در فلم ((تیری شهرین)) نقش کوچک داشتم * یک فلم هنری بود و در تلویزیون هم به نمایش گذاشته شد *

((سونوالیا)) در فلم های نهادی ، در نقش های مختلف ظاهر میشود * در فلم های ((جین داتا)) و ((مها سینگرام)) یا ((ادیمه پنجولی)) و در فلم ((نهمی آدمی)) با ((متهن چکروتی)) در فلم ((مسترو سنسر ۴۲۰)) با ((راج بهری)) همبازی میباشد *

مناف برای من ، یک عده از فلسازان جنوب هندوستان نیز رغایت او را برای بازی در فلم های جنوب حاصل کرده اند که وی صممانه و معده * همکاری به آنها داده است *

در این باره اوصوف هایی دارد به این تحصیل : ((من عجله بی ندارم که در این باره به اف شهرت برسم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تا * ملوشکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی در فلم ها هم دلچسپی فراوان ندارم ، از اینکه همبازی من

کست ، بسیاری اندیشم * برایم بسیار بی تفاوت است که در نقش مقابل من کی قرار دارد ، مثلیکه قهلا * گتم در فلم ((تیری شهر - مین)) در برابر ((مارک نیبر)) و در فلم ((آگوش)) مقابل ((اکبرخان)) و در فلم ((معادیو)) با ((ونود کدنه)) حاضر به بازی شدم *

من به دراست و جرات این موضوع را تایید میکنم که به هنرمندان نام نهاد ولی نامدار درگز تکیه تن نمایم *

حاله که ((سونوالیا)) دروازه * کاروبار مود را بسته و در نمایش لباس ها ، * نمیگیرد ، خودش می - نهی :

((موقعیت کنونی حکم میکند که بعد از این ، سینما و هنر نهامی مرکز تمام توجهاتم باشد و نهرا نقش راکه در فلم ((آگوش)) ایفا نموده بودم ریه معرفت قناعت بخش نبود و حاکم که فلسازان معروف به من چشم امید دوخته اند لازم است من هم تنس های فراوانی از خود نشان دهم)) *

در بخش دنیای مود و فیشن ((سونوالیا)) عکس - العمل خود را اینگونه تراز میدهی :

((اگر پیشنهادی در مورد نمایش لباس برایم برسد رذنی کم مشروط بر اینکه طبع و نحوه نمایش قابل

تاجهان سینما

سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا
حم نیک ولو که از احساس بولی ، قابل توجه میباشد))
«سونووالیا» از آثاری که در عین اوج حرف های

نیایا من گویند ، در یو خون داشته میکند :
(نمیدانم چو آمده بی به عزتنامه و دیگرگون من
اعتزاز میکنند ، تردید ندارند که در لسان انگلیس
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از انسان
صحنه اردو دهند هم بهره و غیر کالی دارم ، روی
این اصل توانم نیکم به انتقاد آثاری که عقیده -
ندارند ، اردو را به شیوه آمخته با انگلیسی اداسی
کم یاد میکنند بقاد آمیگ دارم .

اعتزاز میکنم که حضرت ارجهان مود به دنبال
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادما درست
نیست که میکنند مود را لباس هاتراندند و هنر
ندارند)) .

(سونووالیا)) که از کار روزنامه نگاری حاصل
قام ((دخترهنگ)) پیوسته به ترقیات قابل آمده
میکند : ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند
به استثنای شمول در کارهای هنرینمایی ، تا آنکه
سوانحار آنها را تمناع دادم و رعایت شان را در این
مورد حاصل کردم)) .

برای اینکه ، دین فرصتیکه من راه خود را در
سینما شخیر میکنم ، آرزو ندارم در محدودده ، نقش های
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش های

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او
با ((وتودکنه)) بجز هامرسید ، در حالیکه از این
رزمه ها کاسته شده است و او به راحتی نفس تازه
میکند ، در این باره تصریحی ندارند این شرح :
(من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم ، چون ((وتودجی))
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی
یک سان داشتیم اینه خاطر اینکه با دیگر تازه کار
بودم ، به حیثیت هنرمند تجربه کار را سوخته ،
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میرسانید
که از این سلوک انسانی او خبر نگاران بدون در نظر داشت
حقانیت موضوع ، دست به شایعه پراکنی زده سانه
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند .

این رهداد در حالیکه روی احساس ما ، تأثیر
ناگوار بی جا گذاشت ، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال
همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم .
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس
که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله
و شکیبایی خازر الماده می خواهد)) .

سونو والیا میگوید : (من به خود باور دارم که در سال
های آینده ، به عنوان یک ستاره شناخته شده و
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشد تا
هفت احساس نقش را به صورت متناظر انعکاس داد .
بخوانم .

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه
میتواند پول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر
خدمتی را انجام داده نمیتواند . از اینروست که با هر
نوع نقش دلچسبی ندارم و اگر چنین میگردم امروز
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی
نمی کردم)) .

و اما در مورد ((سنگیتا بجلانی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما ، موفقیت

قیهه رصفحه (۷۸)



سه بانوی تریا: اکنون سخن میگویم

سرپال مجید

حافظه اول

تربیتی بی‌مورد

از جدایی من با شاه ایران که در سال ۱۳۵۸ مصادف بود با کودتای ۲۸ مرداد، من به تبعیت از شاه ایران به تبعیت از شاه ایران به تبعیت از شاه ایران...

چون لباس بسیار معمولی به تن داشتم، فکر کردم به هیچ وجه مورد توجه کسی قرار نمی‌گیرم. اما برعکس، به خاطر آنکه ناآشنا بودم، همه عینین یکبارگی چشمشان به من افتاد و مرا از نزدیک نگاه می‌کردند...

خصوصی‌م‌من

تغیر با بین‌المللی از برای این امر است و در نتیجه این امر است که در نتیجه این امر است که در نتیجه این امر است...

مگر لایحه برای چیست؟ اینجا توقف مشغول است. سگرم که در کشور و شغل بود، به پولش - تزویج داد که تا هنوز به قورات اینها بلد نیست. من نخستین زن شاه ایران می‌باشم و پولش که فکر می‌کردم در دو سه ماهه با خشت و گچ می‌رفت...

بهره‌مندی که در این امر است و در نتیجه این امر است که در نتیجه این امر است که در نتیجه این امر است...



چگونه از رضاشاه جدا شدم؟

شاه بانو اسعدی یاری، پسر از سلیمان، خاتمه می‌دهم انجمن خود را خاتمه می‌دهم. در ضمن کتابخانه‌اش را به من بخشید. (حافظه زندگی من در این کتابخانه‌هاست. از آنجایی که من تاکنون بهرامین زندگی نمی‌کنم، اما...



برفراز تياتر وياسينما

— سینما يك شاخه با اهمیت فر...
 هنگ بشمار میرود ، دست یازیدن
 بدان جرات میخواهد و ایشان
 جلایش چنین بیکره زیبا و انسانی
 منحصر به ذکورت نیست بکون طبق
 حکم زمان ، اناث جامعه ما
 میتواند در رشد و پیشرفت این
 بدیده والا از اهمیت با ارزشی
 برخوردار باشند .
 — اگر همانند همه زنان که
 به سلام این بیکره رجوع کردند
 و بعد بلاد رنگ و اداع کردند چی ؟
 — شما میدانید که جامعه ما یک
 جامعه عقب مانده و روزه انکشاف
 است و از جانی بدیده سینمای
 ما تا هنوز نتوانسته هویت ملی
 خود را کسب نماید و استند مدای
 که بنابر تخیلات واهی گرایانه و یا
 ممکن اشکالات ناشی از تعصب و
 ریاکاری خود را از عرصه فعالیت
 باز میدارند . ولی من بعد آن
 می اندیشم که نباید عقب گرا بود
 و سویی سایه رفت ، سایه بیکره
 سیرش به تاریکی و لغزندگی
 می انجامد . چرا ، خردمندانه
 به سوی خورشید گام ، بگام پیش
 نرفت و از خورشید بیکه اشعه
 پر فروزش همگانی است ، سود

به جست
 — خورشید جان عقیده شما در
 رابطه به داشتن یک سینمای
 خوب چیست ؟
 — بعد از لحظه بی درنگ افزود
 باید برای یافتن سینمای خوب
 اولتر از همه در جستجوی فرهنگ
 ملیتها بود . در یک فلم نیز باید
 اندیشه بران داشت —
 محتوی از یک تفکر اصیل و فر
 هنگ جامعه گذران زندگی می
 نمایم ، ما به داشته باشد .
 — ستم شما در رهتر شدن سینمای
 افغانی از چه قرار است ؟
 — من بعنوان یک فرد درین عرصه
 نمیخواهم بصورت دیگری فکر کنم
 فقط تلاش ورزیده ام با نهاییت
 صمیمیت و بی الایشی به اجرا گری
 فتن کرکس سپرده شده ، رعایت
 نظم و دیسپلین — داشتن اخلاق
 خجسته و احترام متقابل ستم خود
 را تا همین اکنون با صداقت تمام ادا
 نمایم .
 — میخواهم بدانم کارکرد هایتی
 سینمای شما از کدام فلم و
 چگونه آغاز شد ؟
 — من با پیشینه کار رادیو
 ام با علاقه مندگی که در
 بقیه در صفحه (۱۱)

خورشید



این بارد در رابطه به ویژگی
 های هنر و شناخت بهتر هنر
 مندان سینمای افغانی ، با ی
 صحبت هنرمند مجرب و مستعدی
 که پیشینه کارکرد هایش از امواج
 راد یو آغاز و در زمره نخستین
 اکتریس های (هنرپیشه گان) تياتر
 سینما — تلویزیون باد رخش
 چشمگیر جا گرفت و در آثار راد یو یی
 تياتر ، سینمای و تلویزیونی موفق
 از آزمون بد را آمد و تلاش بیکره
 و علاقه وافر از زمره موفق ترین
 چهره های سینمای افغانی در
 سطح کشور شناخته شد .
 نشینم .
 این چهره پرد رخش محترمه
 خورشید است که دعوت ما را با
 علاقه و محبت پذیرفت . اینک
 توجه عزیز خواننده گان گرانقدر
 را به گفت و شنود این هنرمند
 معطوف میداریم .
 — میخواهم نخستین سوالها
 چنین طرح کنم :
 — از نظر شما موجود
 دیستانتیک در بیکره
 سینمای نو پیا خواسته
 ما ، از چه اهمیتی
 برخوردار خواهد بود ؟

همینکه اثری از خود به جا میگذارم برایم افتخار است
 استعدادها باید به موقع کشف گردند

اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و قهقهه ها حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و بیماری ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون بنا تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نعلبختی می باشد. نهراتصام نکبات و متصامین هاداران موجود است. از این رو بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکویز ساتهواز می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل الميلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی عهد در سراسر جهان کاشته میشود و از آن استفاده میکنند.

ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً مقدار نهاد منرال هاست. تحمیل این صوره سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۴) فیصد پروتئین، (۰) فیصد فایبر، (۰) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار منرال ها و متصامین های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فاسفور (۲۰) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۳) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد متصامین سی (۰.۲) ملی گرام فیصد می باشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیکان، کلرین و آهن است.

خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۶۴.۰۵) فیصد منرال های القلی ساز و (۳۵.۹۵) فیصد منرال های اسید ساز می باشد. از اینجاست که خاصیت معالجه و درمانی این صوره رادری کرد. بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراور آور طبیعی بوده که دفع و جبهان ادراور را بهبود می بخشد.

نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قضا می باشد که گمانه که به قضا می دهد و اندک می تواند با خوردن روزی دو عدد بادرنگ از فوائد آن استفاده شود.

اختلالات معده سی :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیپر اسیدیته و زخمهای معده و

باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی می باشد. در چین مواردی هر دو صفت به هم دیده اند تا (۶) اونس آن تجویز می شود. بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صا ر ه آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید و را خفلی زود بر طرف می کند.

بیماری های رایج :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیپر اسیدیته و زخمهای معده و

هنگامیکه با شوره لکه مخلوط شود بوی شکستادن و بوی ساختن سنگ در مجاری ادراور و تقلیل اسید ادراور می باشد.

باید که با آب تازه و با درنگ به مقدار یک یا دو اونس هیک ساعت بعد از بوی خفلی خوب بوی رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسویب می گردد. این صا ر ه مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اسهال بیماری کولرا مثل گردیده، حفظ میکند.

جوش ها و داده های روی جلد :

صا ر ه بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و داده های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صا ر ه های زودک و کاهو را با هم به صا ر ه بادرنگ ملاه کرد. اضافه کردن مقدار کم صا ر ه شهد در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر می سازد.

بادرنگ به طایفه ماده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵ تا ۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از این ماسک باقیمت دراز نکشد. بوی جلد باقیمت دراز نکشد. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و چین و چروک و خشکی صورت جلوگیری می نماید. صورت را با طراوت و شفاف می سازد.

بادرنگ را میتوان به صورت سبزیجات، حبوبات، صا ر ه جات و صلا د مصرف کرد. معمولاً از بادرنگ به عنوان صلا د به شکل ترکیب با زودک، لبلبو، باد نجان روی، ملی، کاهو و سبزی های دیگر استفاده می نمایند.

اضافه کردن شوره لکه به این صلا د آثار خوردنی لذیذ و آرازش غذای بسیار می سازد. همواره باید آنرا خام مصرف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین می رود.



پونم ...

بقیه از صفحه (۱۲)

رسیده باشد در غیر آن شکلات نهدی مایه خواهد کردید. به هر صفت تاردواند ن طاسب نمیشود. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلان نیست. به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟

ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند ابعاد گسترده تری از سکس داشته باشد. سی - در فضا شعله زنده می ماند. مردی که می ماند، چه می کند؟ ج - او باید دیوانه خواهد شد. خصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پوت همک تا از آنجا فرار نماید و لو بداند شاره ها زنده بلع می کنند. سی - شما در نگاه انسان خیلی معصوم و پاک جلوه میکنید، آیا

دنوروزیه ...

د (۱۹) مخ پاتی

نوبه سی - ارد نوروز سندی و ایسی داجی : خاوند به بیاد پسرلی کس له وجه با گند لونگوبوی را خینه د پسرلی به و رخوا را شسته چی تور تکی رته کیزدی و غورومه خوانان هم به دغه و رخ بنکی او نوبی کالی اغوندی خیل توستک را اخلی - تا کلیومیله خایونوتسه یسی - اتیونه کوبی بنی ولی او - سلنگی وهی چی دنومور ولوبو اتسل ته دکلی د سبین ز پیری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپورکسی لحواتی بیغلی خیلونامزاد شویو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توتسه هغوته ورکوبی)) د هزاره سیه کی برعمومی - دود و نوبسیر کوبی خانگی دودو ته هم ترستر کوبی به دی باب د هزاره ملیت یوتن و ایسی -

د (خوان اتل) دراتگ به انتظار به تال کی کینی د هغه دراتگ لار بخاری اوبه گزار کراریسان زنگوبی خوله بده مرنه چی به تال کی بی خوب روی او همداسی وید به پاتی کیزی - داهم اسطوره ده چی د پسرلی طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوبی د - نوروز خوان راخی اوتیزیری به باغونو او راغونوکی او گلزارونو - د پسرلی د گلنوبد ناویونیزی ته خان رسوبی - خونوروزی بی بی خوارکی چی کله سترکی برانیزی - کوبی چی ددی له بی بروایسی خنجه بی یارد نورومه نیز و کسی لویدلی دی - دغه حال نه نس زغملائی - د لیونوتوب خیره پری راخی او بخان له تال خنجه اجوبی - که چیری به اوبوکی لویدنه نوهغه کال مسوزاد برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلویدنه هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال وی - د همدغی فولکلوریک کیسی برینست هیله من یوجی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوسز نس کال موز ته برکتونه اوسوکالیسی د پالی کوبی -

خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۱۹) زمینه تمثیل داشتیم در سال ۲۰۰۰ راه موسسه آر یا نا فلم راد ریش گرفتیم و با آشنایی مترجم انجنیر لطیف محترم عباس شیان، محترم نوربالی شفق در فلم های چون : سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ، مزوره سبز، مرد هار و قول اس، کلام های استوار، فرجام صبور، سر باز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتیم و داشته های تلویزیونی ام میارند از : فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عروس، د لمره لور، شمع زن - د هک - من و نمانی نامها و تیاتر تلویزیونی : غم مانی، زهره وید الله، امضا و زیر زن، زمین، مرگ المازوف، آدم هسا، عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

واقعا فعالیت های سینما بی فرهنگ شما ارزشمند است. سی - شود از افتخاراتتان در این باب نام ببرید؟ - همینکه کار می کنم و از خود اشرفی بجامیگذارم، برایم افتخار است ولی در این باب افتخارات از - بابت اخذ مدال و جوایزی به خصوص بدست ندادم. ولی در سال ۱۳۶۶ - ۱۹۸۷ به مسئول سینمای منعقد مسکو، شهر نیازی اتحاد شوروی در فلم سینمایی (ا برنده های مهاجر)) بلعده بی از هنرمندان شرکت جست که خاطره آن برایم فراموش ناشدنی است.

مند افزود : - من از همکارانم صمیمانه توقع میبرم تا صرف نظر از بد در ایسی ها و آواندیشه بخود داشتن ها چی بهتر که در یک وحدت از کا - نیکه دست به دست هم داده - کام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفت (سینما) قدم نمایند. بخاطریکه میتوان به این نکته باور داشت و هم بدان تاکید کرد، که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما - استعداد های آفریننده بریافت - بلیت باوروی و شگوفایی فراوان اند، استعداد هاییکه اگر موقتی به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در اندک زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما به آفرینش های قابل بقایه با آثار جهانی نایل می آید. به امید آنکه همه توانایی ها در خدمت رشد استعدادها و ظرفیتهای هنری بکار افتد.

مرد ها را چگونه

40 مینرنا

آیا فحاشیهای فیزیکی مخصوصاً زنده گی زنانه را اصله میزنانه

جهنیکولوژی خاخر نشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی راجحاً یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرا بلعهای سی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجی مترود بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گی اولین علامه حمل است . ولی کریستیانسین قبلاً نیز عادت داشت که بعضاً قاعده گی این بس تعویق بیافتد .

مینمانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها کسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه ایستروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد .)

برای آنکه سطح ایستروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلات شان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یا سبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها حاکی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه گی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله گی و خطرات - نریسهای فیزیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصاً زنانی که زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله گی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

نیمه آدم نیمه حیوان

اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان راه خنود مشغول ساخت و به متابعمای بدون جواب و سرگنج کند مای باقی مانده.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود. شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند. تغییر چهره میدهد. با تمام این باها و وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تویا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند. زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اود پی معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعد از یاد و باوا از طرف شب به اسباب قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد. به پایان میافتد.

اود پی مورد نوازش قرار میگردد و سیه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در پیدا این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سگد و سوره اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گلدان های یونان باستان تصویر گردیده با برنده آن اود پی بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تیا، قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون جاداشت زن است با تنه از شیر، باقیان زن و داریا.

لها و ابوالهول مصری بالندارد و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و پیش نمایا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاهی پیوند مییابد.

در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر روی داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بقراند. حالا حیوان شاهی مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نوزدهم بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیبنیم که در اول بود. ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدیم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان بر رسد. های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعداً

نه شیر در مصرفیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر از آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، نمبر از حکمت مند همی در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راه روی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزاره ها انواع اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نمود. که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. صد هاسال بعد در سوپوتامیا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت و نیاید قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعد از او پی معمارا رسید تا که در آئینه خود شرمیک معما تبدیل شد. چطور رسید، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

ملک جهانی که بزرگ می‌شود

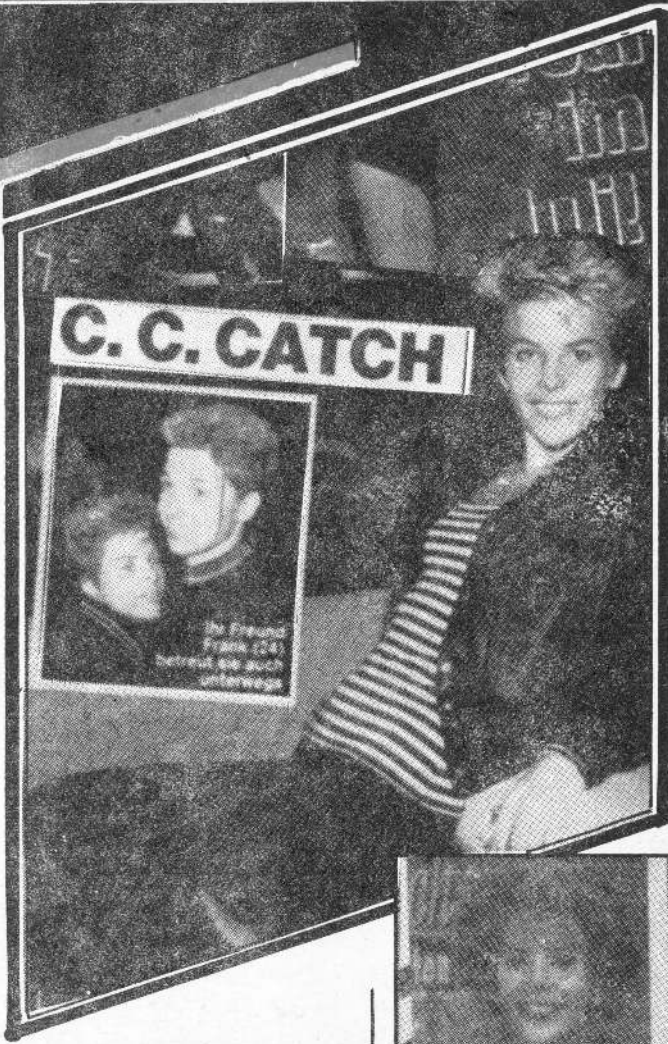
«من می‌دانم قلب خود را قدرتمایم»
آهنگ تازه بی‌ازسی سی تی

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیتز بولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و - همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسرر آلمان دیتز بولن تعجب می‌نماید. تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسرر آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر علنی آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می آورد ستایش و استقبال گستر بعضی می‌آید شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیتز بولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می آید. با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است ((در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است))

در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روبرو تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد. تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری امرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



می‌نمایم

در یک شب مقبول بچیت هنرمند د یسکو تبارز می‌کنند. خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمایم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت د یسکو زوگرم در تمام اروپا شهرت یافت نمود ریک نمایش تلو - یزیونی که د یسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه د یسکوی را خود شهرت بسزایا کسب نمود. این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته است. در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستداشتنی اش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب



دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی - اش سروده ها و پارچه های رابره میگیرند و آنتی نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج بخش و نشاط آنزاده می سپارد.

اینکه باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی میگیرم و هنرمندی رابه نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شما معرفی

لرغونې نوروز او

نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيوسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زمري په ميواو کي نوموړي - د دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نما نخل کيزي او تراوسه لا زمري خلکونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي رايه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نما نخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي به دي - باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سيا مندي - بابرباغ، د سخ او دنيا لگير د اينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خيل او پير برتم عمداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر بل مالان خواجه سپاران خواجه صفا ريگ روان په خانکر و ميلواو خو سيو سره نما نخل کيزي په مزار شريف کي د گل سرخ ميله جي خلويست ورخي روانه وي په دغه ورخ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي جي په گابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عمدغه ورخ پورته کيزي

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملکري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي به گند هارکي د شالمار بابا ولي، جهل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا اوسه ننگر هارکي د ولکي بابا ميلس د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي او نکلکي کالي اتوندي تبيل وهي زيارت ياتي به (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه بي په خپل وار انگورشوه باجاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيد کينه لسو دود پيل کي اوداي په گوته کړه جي هرکال بايدغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي .
 د ((سيزه بدر)) له لسو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي جي هغه به بي دنیکمرغه قال په توگه ياد اووه په ديار - لسمه ورځ جي دنوروز باي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به بي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولو باندې تياروه بخوانس نجوني او پيغلي به په دنوروز جو کي به شيلو کي کزيدي په شيلواو سمور کړوند وکي به پي خوښي کولي اود را توکيد ليوشيلو بايي اوڅانگي به بي دنیکمرغه شکم په نيټ غوټه کولي له لگيد لو او بلو خوا وروڼو څخه به بي په خاښوانو زياراد اگانو توپونه جون کله به بي جي وايه سره غوټه کول ، د هغو غوټه به بي د خپلي مينی او بلاتي ور عنوان په نامه اېوله دنوروز به د رښل ((سيزه بدر)) کي به دي باندې باور و جي ټوک بي دغه دود نما نسي او نه بي ميروي هغه د تياروزار -

لومړي شپي مراسم ياد سنډک تيارې به نيول کيده ، اووه ټوله ميوه به لند يده ، داووه شين د سترخوان به وغوړيده جي بيل به اووه سين باندي واوښت پير سيره برهڼوبه بي باکي اوسه هم راوړي ياد کال د اوښتون په شيبه کي به جي اوه ونيوردي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه دندي روزبه ورځ به د بزگر ميه هم جوړيه دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړ ونده بولس .
 په دغه باب لرغوني انسانه ده جي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنس ورځ درلوده جي دروازه بي د عامواو خاص ورځ پرانيستی وه هوکي پرانستی وه ځکه جي تر شنه اسمان لاندي په ازاده فضا کي دي ليدني کتن صورت نيو جي دعاسي ميلي بڼه بي نوره کړ يوه د ميلي په خوښيو او تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتس راتپت شواو هغه څه جي بي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کي و اجول او وروڼه بي وغوړول کوم شي جي مارغه راوړي و پوهانو ترخپل نسي لاندي ونيول او د نبات دانس بي تشخيص کړي باچا حکم وکړ جي دغه دانس بايد سپين پيري او پوه بزگر په ځمکه کي وکړي د کرلونه ديارلس ورځي وروسته هلته نيالگي را توکيد لي وو جي -

ترکومه خايه جي زمري د خلکو او زمري د بلرونود ژوند په باب ځرک لکيدلي ((نوروز)) اود هغه اړوند مراسم زمري په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري . ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليزد ول شوي او تر زمري پوري رارسيدلي دي . د پخوانو اريايانو په زمانو کي به جي کال پاي ته رسیده د کال وروستۍ چارشنبه به بي په برتم سره نما نخله دغه چارشنبه د سوريي چارشنبی په نامه سره ياد يده او په هغس کي به بي ميلي کولي ځکه جي داد بسترلي د برتم په درشل کي دنوروز د ميلي پيل و په دغه ورځ به بي اورونه جي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي او گڼي جي پښي ((مهرگان)) به جشن کي به پي لغلي نه ټکول به دغو ورځو کي به پي ماتول داله ژمي او ارامی سره د خداي پاماني نښه وه . په اسطورو کي راغلي دي جي له سوريي چارشنبی څخه ديارلس ورځي وروسته واپه په فارسي ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي . زرد شتيانود د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او پاي بي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه اووه دغو ورځو کي به دنوروز ميلي وي له سوريي چار شنبی څخه وروسته به بيا د کال د

شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید ، دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان .
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند . دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی . بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شش ماه مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافل میزاشا خسار که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخبار را تهیه دیده است :

* در اثر زرد و خوردی که بین احمد خان و برادرش (فرید خان) در اتاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را از دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نفاخانه انتقال داد و در نخستین روز به تمام معاشین را که بعد از آن ماه عرق ریزی به دست آورده بودند مصرف نمود ، بلکه پند بین مزار افغانی فرستاد .
 خبر می افزاید که برادران زرد و خورد گنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاغر ، شانرا نمیدانند .

از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :
 ببیند ، گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تبصره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذرت داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو-ستوری) پیشکش میگردد .
 * * *
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ
 - بفرمایید ، تلویزیون است .
 - اوه نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید ؟
 - امر مقامات بود .
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ گانه شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتوران فعلاً خود گفتوگوهایی را بلی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰
 - بفرمایید ، اداره ، نشرات تلویزیون است .
 - نشرات تلویزیون است ؟
 - بلی ، بفرمایید .
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .
 - بلی درست است .
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید پوکست در خانه تماشا کرد ، ام و برای فامیل ماکراری می باشد ، امرو می کنم و آن فلم هنری

(لوستوری) را نسر کنید
 - ببخشید ، آخران فلم را بنابر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما نندار که آنرا نسر نکنیم .
 خاموش با سر مامورت مستخان نکن .
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من (. . .) استم که امرو کم .
 اوه ببخشید صاحب ، صاحب ، حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ، ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نمیشه



از خود شما

سوال
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی همایون از بونهعی
ژورنالیم ویان بروی زار به بلخی

((امتحان))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار. خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نفرت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

((در صنف))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشت؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارکرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.
- چگونه زیاد حرف میزند؟
- نه هر روز به خانه ما می آید.

راه حل

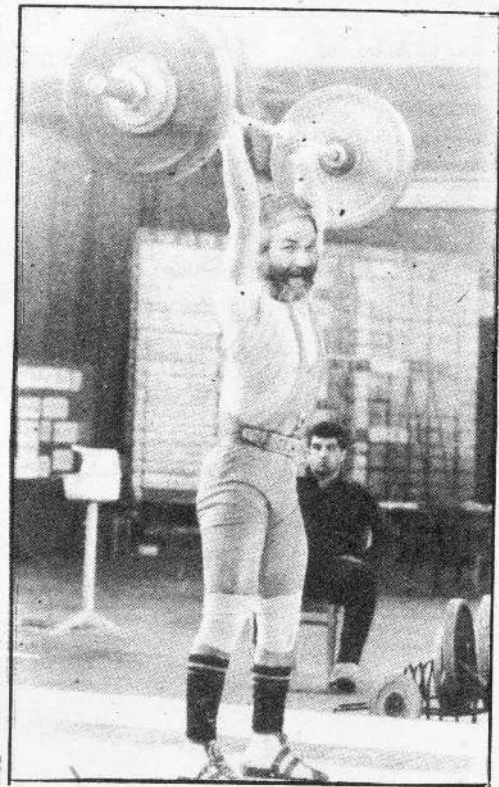
رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:
- حالا چطور به رئیس عمومي بگويم که تحويلدار پنج مليون فرانك موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟
معاون: همگام چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.
X لقب نهرمانی را به دست آرند.
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.
X عرمه گردد تا پارهائی از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.
X خاموش باش، معازره نای کوبونی نوشته: جاله

د بیوزیک تن از دست پیل است کمترین تم به بداران که نانسند و گاند اران و یگر تا رئیسند با بی انعمسا همکاری نمایند خود را به خانه رسانند. خود پس نبود.
خبرس از یاد نه خبریان کابین از این خود کشی به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبراز خوش وقت در دانی نموده، از روند انامه این سلسله در ریاست بدنه می باشند.
خبرنگار: میرزا شاخسار

نوروشی
بوموقع



ملا صتم خوب است

همسایه
بب

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم؟ دیشب تا ساعت ا شب با مشت به دیوار اتاق میگوید! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بختانه نخواهید بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.
ارسالی عطیه

مینیاتوره‌های طلایی

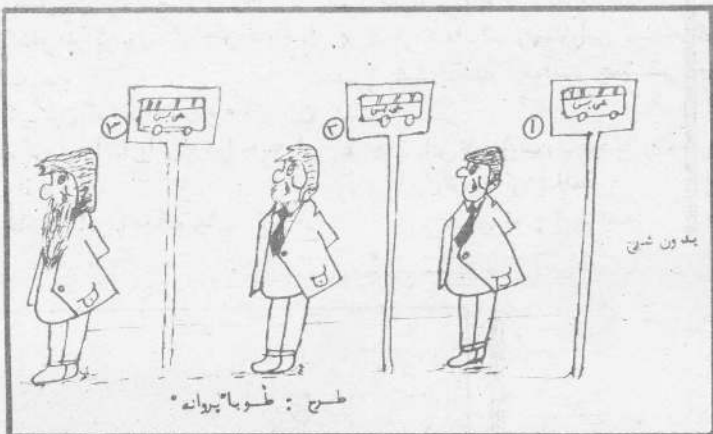
اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .
 به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .
 چیزی که امروز حقیقت است فرد انسانی تخریب پیش نیابد .
 اگر واقعیت ناخوش آیند را بغیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارد .
 بهترین منطق ، منطقی است که بعداً بوجود آید .
 تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .
 به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .
 از تمدن گذشته ، نواری های آینده به وجود می آید .
 زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد ، زیاد گفته شده .
 از اندازه عملی شده .

مادر کلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنود ای بیرون آید .
 خوشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی :
 بیکار : حیوانی که وقت را می خورد عروسی : (عقد) قمار که مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .
 جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .
 دشمنان : مگوری از دوستان که نمیتوانیم خود را از آنها دفاع کنیم .

کارتون



طعم است



نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شو میشمرد .
 یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :
 دوست عزیز در جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلور ، تشین و کلاد استون .
 مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند .
 امیل زولانزد ، اکثری رفت ،
 دکتر پرسید : چه شکایت دارید ؟
 خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .
 دکتر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :
 ای تابلیت ها برای اشتهای تان کت میکند .
 امیل زولانزد را با ناراضی شورش داد و گفت :
 دکتر صاحب این تابلیت ها برای من کت نمیتواند من اشتهای من را ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .
 محمد سرور خبرنگار که به خاطر تعبه صاحب تعصب به دیگران زحمت نیاوردی را مقبول شده بود به آشخرف گفت :
 چند روز پیش مدیر صاحب برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان شریف ندارند ، آيا شما حاضرند کجارتی اند ؟
 معاون شعبه گلشن را مصاف کرده گفت :
 وله راسته بگویم ، من هم تعبانم که مدیر صاحب کجارتی ، مگم دیروز در امرای امضا صحه علیا داد کدهه سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشی .
 محمد سرور که گوی خشکیست

بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و ترو صغ فارجه ساخته ای طی مکتوب -
 رسمی از خبرنگاران را دیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحب تعیینند .
 روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران تشکیکی رفتی را آماده ساخته آنجا رفتند .
 همین که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئیسید :
 ای پسر به شعبه خات آمد ؟
 معاون جواب داد :
 ایزه خوب میخام که تنی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقتی که بر آمدن پسر بیایم .
 تمام خبرنگاران و همکاران تشکیکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .
 در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :
 اویسه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کردن ، نام کار می کنیم که تازنده استر یادتان نره ، اوهم ای که برشان می گیم که روزی کتیه آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخته سیلو از خود مقاومت نشان نمیدید. یاد امامت است حین بالاندن به سرسری بیس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رسمی خواه شد.

متولدین ماه سنبله :

شما هم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد سترو - شان برخاسته میگردید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس استناد بدی تان را تقویت کنید.

متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگرانگی د و افتخار تان را تصاحب میزند ندیده رستوران کمتر سرنیزد زیرا مقابل مگر حساسیت دارید.

متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتملی بر موقوف خوبی داشته باشید. از همین رو با دید جالبی به لگن موتر جمله ورمیشود اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید.

متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتش بخوابید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن، آن



فالی که طنز نویس دیده است

متولدین ماه حوزا :

ارزوا بینی به خار به دست آوردن کین لیت به سر میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انامه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید.

متولدین ماه سرطان :

شما هم خون خرق استید بوی و گنده گیای کارسری در شما اثری نمیکند. بسول صفای را در مواقع معین میگردانید بجز واسطه ها واسطه های قوی پیدا خواهند کرد.

متولدین ماه حمل :

امید و ارزو هم وقتیت کوشش از سر تان به اسما نه ای هفتم پرواز کنید در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید.

متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر خورد صمیمانه دارید خوبست به خاطر رفتن تان وقت ترا - خواب برخیزید تا با اطفال تان کمتر سربانوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرنیزد.

را انعام میدید مثلاً شما قادر استید به اسر وقت از نانوای نزدین خانه تان نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه شمس است.

متولدین ماه جدی :

ناراحتی های که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز - خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنوسد زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارید.

متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید. کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارا متاثر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پیغامی شده است شما هم مانند مسولین در زمین - معافیت حاصل نمایند.

متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید، اطفال تان در نانوایی مصروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال، کامیاب گردند، حتماً بخت اطفال تان بیدار میشود، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوایی بگیرانند ادامه دهند از لیا سعادت

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم، و در روزی که ماهی آیم، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تان را جمع کنید تا با آنها هم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل شخصی تمسدا تهیه کنید.

برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کفتم حتماً باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم.

معاور گفت: به چشم و حتماً برشان هم روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحب به شعبه سرفراز خان نرفت.

روزی که رسید نصیب همه در حالی که لهنند بر لب داشتند قبول کردند.

همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت:

معاور صاحب محترم، از کجه تمیه صاحبیهت شما با اتمام مهم اثر، برای مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بگهین (لینا یاد داشت کهن) که مارونیک شنبه آینده ساعت (۱۱) می آیم، مارو برسرفرازخان و آمرهلس باید رهبر موسسه هم دعوت شود، چند جریده دیواری به تشریف و تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جانر باشد، بخش های مختلف





دوهامدينه

د راديو-مجلي پسرل
پسې داستان

سرپرست رئيس

نطاق: د راديو جوړيد ي پرله
پسې داستان د پروگرام اوريد-
ونکو لوستونکو سلام!
تاسې په تيره گڼه کې ولو -
ستل چې د بېتا توشېنولو د رڼا -
ست رييس د مقاماتو د لزم د پيد -
ياد ناغې ي له کبله برطرف شو .
بي له دې چې بل رييس وټاکل
شي او ياد رڼا ست د کوم مرستيال
د سرپرستي مکتوب راشي . د رڼا
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د
اداري اوفسي مرستيال ترمنځ
رقابت او کش وکښمنځ ته راغی . په
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي
پوري اداري مرستيال په چوکي
پوري نښتي و . خو کله چې د -
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته
کيزي او د باندې وځي . نوغسي
مرستيال د رڼا ست په چوکي پښه
ياتي (۱۰) مخ ته



نانوای

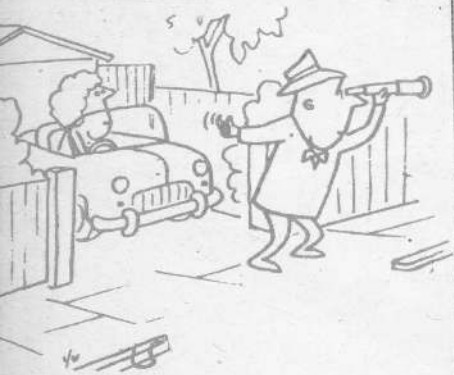
دغه مهم اوحياتي لغت په
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -
ضیح او تشریح شوي دي :
(نان)) د ډوډي او -
(واي)) د واخ مانا لري .
يانې کله چې خوک د پښار په
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پيسې
(واخ)) چيغې ووهي او هغه
هم په لاس ورته ورنه شي .
.....
غور خوره . غوري وايه . خوبه
غور وښه تيروغه ا



علمي تخييلنه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غروموي د نښونځي په دوران
کې د نايټروجن دوراني حالت د بيلوژي په کتاب کې ترسترگو
شوي دي . خود لته د نايټروجن پرمخاي د يوې بلې ډيرې مهمې
اوحياتي مادې د دوران په باب غږيزو . دغه مهمه اوحياتي
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ
په زمونږ ښاريان په دوراني ډول دخولي اوزي له لاري سزواو
کولمونه ننه باسي . اودالري ترهغې روانه ده چې خود پښار
په واټونو کې دخټواو ډوډو دغه حال وي .
له دې خبرې سره داخبره بي لا براتواره په ثبوت رسپيزي
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه په بل حالت بدليزي او خپلي
بقا ته دوام ورکوي .
راغی چې په دې باب په خپله دغه دوراني حالت ته
ورنښوئو:

نردی لیدونتی هییره او د سنخی و ریوری



دیو اگانو غوبنتلیک

د راپیو، تلویزیون، و راجیانو
مجلو او جرید و محترم موسولینو!
عمره و رخ وینواو اوووسی به
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو
او حیوانانوله باره خانگی خبرونی
خبریز ی اوهم به مجلوماتوکسی
دغه ډول کلیسی ترسترگوکیز ی
خود بو اگانو خبرونه تراوسه نه
چالیدلی، نه یی اوریدلی اونه
بی هم لوستلی ده. ایا بو اگان
غوزونه نه لری، زه ونه نه لری،
اوستری نه لری بی خوب یس
د دی ډول خبرونوم نه خوری،
د ایه موسور اریدلی وی چی:
زاره به خواړه، مرگه یی دی،
سار، خواړه د امانانه لری چی
سری به مرگه گیده لیتی یا اوکوره
وخوری، بلکی روحی خورونه چی
د خولی به بخای د سترگو او غوزونو
له لاری کولمونه ننوسی هم اری تیا
ده. عیبه کیزی چی د دنیسی
اړ تیا به پام کی نیولوسوه (د بو-
ډاگانو نری) ایه نوم خبرونه به
خپلو خبرونوکی وزیاته کړی.
ستاس اجزا توت غوز اوستری
به لاریو.

بریالی اوسی

کاکا سفندرد بو اگانو د تولسی
سرسرست

وکل شو!

د بو اگانو دغه غوشتنه به بخای
ده اوله عمدی نیسی وروسته به
د بدجاره هنی هنیوال د بو اگانو
د نری به نیم یوه توکری به هنی
کی وزیاته کړی.

گندنه

زه مجنون د گدنی م، گندنه زما لیلاد
به لاسونه راغی ملگرو، کبرجنه بی وفاد
اوس بی مینه بازاری ده، له پتی تللی د گان ته
به مفلس مین شرمیز ی، بکه ماغنی اجداده
د مهران مودی اوز دی شوی، د وصال به طمعه طمعه
زه د یواشتک به هیله، تیرم میاشتی گدینه
داله محکی نه عوانه، پورته شوی به هوا ده
لاهم وړخ به وړخ جکیزی، یو غیران رانیتنه شوه
د نرخونوبه سیالی کی، کله که له (پامپا) ده
به مرگه کیده، عیبتکه، ماونه خور، به مینه
د اچی ورکه ده له مانه، نوله ماورکه د تیا ده
که یی نرخ راکسته نه شی، د خوراک عیله بی به کړه
ای مفلسه حیبت ته کوره، که خوراک کی یا شتیا
بخوانی مینی اوسنه شته، زه دی عیله یاری کړه
اول نرخ کوره بازاری، گدی مینی ته سودا ده
غسی نه چی لیونی شی، به کونوبه بازارونو
خه به لاس درله درنه شی، د ابله تماشاد
نورته افریادونه کړی، زه که صبر گدنی نه
ای مفلس گدنه خوره، د ازما درته وینا ده



میژا له میژیره خه خپلوی لری؟

میژخوتول بیژنی چی د دفتر
به کوچ کی به خلورینو ارام
ولار وی اونه رمی وخت کسی
میژایان ورباندی خپل سرز دی
اویده کیزی.
راغی وگورچی میژاخه ته
واپی: میژاله دوه برخو
(میر-زا) خخه جوړ شوی دی
چی دوه لاسونه، دوه پنی،
دوه سترگی اودوه غوزونه لری.
اوس که (میز)، (میر) او
(زا) د وار ه سره یوځای کړو
نوبه بتو سترگو ویلاي شوچی:
میژاهغه (میر) دی چی له
(میز) خخه زیږیدلی دی.
(خبرکی)



په لاسونو دانه باغیچه کول

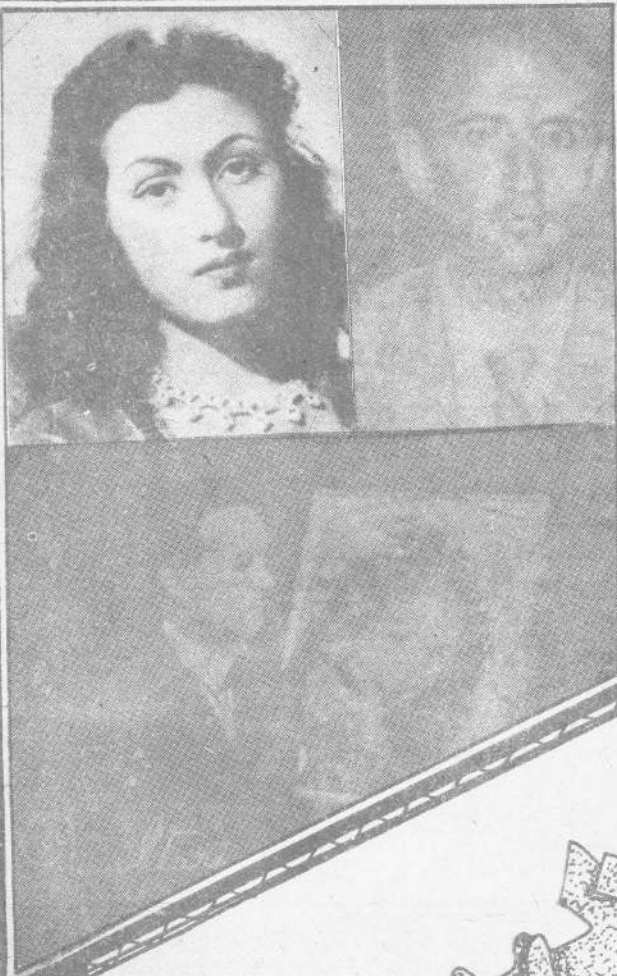
بچه کلايت خه کارول

دیو اگانو نری

یوه اگانو اوسه اوسه کوره ده
پوډی گاسی ته باغیچه وړاوه
پوډی بی خور له
دوی د وار وید خوله شخوند
راهه اوسه سترگو اوسکی نویلی
یوس چی ددی عیسی بیسی ته
هت بی پاتی وکله بو ااخده و-
پوستل
- کاکا خانه (ولی زاری)
- بچه بوسته نه کوه... نه پامه
خوله کی غا بونه نه شته اوسه
پوډی شخوندنه شم وهلاي.
خودغه بخوان چی غا بونه لری
توله پوډی بی راغی رخصت
بخوان چی خوله بی له پوډی
پکه وه، به پک ستونی بسری
اوانگل:

د روغ وای وروزه! زه چی غا-
بونه لرم، نوبه پوډی شخوند
وهم لیزوم بی، خودغه بو ااخده
بونه نه لری او پوډی ژوند ی
ژوند ی تیوی.

یوشن میژا ته لار خو خپل بو ا
پلارته لیک ورباندی ولیکی، میژا
دنه ووتل:
میژا- تبه وروزه! پلارته دی به
لیک کی خه ولیکم.
سری- سلام... گرانه بلاره...
میژا- ولی چیغی وهی؟
سری- ددی لباره چی بو ا-
پلارم به غوز ووتوکی دی او
وروخبره نه اوری.



علی مشتری سفر پر ماجرای رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

مجموعه شعرهای علی مشتری

خواننده گان عزیزان در شماره های قلمی مجله باغ رشک با سفر
علی مشتری را دنبال حشمتی در هیاللا به غنای خوانندگی اینک پیش
بهری این همه را برانید

شب فصل بهار و ماهتاب است
نغم باغ رشک مشک تاب است
شگفته دامن افشاند به گلشن
زخون لاله شاخ گل خضاب است
بدیده تان ((ماه در بسا لا))
ز خجلت ماه تابان در حجاب است
نغم آهسته تبرنگ رزگوش
که ((ممتاز جهان)) من بخواب است
درین فصل بهار ای گلشن نساز
زه جرت مشتری اندر عذاب است
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود
بیوگرافی مدهو بالا را بطور مکمل تحت عنوان هللی
مشتری و مدهو بالا بدست نشر سیرده که چند
صفحه از آن مجله بصرف و وزیر را گرفته است
جریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری رایشنا -
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده
و عشق عصری قرن بیست و موضوع مدهو بالا تشریح
یحات مفصل داده و هم چنین موضوع روز را اطلا
جمعی افغانستان بود و اکثر روزنامه ها و جراید
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر
سی سیرده که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته و اکثر آنها فراموش گردیده اند
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنری
فلسی و ادبی بود، در وقت و زمان خود شهرت خوبی
داشته، صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش
را بدست نشر سیرده و عکس هائیکه مدهو بالا در آن
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود
و هم چنین عکس هایی از من در مجله ننداره به
چاپ رسیده

و این است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم
مجله ننداره که مدبرمسئول آن محترم شفیع رهگذر
بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور
خواننده گان گرامی سپارون، زیلا، تقدیم میشود

((یک راپور تاز و دلچسپ خواندنی
گفتگوی با علی مشتری))

((عشق)) ، امید ((و آرزو))، سه کله خوش
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهرا نه و بالاخره
سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز
من می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسیار خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نغم
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است، گاهی در
صحاری خشک و ریگ بیابان رگه با پای برهنه
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را در دی
وشت پای او را گردی نصب نموده است
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت
داده اند که اگر غلط نیست، عجیب ضرور است
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای او سر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بهوش نقرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبیده میدانم به تعقعه خندیده است همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری رادو - سال تمام از یارو دیار برید و برید و جای او را در محافل ادبی و هنری و محفل انس دوستان خالص ماند، داستان اینکه روی دره یار غریب چها کشیده، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگرد برای خوانندگان مجله مسافر و دوستداران مشتری، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجمالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که - مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بپسند جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فنی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فنی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما تو را شناسند و دیدار سنتن ما جرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم. س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم.

س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟

ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

س: دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند داری بینایی یعقوب را یوسف کند س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دروسال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی سنیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر - مندان را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم. س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفضل و هوش ریده بدیده باز ماندی یک انسا یکلوییدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هنر و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سمانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، برتوی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهوالا، نس، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم.

س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تاجیزی درین نباشد مردم از آن چیز هائی سازند، محبت و علاقه من به مدهوالا یک ساله چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و توانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهوالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هائیکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهوالا و اهل خان بد را و بچاپ سپرده اند، چاک از اینکس مدهوالا به ازدواج با توبی میل نموده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انبوهات بی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهوالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو برخلاف

مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محو است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با اهلوالله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بگر جراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیرد.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میکنی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبا، طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهوالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیز هائیکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بی اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟ س: مثلاً میکنند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هند بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت
 ((ا)) گرم
 هفته گذشته ماره سرگردان
 ساختن ، ما آمدیم شمانودین ،
 خیالی دیدیم که چلو صدخوده
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر
 صاحب صرف ساختیم ، آخر
 هم دیروز نامدم
 سرفرازان که این حرف ها را
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی
 کرده گت:
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۲
 شوهر من فلمدارک در من
 حال به حد بدبختی نگاران -
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک
 روز بعد گویی را برداشته سزای
 سرفرازان که همان روز در شب
 بود تلخون کرده گت :

بقیه از صفحه (۷)

مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به
 تد اوی شرط اول تد اوی است .
 برای تد اوی معتادین باید برنامه
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه
 های تواند موثر باشد . برعکس
 فلم های تشویق کننده یک
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید
 خانواده ها و استادان مکاتب
 و همروسه زیرط سم بگیرند
 یعنی منظور این است که اولاً
 برنامه و قایون داشته باشم
 نه معالجوی . بسیاری از صاحبین
 می توانند داخل پسترس شوند
 اغلباً دیده شده که آنها از
 طریق همیره های سابقه به مواد
 مخدره کشانیده شده اند .
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی
 اجباری این انفراد مفید نیست
 معلوم کردن معتادین هم چنانچه

لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)

نمایشنامه ((اودن نیست))
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون
 و رادیویی نقشه های داشته ام
 - لیزارجان کونکه به آرزوی تان
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام
 است ؟
 - فلم جدید اینکه من در آن
 نقش برارنده ام ، ((سفر))
 نام دارد به کارگردانی سعید
 ورکزی وهم اولین بار است که
 رضایت کارگردان را جلب
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من



باز رایت و هوشیاری با سح
 داد :
 - از هنر ، هنر زنده گی کردن
 را موخر ، نه تنها به درسام
 میروم بلکه در منزل با مساد
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تحمیلات
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش .
 - ما شما این بیروزی را قبلاً
 تیریک میگویم .

آنرا اجرا میکریم نهایت خوش
 آمده بود و از سوزی شرح و کسار
 دقیق کارگردان و اعضای یونت
 فلمبرداری ماسپ شد که من
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده
 شده فرار گیرم .
 - قرار اطلاع شما شاگرد ستاز
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -
 پیشه گی تان ادامه خواهید
 داد یا چطور ؟

به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه
 موسیقی را دایرکت کرده ام .
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟
 - شاید در حدود دوصد پارچه بوده باشد .
 - پس در بخش دایرکت باید تحمیلات همه جانبه داشته
 باشید میشود از تحمیلات تان بیروم ؟
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف
 تحمیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک
 کورس ، ماهه را تمقیب کرده ام .
 - در بخش دایرکت بزین پیامرد کدام یک مؤفق تراست ؟
 - سه نفر من مؤفق تراست .
 - چرا ؟
 - زیرا که بزین میتوانم بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش
 دقیق تر باشد .
 - میخواستم بیروم دایرکت آهنگهای استاد هوشیور
 وسیمه ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟
 - کار من است .
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است
 - فعلاً در خانه .
 - چرا ؟
 - مشکلات دارم .
 - در نظای مؤفق تراستید و یا در دیکله اشعار ؟
 - فکر میکنم شعرا خوبتر میخوانم .
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟
 - بل در فنیشیوال و در گاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟
 - پروگرام زن و جامعه را .
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش
 می بردید ؟
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون
 بودم .

آیاتصادم زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد؟
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول)
 ساندرفر از وی چنین سوال
 کرد : چگونه میتوان زمین را از
 تصادم و آرهانید در صورت تریکه
 هشت ماه به تاین وقوع این
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود
 راکت های دوگلوله ای را غرض
 انفجار ستاره به خارج فضایی
 میراث سیمون بکار برد ؟
 بعداً ساندرفر اظهار داشت:

دفع کردید که در نتیجه چهره عالم
 تغییر یافت ، زمین لوزه ها ، انفجار
 در که های بزرگ و تواننا به وقوع
 پیوست ، طبقات غبار سنگ های
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و آن
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و
 حبابی در برابر اشعه آنتاب
 گردید . درین میان به اثر توقف
 ترکیب نور هزاران هزار موجود
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره
 های یک امر کاملاً حقیقی به شمار
 می آید لیکن میتوان آنرا کاملاً
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد
 (شویسکی) ستاره ای که فوت
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد
 امکان تصادمش در خلال صد هزار
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که
 متادل تو انفجارش فقط یک مکان
 باشد امکان دارد بعد از هری سال
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات
 دور دست سایبها جسم طعمی با
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده
 میگاتن عبور کرد این حادثه سبب
 تولید امواج زلزله در منطقه
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور
 انداخته شدند ، غبار و تند بساد
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .
 از همان وقت تا امروز از طلا در ساره
 سیم این انفجار و شش تا سانه
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم
 مذکور رأس متلاش شده ، مذکور
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سخنر
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با
 این سوال مواجه اند آیا در صورت

انتظار هرود اروپاییان سفینه
 ای راه ستاره (هستنا) که حوالی
 صدمیلیون میل از فاصله دارد -
 ارسال نماید . اینگونه ستاره ها
 به جای بدل خواهد شد که
 انسانها بتوانند در آن باشاجت
 قدم گذارند و ما شاهد بیروزی
 انسان در زمته ، نسوم خواهیم
 بود .

ساختمان ها سریر آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو
 امارشاد . چنمین زلزله را از سر
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۲ این
 یکبار به سکونت انتقال یافت . دهن
 شهر اتن تلخون اوستانکو -
 بالارفع ۵۴۰۷
 متر امارشاد . این اتن تلخون
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن
 رستوائت واقع است که چن مخود
 این رستوائت منظره بسیار زیبایی
 به شهر مسکو نصیب مارجم -

گفته شد کاری ساده نیست
اداره ماصرف درحالاتی میتوانند
آنان راحت تدای بگیرد که
از جانب خانواده های شان
یا بطور داوطلبانه از جانب خود
شان مراجعه صورت گیرد .
س : آنانیکه بعد از تدای
معنادمی شوند آیا بازهم چانس
صحت یابی رادارند ؟
ج : آنانکه دوباره بعد
از تدای به مواد مخدره روسی
آوردن کسانی اند که باز نخست
به زور تحت تدای قرار گرفته اند .

و طبعا مصاب شدن شان بسیار
دیگر خطرناکتر است زیرا برای
ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی
و علاقمندی شخصی باید وجود
داشته باشد .
س : معنادین چی نوع برابلم
هاراد رجامعه به میان میاورند ؟
ج : برابلم های ناشسی از
معنادین وسیع است .
از نظر جسمی خطرات جدی
بیماری های کشنده را بوجود می
آورد مثلا بیماری های ریویم
و خطرناک جگر که از استعمال

مکرر مشروبات الکولی پیدا می شود .
خطر سرطان نزدیکانیکه عادت
به دود کردن دارند . بوی دهن
چنین افراد سبب از پتدیگران
می شود . زرق داخل و رو سدی
مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال
مرض خطرناک اید سر برابلم
می آورد . حادثات ترافیکی ناشسی
از همین موارد می باشد . از نظر
روانی نیز مشکلات بوجود می آورد
از نظر اقتصادی چنین انحصار
کاری کمتر داشته و باید شانرا
را صرف مواد مخدره می نمایند

طبعا خانواده ایشان دچار
تنگدستی می گردد آنها بیشتر
اوقات خوشی را با دوستان همردیف
خود گذراننده اطفال شان از مهر
محبت شان محروم می گردد
گاهی اطفال شان نیز مصاب
به این موادمی گردد . تناسبات
خانواده کی آنها نامطلوب
گردیده سبب ایجاد جنگ و جدال
ها بالاخره به طلاق و جدایی
منجر می گردد . انسانها ثروت
جامعه اند طبعا انسانها معناد
ازین ثروت کاسته می شود . رجایی

زنده کی برای آنها محدود میگردد
بعضا بخاطر بدهی است کورده ن
پول غرض خرید اری مواد مخدره
آنها مرگب جرم و جنایات
مختلف می شوند . حتی تا سرحد
قتل و زدنی های بزرگ بعضی
اینکه برابلم ناشسی از اعتیاد طفیل
وسیع دارد که برای درمان آن
جهاززه بزرگ بکاراست چی ضم
مادران و اطفال مسووم
جوانان و سرانجام مصیبت یک
جامعه ناشسی از اعتیاد به
مواد مخدره می باشد .

نقطه مرگ

بقیه از صفحه (۲۶)
کوبایی چنانکه سوطون عمر
را کوبند یاد میشود و شامل
۱۲ نهی است که از نباتات
و حیوانات بدست آمده و هیچ
عنصر منحصوی کیمیاوی در آن وجود
ندارد . عبارتند از : عصاره
جمله سنگ پشت خاور دور ،
عصاره شاع کرگدن ، خسته
های نباتات Armenacae
Jualperus-Rioids
لیومی چینایی ، خسته قیسی
و شنبوته های که در کوروسما
نیز پیدا می شوند . و از روزگاران
پهلوی سینای بلخی مورد اعتقاد
قرار داشته اند .
از نامبرده برتنش بعمل آمده
که : آیا ممکن است که عصاره
طولانی ساخت ؟
اینگونه پاسخ میدهند :
بلی ، با قویه سیستم های
قبلا ذکر شده ممکن است . زیرا
تضعیف فعالیت آنها باعث
بیزی میگردد . طول عصاره
میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن
هم بالاتر برد . بالای اشخاص
بین سنین ۶۰-۷۰ ، که وظایف
تمام سیستم های شان تضعیف
شده بود ، تجاری انجام دادیم .

با تکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-
۷۰ میقد کاهش یافته بود
توانستیم که آنها را با نرسدای
بحال نورمال برگردانیم .
برای اینگونه تدای عصاره
تطبیق دو یا سه کورس لازم است
قسمی که کورس از ۱۰ تا ۱۰ بار
تطبیق میگردد و تطبیق پیچکاری-
ها چند روز را در بر میگیرد
در حله اول پیچکاری ها در
نقاط فعالی صورت میگردد
که بیمار از آنها شکایت
دارد . چیز هم در تطبیق این
سیستم است که نقطه مورد نظر
جد نیصد پیدا می شود . در
حالیکه در سوزن زن عادی
تقریبا ممکن نیست . داری تر-
ریق شده خود بخود زیر جلد
انتشار یافته و خود رابه نقطه
مورد هدف میرساند .
کورس اول تطبیق پیچکاری
در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه
میدهد و نتایج کورس های
بعدی همتر و بهتر خواهد شد
سپس نظریه وضع چهار کورس
تطبیق پیچکاری
بعد از یک سال یاد و سوال و یا
سه سال تطبیق گردد . بعضی
اشخاص در اولین تطبیق
پیچکاری صحت یاب میگرددند .
تلاش طبیعی کوریا به تزریق
دو نقطه لان طول عمر محدود
نمانده در صد پیدا کردن نقطه
مرگ نیز استند .
داکترونیک برامون نقطه
مرگ چنین عقیده دارد : در یک
حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز
وجود دارد که از آن هورمون
مخصوصی بنام هورمون مرگ
ترشح می کند . هرگاه این چشم
سوی از بین برده شود آن حیوان
برای همیشه زنده خواهد ماند .
فرض کنیم که پسر شدن انسان
هم ، که معلول فرسایش اسج
و جرحه ها می باشد . از هورمونی
بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته
باشد . هرگاه بتوانیم ترشحات
این هورمون را زایل کنیم و یا
لااقل کاهش دهیم به جلوگیری
یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم
شد . همانطوریکه هر عضو
بدن یک نقطه فعال در روی
جلد دارد به احتمال قوی
هورمون مرگ هم باید نقطه
فعال در روی جلد داشته
باشد .
به نظر او این نقطه با لای-
خطی موقعیت دارد که بنام
خط طول عمر پداسی شود و از
گلو شروع شده پس از عبور
از سده و ناف به آلات تناسلی
ختم میگردد . بین ناف و -
استخوان جنسیخ نقطه
طول عمر ، که از قدیم ها
تصریف گردیده ، موقعیت دارد
مهمترین آنها نقطه چنانگ
است . داکترونیک نقطه
جدیدی را هم کشف کرده که ۲
تا ۴ سانتی به طرف پایین
ناف موقعیت دارد و بنام خود روی
نسی است در تحقیقات بعدی
خود تصمیم دارد که نقطه مرگ
را هم درین منطقه پیدا کند .

بقیه از صفحه (۲۶)
چونند انسان را از نظر اشعه
ماورای بنفش حفظ کند .
درجهان حیوانات و نباتات چه
اثری خواهد داشت ؟
هنوز حوات راتما از ضلیم
سوی حیوان صورت گرفت . هرگاه
انسان بتواند خود را تا اندازه ای
از تشعشع محافظه کند . کی آن
بر حیوانات و نباتات اثر گذار خواهد
نمود . طولانی ، سطح حاصل دمی
حیوانات غیر نفاذ ۲۰ نمد حاصل-
خیزی بعضی نباتات ۳۰ نمد
کاهش خواهد یافت . شد تشعشع
ماورای بنفش امکان دارد نفا را بگونه
مناطق صنعتی و آلود سازد .
این امر ممکن نیست بهش از ۵۰ سال
صورت گیرد و نام در صورتی ثابت
ماندن انسان در برابر آن .
معلوم است در سالهای نزدیک
نگهداری این از خطر تشعشع اقداما
شروعی در نظر گرفته شده است .
- آیا بعضی حی خوش بنامه شهاب
صل داکنی شبه نیست که از -
بعضی مرض جدی او را بیهان -
نگهدارد ؟
- گنگ های من نه تعابیهانته
های تجاری طی هبوط نام بلکه
بر تلیج پژوههای جهانی آشوار
است ، تجاری و آزمایش های چندین
ساله پروگرام انگلیسی مل متسد
(UNDP) سازمان مترو لوی ی
جهانی میانگرنان تطبیق است .
- از ده سال در هر پاییز بالان
قطب جنوب شکاف آتونی پدیدار
مگردد ، طت چیست ؟
- در برابر این پرسش هنوز پاسخ
تفصیلت بخش وجود ندارد .
در زبته این فرضیه ها تمام گردید
است : شکاف آتونی شاید زا ده
جهان کیمیاوی با همیان دنیا کیمی
یا هر دو ی ان باشد که بالان توصیف
صورت میگردد . بعضی هالین موضوع
را با اهتزازات رقم حرارتی و همیان
با اعمال شدن خوبشید پیوسته
مدهند و هیچکس تا کنین به تشعشع
مناسب آن توضیح نیاخته است .

بقیه از صفحه (۲۶)
پژوهها و آزمایش های بیشتری در
کار است .
ت تحقیقات بشرک شیوی ، آلمان
دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ،
هند و ایالات متحده روسی است .
- در سال حاضر چه پیمانه مواد
تولید کننده آتونی درجهان تولید
مگردد ؟
- تعدادی روسی سالانه در حدود
یک میلیون تن (۴۰ نمد آن در ایالات
متحده ، ۳۰ نمد آن در ایالات
۱۰ نمد آن در جهان و شیوی) -
تولید میشود .
تفکته تعدادی در
شیوی ، ایالات متحده و بعضی کور
های دیگر مواد الترفاتی آن تولید
مگردد .
- در کفرانس مونتهال چه مصامی
اتخاذ گردید ؟
- مصام حق قبل از آن در سال
۱۹۸۰ در هائیا هم اتخاذ گردید .
چنانچه طبق آن تحقیقات روسی
جهانی رویدت گرفته شود در -
پروتکل آن ۵۰ کور اضافه کننده
تعدد سپردند که تولید مواد
تخشب کننده آتونی را قطع نمایند .
- تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید
مواد ضربه قطع خواهد شد ؟
- در کفرانس مصم گرفته شده در
سال ۱۹۸۳ از تولید نوی روسی ۲۰ -
نمد در سال ۱۹۹۰ به اندازه
۵۰ نمد کاسته شود .
- آیا کاهش های در نظر گرفته شده
کافی است و چرا تا ختم شده جاری
نشدن کاهش بیشتر اند ؟
- هرگاه برنامه وضع شده تطبیق
گردید و تولید مواد تخشب کننده
آتونی افزایش نیابد پیمانه تخشب شد
تشر آتونی مایه نگرانی نخواهد بود .
- با کور هلیک پروتکل مونتهال
را تا هنوز اضافه کرده اند چه معاطه
صورت میگردد ؟
- نظریه موافقه مونتهال تکلیفی
روسی تولید نوی روسی در اختیار آنها
گذاشته نخواهد شد . البته
مقتضین با مسازات جدی اقتصادی
سریزش خواهند شد .

رستورانت میشود .
اخین حرف تخشک به شهر
توتوتو
کاناتا اطلاق -
میشود .
۱۹۷۵ دین شهر
برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر
ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان -
جهان از نوع خود میباشد .
در ارتفاع
۳۴۷ متری این برج رستورانتی
ک دارای ۴۷۶ چوک میسرایی
معانات بوده و واقع است .
معانات این رستورانت توسط لفت ک در کنار

برج واقع است و اطرافش را شمشیر
اسطه کرده انتقال داده میشود
معانات میتوانند از لفت به منظره
نجا که به شهر توتوتو باز شود
لذت ببرند .
شاید برایتان غریب قابل قبول
باشد اگر بگویم که درجهان تا حال
دهوار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع
تجاوز شده .
این دو ساختمان -
مرقع تجارت انبازه های تلوهون
بوده که یکی در اراکت شدالی در

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و روسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع
۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گاهی به
اسمان ها نزدیک خواهد شد .
همین الان پیروزه های نورا کاست
که در صورت آسار ان ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و روسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع
۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گاهی به
اسمان ها نزدیک خواهد شد .
همین الان پیروزه های نورا کاست
که در صورت آسار ان ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و روسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع
۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گاهی به
اسمان ها نزدیک خواهد شد .
همین الان پیروزه های نورا کاست
که در صورت آسار ان ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .



جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالسخ

اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱- به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید و بود.)

انجنیر بل توسط امیرحیب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید. هر چند برای یکسال - آند بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد.

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها.

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد. البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد. بد در سال ۱۹۲۵ از میان رفت. یادداشت های او زیر عنوان:

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منیسوتا منتشر گردید. این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ درباره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است.

مخاضل خوشی میخوانم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند. میخوامم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعجب مینمایم به حیت آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروشم نیباشم.

وی در مورد سوال دیگر گفت: در مورد انتخاب شعره، کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده گم ام راه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد.

می پرسم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد؟ میگوید: تا حال عاشق نشده ام، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد. به امید موفقیت های زیاد و رقابت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم.

زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت. و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم، اما زیاد میخوامم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم.

جواد در مورد سوالی گفت: در شهر مریه تن دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخوامم رقابت سالم باهم داشته باشیم. خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مزار شریف هنرمند بر آوازه بی محاضل خوشی شهریان دیار مولای رانگیر، سرمی سازد که صدای خوب، گم و گبرایش شنونده. گانی دارد، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد.

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظره علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی

مردمها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)
مقدار شرح بیسن
۲۲ تا ۳۰ نیمی وجود
شان در تغییر است.
در آنهایی که به دوش
عادت کرده اند، شحم
بدن شان تا ۷۰ درصد
پایین آمده میتواند،
درین صورت از آنجا
که مقدار استروژن کم
است، بنا به درجه
پایین تر شحم

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه
قاعده کی را توضیح کند.
چنانچه دم عبارت از این است
بودن سطح هورمون
(Luteinizing Hormone)
هورمون که از غده های مغز
تراش میشود، سطح آن در زنانی
که به ورزش دروس اشتغال دارند،
پایین است، بلند رفتن بیکاره کی
این هورمون به خاطر خارج کردن
تخمه از تخمدان در نیمه دوره -
قاعده کی ضروریست، خارج کردن
تخمه از تخمدان به گونه عادی
علت به وجود آمدن دروس از جنرا
در محل تخمه خارج شده از تخم
دان است که هورمون دیگری را به
نام پروجسترون میازد. کوتاه
اینکه مقدار کم هورمون LH
معنی آن را میدهد که تخمه در-
تخمدان به وجود نمی آید، بنا

در تخمدان پروجسترون وجود
ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی
تعمیق می افتد.
پروژسترون دالون در اینجاست
وجود می آید که آیا به تعویق
افتیدن قاعده کی خطری دارد و
یا خیر؟ ما هم میدانیم، دیده
شده است که استروژن برای
محافظة استخوانها در زنان
ضروریست، پایین آمدن ها کاهش
استروژن بعد از توقف قاعده کی
به نرم شدن استخوانهای انجامد،
مطالعه آنهایی که به دوش -
اشتغال دارند، نشان میدهد که
محتوات منزالی ستون فقرات شان
کتر از آنهایی است که به دوش
اشتغال ندارند.
مادر مورد خاصی قبل از صحت
کردیم که شجاعت وی بعد از مادر
شدن تهنه اثبات رسیده است.
روانشناسان و دوکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح
کنند، در زمینه چندین نظریه
وجود دارد، نخست اینکه یک
زن که تحمل شدیدترین درد -
یعنی درد هنگام ولادت، را -
دارد، میتواند در اثنای
تولید باین خود فشار را تحمل
کند، زیرا با این خود اطمینان
تحمل درد را دارد، دوم اینکه
زنی در اثنای اجزای تخمین شاید
کمتر خود را ناگهانه محکم
گیرد تا به زنانه کی اش آسیمی
نرسد، ولی بعد از مادر شدن
میتواند سخت تر تربیت گردد، -
نیز از آنجمله امتحان زنانه کی خود
را گذشتانده است، سوم اینکه،
تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی
امکان دارد که اندازه حرکت
پایه را در اثنای دوش تحقیر کند،
بالاخره چنین مطرح گردیده که
هورمون پرولاکتین که بعد از ولادت

جهان بعد از قاجار

بنیة ازمنه (۷)

ارکانهم خای زنده را از شمع ماورای بنفر مغز - نگه دارد در اثر
پرتاب، تومار آتشین ناشی از انفجار تخمیر خواهد شد.
شمع ماورای بنفر که زمانی محروم و انگیزه زندگی روز زمزم
گردیده میتواند بهمان معنای موجهات نسبتی آنرا نیز فراهم کند، این
شمع خرمه کوبنده بی را خاصیت پرور ایثاروار خواهد ساخت.
چنانچه اکثر ارکانهم خای یک حجره وی را که حلقه صده بی را در
زنجیر غذایی موجودات بنفر - تشکیل میدهد ازین خواهد برد، و
بدین ترتیب زنده محتوای بودی سایر حلقه های زنجیر را صادر خواهد
ساخت، نه تنها در این نباتات ازین خواهد وقت بلکه شمع ماورای
بنفر مالیکول های راک مشخصات ژنتیک مربوط به آنست
تخریب خواهند نمود، در قسمت سلولها تکمیل پوست یا پیرهای شان
در برابر شمع سیر گردد ولی قادر نخواهند بود چنان شانوار -
امان نگه دارند جهان بسوی ناپیدایی خواهد رفت.
میلیونها پرند گان و جانوران ناپیدا در جستجوی آب و دانه سر
گردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خوش
نیز در وقت شباهی قرار خواهد داشت، نیکولو پویاکوف، دانشمند
ژنتیک آکادمی علوم خلی اتحاد شوروی واقفیده، بر آنست که در چنین
شرایطی مالتانه نخواهد بود تکثیر بشری و از نگاه ژنتیک و ادامه
پروژه تکامل انتظار داشته باشیم، این پژوهش شمع مواد را میسر
اکتف تحولات نهادی را در تمام مایکروارگانهم خای بازمانده، نباتات
و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، چراشم کاملاً بی ضرر
خزرات مرکب از رامتوجه انسانها خواهد ساخت.
مازیه بران، مکتب تفکر بازمانده ژرفیت تکثیر را به علت اینکه شمار
آنها به سزای تهن سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دست
بدهند، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه
جلوگیری از جنت گیمی با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر -
تغییرات نهایی ظاهر خواهد گشت و به این معنی است که بشر در
طول دوره، تکامل خوشی بدوش گیده است عوامل جدیدی که یقیناً
نیل بشری راه سوی نیستی خواهد گشاده، امانه خواهد شد.

فردین موزیک

انواع مختلف کسهای
موسیقی افغانی، هندی و غربی را
به علاقمندان موسیقی پیشکش مینمایند
آدرس: مارکیٹ جمہوریہ

خوله دانه در مخه فنی مرستیال
به جوکی کینه اولی و... اداری
مرستیال جی دانه جوکی بی د
خان منلی حق باله به خیل
بخوانی د نترکی بی دریاست
بول صلاحیتونه به خان بسوری
وتل ل به بی خوا اداری و
فنی مامورین هم له د وید و پرو
تخه کم نه وو... حکه جی د یوتن
به ریبر کید لو سره د نولو به
جوکی او بیستونکی تغییراته
که حیرته فنی مرستیال ریبر
شوی وای نو فنی خانکی د -
بخوجا کولانو د تیره کولو عمیسی
مد برد فنی مرستیال جوکی او
بست تر لاسه تابه او د همسه
مرستیال ته به خبله د عمیسی
مد بریت جوکی وریاتی و... حس
به دی لول ترورستی مامور
جوکی دانه حق خیل حقدارته
رسیده.
دعمی وخت و جی د لول مقال
له خواد سرپرست ریبر مکتوب
د ارشیف مد بریت ته را رسیده.
مکتوب مخکی له دی جی به خبله
د ارشیف مد بری و کوری د همسه
مامور باکت حرسیری کی یو او د
مکتوب متن بی لوستی و... کلمه

جی د ارشیف مد بر مکتوب بلوست
له مکتوب سره یونای بی د خیلی
ایمانه کاری بینشهاد هم له میز
خانی راه اخست ایه د اس حال
کی جی د ریایت خندان به
شونو و خبره و... د اداری بر -
ستیال د د نتر به لور و رو خوخید
(لوستونکی دی د خوشی سو
له باره یوست موزیک و فنی و)
نصاق: د رنولوستونکو (ناسی
خه فکر کی جی به مکتوب کی به
خه لیلی وی، د ارشیف مد بر
دخه شی له باره د خلی ایمانه
کاری بینشهاد له مکتوب سره
یونای اداری مرستیال ته یور
ایمانه ریبر مامورین له خیل
مد بر خده مخکی بی مکتوب
لوستلی و فنی مرستیال به له
موضوع خبر کی آوکه نه، او هم
داجی دریاست جوکی به د خا
به تعیب وی.
د اهنه یونیتی دی جی د
برله بیس داستان به درسه
اوروستی برخه کی جی به را -
تلفونکی که کی به خبره شی حل
کند و نکی دی، او سر نو د خدای
به امان، روغ او حوین حاله
اوستی.



موکیش

از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رگبی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببورد.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلائی)) نام پر درخشش و استیلا کاشده ایست که از دو سال برسوگن موفقیت ششمه مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای می‌کند.

او از مدت‌ها به این سوقاضای فلما سازان راسترو می‌کرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمی‌کرد و از جانب دیگر نمی‌خواست از زین مقام اصلی اش که سخت به آن علاقه مند بود تهاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباسهای که مودم او را ((چراغ)) - خطاب می‌کردند و در این دایره از شهرت فراوان پر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلم برداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضاهای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس نمی‌کردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از این سو مودلی نبود که مرا به سینما متماثل بمزدولی حالاً دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و دهی و تواضع لب به سخن می‌گشاید ولی هر گاه در مسایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن می‌کند، او هم خودش را در اینان حرف ها، کلمات می‌بیچاند.

هنگامیکه ((جی، پی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، او از تومن غیور و تکبر فرود آمد و این نقش را بیدین پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد می‌کرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه می‌کند:

((نزد من، ((دت صا حب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از اینرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمی‌کردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار می‌گیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها بر این شکل شود و کار و بار فلم سازی در قلم هام شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرفم استم برای بازی در فلم هاییکه تراراد آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهکی آن پانزده اول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فضا میلودی ((راگ درباری)) (دل جلتاهی توجلی دی) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتماتیک داد. اکثر آهنگهای راکه در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((پ))، موکیش از عینی گلوش اداه میگرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان می‌تراود. ادای آوازهایی طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آواز های طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه میگرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیروراجانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برفق آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگهای موکیش به رکورد مواجه شدند. چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلمهای ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا- یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در برگزنت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰- ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خوانند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شنگر- جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگهای فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. بازیگر فلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلمها آواز های طلعت و رفیع را با سنگ می‌کرد اصرا روی وزید که قبل از اجرای آن از شنونده ها نظر خواسته شوند. شنونده ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش را رد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیچ چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانند - نظم عقربه های ساعت سر و اهش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۰) سرود در واقع وداع اشک الودیا ((انیل بیسواس)) و - ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تخنیک در سینما، موسیقی در فلم هانیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگهای زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشی کانت- بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی- اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگهای رابا ((کلیانجی- اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در آریسه بهترین نمایشان فرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می شویم که این تعداد آهنگهای موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگهای او که آنگده باغم اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ازایی میگیرم تا قبل اعمیت است بخاطر بیایرم که مانند آهنگهای سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگهای حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با لقم هاییکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن ها شنونده ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازش قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روز گاری را دارند که نمران سروده شده اند.

آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری
که در ۱۷۰ کیلومتری داریسین
موقعیت دارد کشف نمود.
ارتفاع این ساختمان بزرگ
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به
۷،۳۳ متر می‌رسد. این آشیان
آشیان عظیم دانشمندان این
ساختمان‌ها را چنین مسمی
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت
زاد خود جاداده است. آنها
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند
حتی در مناطق، شهرهای نیز
از این ترمیت‌ها وجود دارند.
دیوارهای ساختمان‌های بعضی
از این انواع به حدی محکم ساخته
شده که تخریب شان تنها بوسیله
ابزار خیلی قوی میسر است و پس
این حشرات همه چیز را می‌خورند
و با این کار سالیانه ملیونها خسار
وارد می‌نمایند.



از دنیای مود...

بقیه از صفحه مقابل

در خصوص اینکه در بیست‌فلسمی که ((امتا بهر))
فعلاً روز آن کار می‌کند، در یکی از آنها، نام ((سنکیتا))
خوانده نشود، دو مطلب قابل توجه است:
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست تا سی فیلم در وقت
قرارداد دارند که مابقی آن صرفاً فلان‌سازان از آنها
شود.

دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) آنقدر جوان و شگفته است
که همبازی شدن او با ((امتا بهر))، هیچگونه
ظرافت هنری را ایجاد نمی‌تواند.

مگر در هر صورت نظر بر این دو، در پرده فیلم
آنقدر هابمید از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این
مود می‌کشد:

((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیم
برای خود کماش کم و بیش طرز تلقی که، می‌کنند
(مودها)) هنرمندان خوش‌آزاد در نمی‌آیند و
خط بطلان بگم تا دیگر گفته شود که ((مودها))
مود اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند

اگرچه در فیلم ((هتھار)) ظاهر شدم ولی فیلم
اولی من ((قاتل)) است که بی‌صبرانه منتظر مکرر العمل
مردم در برابر هنرمندان ام می‌باشم.

داستان این فیلم پر از فحاشی و بی‌بندگی هلیست
که از لحاظ اصطلاح سینمایی می‌توان آنرا گفته از
(سینس) خوانند.

به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودل
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.

او می‌گوید: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول
به معنی فحش قرار می‌گیرد در حالی که در سینما
تخیلات یک نه‌سند، خلایق کارگردان، مهارت
کوه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه
موضه میشود.

اگرچه در فیلم‌های هندی رهنموده نقش حساس
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بام ((

((سنکیتا)) فعلاً حدود پانزده فیلم در اختیار
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده
است.

اگرچه در این‌ها و آخره داستان مشقی ((سنکیتا)) با
(آسیان) روی نه‌نماست ولی او موضوع را اینگونه
جلوه میدهد:

((در زنده‌گی من فعلاً هیچ مردی سلیقه
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه
نایل آیم)).

ویا سالهای مینوز به ظهور می‌رسد.

ولی همچنان انجماد زنده‌گی
جنسی نیز اسباب بدیده کلیتومان
(عقد و گزنگی روانی) را فراهم
می‌آورد.

منتها مرد هانیز می‌توانند
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمد
باشند، پس چرا آنها دست
به سرفت نمی‌زنند؟

روانشناس هامبورگی بنام
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:

زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود
عاطفی و جنسی رایج و عیاشی
در آن احساس می‌نمایند، در

حالی که مرد هاندت عاقل‌امو -
خته‌اند که چگونه عواطف خود
غله حاصل نموده و مانع بروز
ان گردند. مرد هایشتر بیماری
های جنسی مبتلا می‌گردند.

نباید از ندراند اخت‌که
زبون یعنی دزدی رعایت
خاطرمی بخشد. در جریان
دزدی انرژی تشنج روانی از او
شده کسیده‌گی و گزنگی انباشته
شده از میان برداشته می‌شود.

و بالاخره انگیزه رعب و وحشه
که از ناآرامی ترس‌میان می‌آیند
با احساسات لذت‌آور جنسی
می‌تواند ارتباط داشته باشد.

دو مین نفر معترف به سرقت چیز شده‌اند.

رعیت بیشتر در دزدی -
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم
آرایشی، زیورات، ریکاردهای
موسیقی، فرآورده‌های چرمی
والیه سود روز که بی‌بزه مسود
بستند خان‌ها قرار دارند، دیده
می‌شود.

رواقعا خانها، با وجود
اینکه در مقایسه با مرد هاکتشر
مرکب جرم می‌شوند، به اصطلاح
در بالا رفتن دزدی مقام اول را
احراز می‌نمایند.

در اطری منتشره وزارت عدل
ریاست نورد اینوست فالن المان
عرب چنین آمده است: ((در
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان
نسبتاً را بخود اختیار نموده
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))
علت آن چیست؟

روانکوی از دوسلدورف بنام
داکتر هانس یواخیم شوین،
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته
ومی‌نویسد: ((عقد و گزنگی
های روانی در رابطه علسی
با اختلالات غده‌ای قرار دارند
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

بازی با ترس

هر دو مین شخص بازی با ترس
را انجام داده است. از تحقیقی
که در شهر هامبورگ المان
فدرال صورت گرفته، روشن
میکرد که چرا تعداد کثیری از
زنها در مغازه‌ها به دزدی می
پردازند. ((نورا برمن چیزه‌گی
یافت و خطر را در جیب پنهان
کردم))، اهتراف ویژه و تهیه
زنی است که در فروشگاه‌ها به
دزدی می‌پردازد.

برودن اجناس گسترش
نییابد و طوریکه تازه‌ترین آمار
نشان میدهد (۲۰۰۰۰۰ -
مرتبه در سال، باشندگان
المان فدرال دست به سرقت
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این
تعداد فقط انعامی را در برمی
گیرد که ابتدا بدستگیر شده‌اند.
طوری که تجارت برچون
فروشی وانمود کرده، تعداد
واقعی انعامه‌الی بیست برابر
بیشتر از عدد فوق الذکر است.

از پرسش همه‌گانی‌ای که در
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر

بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبا لیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسنگ، یانک بازان، وواترپولو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نمود که در سال جاری در کوهنوردی بگرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلند و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در میونیک دفتر مرکزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابا راه انداختن مسابقات بسکتبال از زمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

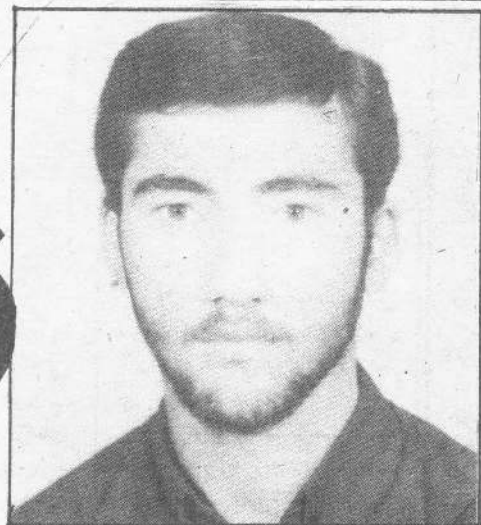
زمینه والیبالر

* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقب ماننی دروس مانمی شود، در فستیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانبودن میدان و لوازم سپورتی میباشد، معلمان مانسبت به سپورت ذ هنیست خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تبیل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات مارسیده گی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عصریسه ورزشکاران راکم نمایند.



ورزشی



قوی ترین

مصاحبه از منیره

ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تی کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد ترینگ کلب ((تی کواندو)) - مه ((محتدم عبدالناصر هوتکی)) است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

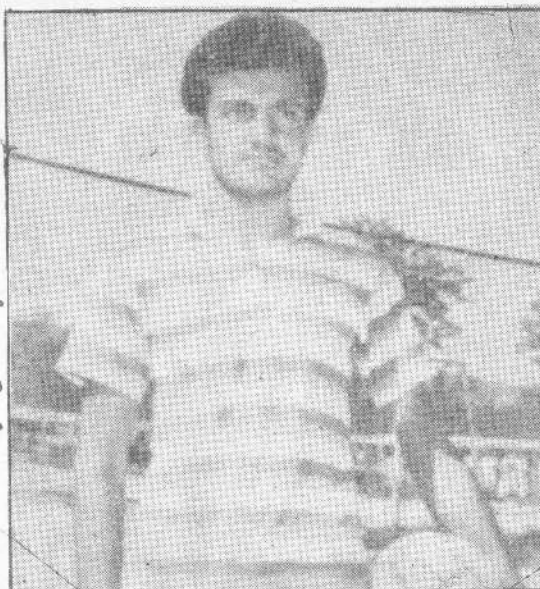
ورزش تی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شد، است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کنگو چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تی کواندو از سه کلمه کوریا (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن (دو) است. یعنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده - تی کواندو و هیانگ و تی کواندو و بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوا پسی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باور مند فرد ای درخشان شایسته از جابری می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

همایونج باسکتبالر

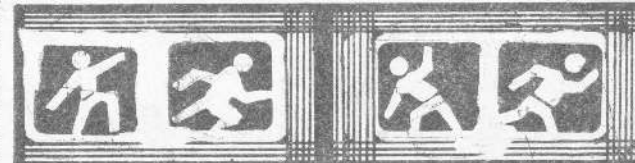
* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکج ، - عصریه ، اینها همه نیازهای است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویا پول کوستاریکایی در راب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .
 در جمله ده ورزشکار خیلی هاس معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، از کشور آرژنتین ، در فوتبال ، دیگري انانید پلینا کیروت ، از کیوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر استند .
 و اما در مسابقه پرند هاس ، طوطی آرژنتین در نمایشی در نزدیکی شهر ننگ بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند ه بزرگ از جمله چند پرند ه تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



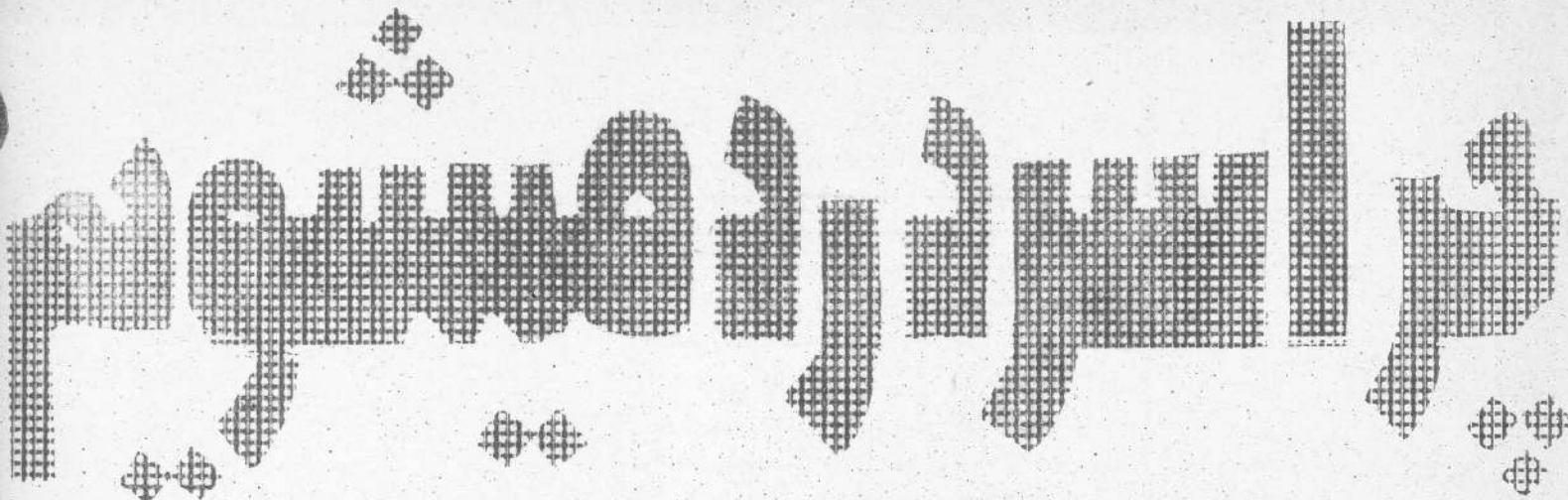
سبک فاع

بازگشتم و کلب ((تی کواند و پوسه)) را ایجاد نمودم .
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنگاه که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جز کار در کلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور پوهنتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به پوهنخی طب کابل تحصیل کنم .
 در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :
 ((برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظریه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر ((قدراسیون ورزشی ایران)) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از .
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موهوبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شریه من



دیدن بعضی تصاویر، استفاده

از عینک‌ها و کلاه‌ها

بعضی تصاویر سردی

ترجمه ستانک

چه چیزی موجب حمله میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی، میگردن میتواند بعد از ماندن زیاد در بوسه اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازدودیه وجود آید، نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد، حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر میشود دفعه از طریق سیستم - شریان های داخلی و خارجی باز-توزیع شود، در مرحله نخست، افزایش سیخ شریان خون در شاهرگ داخلی بوقوع می پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی تیزتر میسازد و فعالیت میسر بدن را پیرایه سه متر میسازد، همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه-)

یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شریک الکلی نشان مخاطی بدن را میسوزاند و در جریان عبور از مری آنرا تیز سوختن میدهد و به داخل معده میبرد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سر تا سر وضعت انتشار مییابد. تمام اعصاب و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند، حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات عصبی و مجاری مغزی است و گنگه میشود که معوم شده اند، این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشرا از دست میدهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند. همینکه تا شیر الکل از من رفت زمانیکه وضعت بسختی اثرات انرا خنثی میسازد، مجاری برای یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی دقیقاً باید توجه کرد که بازم همین مجرا هست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود راتا من میکند، در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

رگ خارجی) متاسفانه بطور آتی گذر می شود، صورت بیمار به سرخی میگرداند این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگردن است. مرحله دوم بیماری باعث پائی توزیع سیخ دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر میرسد، زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود، در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که دقیقاً موجب سردی میگردد. حادثه این تغییر در مجاری زوده های دماغی به مشاهده میرسد و بالای گیرنده های دردمسائل میکند، سردی غیر قابل تحمل میگردد، این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جسمه بی را بالا میبرد، در نتیجه برای بیمار - بعضی پالانویه اسهالات دست میدهد که به تمهید آن حله - صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است، کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و اسهات لسی - ناحیهی زنده های دماغی از من میروند. اینست آنچه بدن بخوش کک میکند ولی بدبختانه صوف - وقتی این کک میسر میگردد که تهبانی حله رنج نهادی را متحمل شده

در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را برطرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم - چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهرشاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (هتاین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر، مثال ها ، منک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - ایمن قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، ((از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟)) بیمار میگردد ، ((از مدخل سیاسکیا)) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، ((از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بورووتسکیا داخل کپلین شوی)) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آن مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوخت - بودند ، این تاجر با مودوروف مدخل - بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آن مدخل بورووتسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آنا منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند . باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلم کاملاً دقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود . این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت عطیه تفسیر پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت . این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشدینی - ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد ، بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشده نشود . محکم بمتن کالها تنگن که حرکات گردن را - محدود ساخته و به مجراها فشار را در

می گذختی اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردن نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگ و گاهش واکنش - هاست . در تها تریا کفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگن های شانسرا سست نمایند ، با این کار فوراً احکام آراش و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال منک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست منک یا نرم ها که میتواند با لای بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند . در اثر آن با لای - شریان های صدغی (شقیقه) فشار وارد میشود .

نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم کرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند . معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است . داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسور سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد . ظرف یک ساعت وضع دمائی لاش بهبود یافت و سردردی لاش برطرف شد . ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند . چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگن مرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدیش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسرای خوردن چیزی نمکی تنید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدبیری در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس تنگی نمیکرد ولی فوراً - توانایی لاش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بدیش پیداشد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه لاش را نمیتوانست بخاطر بیارود . صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب بهبود سوج آب در بدن تراکم خون ، گاهش در مایع فقراتی مع و در نتیجه باعث پلین ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد . ضمناً نتیجه مشابه از گاهش آنسی صرف آب نیز موجود می آید . - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول گاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنین فوالمیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های صید و نسای آکسیجن در واقعیت امر گاهش می - باید ، این عمل با لای مجاری سر تا شهر ناگاری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنگ و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

انادرموروتیک مایلند سکرته را ترک بکند ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاب - هستند این عمل را انجام دهند زیرا ترک آبی سکرته به عدم توان موی قتی سیستم وایی منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد ، بدین صورت باید یاد اکثر مشورت کرد .

عامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کارو - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغتشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد وقایع مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنسب اختلال صبی وایی معروف است ، بهر آرد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایی را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون ((دلیل)) است بر طرف سازند .

درسهای موسیقی برای همه

در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سبازون سلسله درسهای موسیقی را آغاز نمود. به اداره محترم مجله نامه که بنا بر مشکلاتی انرا در نبال نتوانستیم در سال جاری محترم انجنیر صدیق قیام که در این زمینه دسترس دارند و عده همکاری را داده اند با سراز این شماره درسهای موسیقی را در نبال خواهیم نمود.

در میان علاقمندان هنر موسیقی غرض فراگیری اساسات آن تقاضا به سطوح مختلف وجود دارد. یعنی یک عده شایسته ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی و آشنایی با مروج ترین آلات موسیقی (هارمونی، طبله) به شکل تدوین شروع کرد و بعد به دیگری شاید در جسی به شناخت راکه ها و تال و اطلاعات ترانه و غیره و بعد هم شایسته به نوشتن و تفاوت های موسیقی شرق و غرب و بالاتر داشته باشند که همه به یک بار مشکل است.

بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره محترم مجله سبازون مستند به نامه هایی که به آن اداره رسید و ناگزیر از الفبای موسیقی شروع کم و به تدریج امیدوارم به ذوق همه تاحد امکان معلومات ارایه نمایم. تقاضایکم تا وقتند آن محترم کمک نموده یا نظرات پیشنهادات و سولات خویش

شکوه دلیر! نیرومند که نه باید هیچگاه فراموش شود و موسیقی های بیگانه جای انرا بگیرد.

ولی فراگیری نوشتن به سبب غریب یا تقسیم و دسته بندی راکها و تال ها به سیستم هندی نباید با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه سواد موسیقی است برای هر هنرمند فراگیری آن لازم و ضرور است.

همانطوریکه برای فراگیری هر زبان دانستن الفبای آن در قدم اول ضرور است به همین ترتیب در موسیقی هم دانستن الفبای آن گامی است در فراگیری آن.

قدیمی ترین الفبای موسیقی در چین و برای اولین بار الفبای موسیقی به زبان سانسگرت در هند به وجود آمد. این الفبا در چوکات هفت سر یا هفت لغت یا هفت صدا این که از تکامل سرود های مذهبی به وجود آمد بود نامگذاری یا ریخت گردید.

الفبای مذکور که به الفبای طبیعت انتخاب و به موسیقی داد شد هر یک معانی بخصوصی دارد:

- ۱- شاجده به معنی صدای طبل و صد رفته است.
- ۲- رشابد: سرود یکی برنده بنام چنگا.
- ۳- گنداره: مانند صدای بز.
- ۴- مدایاه: مانند صدای مرغ ماهی خیز.
- ۵- پنجاه: آواز ناخسته.
- ۶- دیوات: ترنم بقه در موسم بارانی.
- ۷- نشاده: ترنم آواز نیل.

همچنان یک نوع نامگذاری دیگری که منشأ آن سرود های

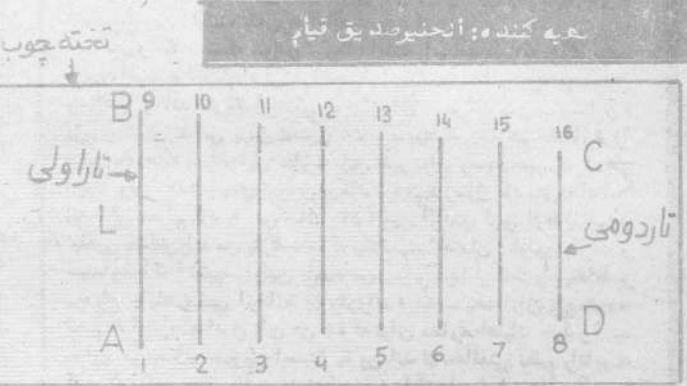
مذهبی است قرار دین:

- ۱- براتاما: تون اولی
- ۲- دیوتیا: در دومی
- ۳- ترتیا: در سومی
- ۴- چتوریا: در چهارم
- ۵- پنجاما: در پنجم
- ۶- سیتا: در ششم
- ۷- سیتاما: در هفتم

ولی در غرب برای اولین بار فیتاغورث ریاضی دان یونان به استفاده از هفت صدای فوق که در شرق مروج بود و به انگلیسی ریاضی و صوت اله موسیقی را به وجود آورد که هفت صدای هفت سر فوق به آن تطبیق میگردد و یا گفته میتوانیم که مذکور اولین بیانی ساده ابتدایی بود صرف دارای برده های سفید بقایه بیانیهای امروزی. ناگفته نماند که بیانیوت اله موسیقی تازه اراست و بعداً آرایه زبان یونانی نام گذاری کرد.

موصوف تجربه خود را آغاز کرد با استفاده از اینکه اهتزاز یا فریکوئنسی از روی دفعات فی ثانی اندازه گیری می شود. مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز آواز در فی ثانی زیاد باشد به همان اندازه سطح سوه آواز (زیر) می باشد و همچنین به استفاده از قانون دین:

- ۱- تاریخچه ریاضی از یک جنس مشخص با یکدیگر باشد.
- ۲- در کتب زیاد قرار گرفته باشد.
- ۳- نامبرده برای اجرای عطیه خود نخته جوی و انتخاب کرد و سبب ثابتی را به آن کوفت که نقطه مذکور را (A) نام گذاری می کنیم.



و بعداً در نقطه (B) میخ متحرک را محکم نمود و انحصار های تاری را به دو میخ B و A بسته و توسط میخ متحرک کش نمود طبعاً با تماس صدای به وجود آمد. مرتبه دوم عین تجربه نوق را در نقطه C و D نمود یعنی نقطه D میخ ثابت و نقطه C میخ متحرک بود ولی موضوع مهم اینکه این بار فاصله DC طول تار AB بود. بعد از کش طول تار DC نصف فاصله یا نمودن تا توسط میخ متحرک C مشاهده نمود که صدای تار CD و AB با هم مساوی ولی تفاوت صدای تار CD و چند صدای تار AB بود که این موضوع را شمد هارمونی های دوسره خود دیده و میتوانی وقت یکی از برده های هارمونی را فشار مید مید بطرف راست و گاهی به طرف چپ برده هشت نیز با این میشود که عین تیوری فوق است. حال طول تار سرهای دیگر بسیار ساده پیدا میشود قسمتی نامبرده فاصله AD و BC را به هفت یا رجه مساوی تقسیم نمود بالای نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ میخ های ثابت را کوفت و مقابل آن بالای خط BC در نقاط ۱۰-

سیلا نوروز

میخوانم و نه آهنگ کنی پیری را
من فقط از سبک بزاد بر پیروی میکنم
- با همه آواز خوانانی که خواسته باشند من امتحان میدهم -
آواز خوانانی که صبح شوق آواز خوانی به سرشان میزند و شب بیدار روی برده تلویزیون می برانند باور کنید از طرف فامیل ها و خویشاوندان شان باران یو تلفون می آید که آواز او را بشنوند و یاد برود گرام کاروان خله با او مصاحبه نمود - پس شما هر ساعت و هر لحظه در آتش حسادت سوخته آید -
نه من نسبت به کسی حسادت ندارم ولی بر روی واقعیت نباید پند کشید -
آیا شمد رشته موسیقی تحصیل هم کرده آید -
بله و دوسال در لیسه موزیک در رشته موسیقی تحصیل کرده ام اما یک گروه هنری دارم -
بیه کدام آلات موسیقی دسترس دارند -
بالاخره تصمیم آخری تان چیست -
بالاخره اگر اجازه ثبت آهنگ در راد یوتلویزیون برام داده نشود تبله - جاز بند و دهل و هارمونی - شما قبلاً به این مطلب اشاره نمودید که امتحان آواز خوانی دادید و موفق شدید کی ها از شما امتحان گرفتند -
استاد هاشم موسی قاسمی معلم - در امتحان ما استاد محمدمهر - نیی خلاصه که ۴-۵ تن از استادان ویزید حضور داشتند -

عکاسی جهان نما
سندی عکاسی جهان نما
عکاسی محاسن خوش شمارا غیور
رنگه و سبزه و سفید می بدید
در شهر مزار شریف مستمس
شفاخانه ملکی شمار روضه تریب
تلفون ۰۲۲۱۴

زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی آید - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا زان و بیخود خندیده گریستم - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا میتوانست گشود - ام ربه من باز هد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود ، باز د هد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت د اتم را بیاورساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لگن و میا ش باشد ، و خیاط د اندست که من کن باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرابه خانه اش کشاند خانه میکند دست کسی از خانه قبل از آنکه بدست و علاوه برهن عد ؟ دیگری - زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگرت و مخدرات و الکل بود ، اینها محافل نمنا د ستاره جمعی بودند ، همه محرم بودند ، در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و مدتی کسی گذشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتاقها و حویلی هاییکه جمعی از مردان عیاش - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که همراهِ بارقص ها گاهی میخواستند برهنه برقصم و وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای منجم همه ما همراه با (خانه والای) مانعم به نجایم و فحشا پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زندان محبوسان را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشویدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است ، چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش میگفت : (سرماره از پشت خار) ، تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود و مدتی را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر حتی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوسان (با یواز) ها داشتند و اما من جز هر لحظه سرگردن دوساره (با یواز) نداشتم ، زنیکه از واقعیت زنده می ام آگاه شده بود و بیکروز آزاد نشدم ولی همواره خبر را میگریفتم و بعد از یکماه منم یکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیه راستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سپری کرده بودم ، خبر آزادی ام رابه همان خانم مهربان هر مسلکم که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده گفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمنا بود ، دریافتیم که تقدیر چنین بوده که من نباید در واز نجای باشم ، آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرابه خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر حد هد ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری کامر باید برمیگردم معلومگویی میکنم

اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم ، صاحب خانه (ما همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح برسر من مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی این خانه ششم ، و این وقتیکه که این خانم برایم محوطه نویسیه خاطر عرضه حسن جوانم به مردان وحشی صفت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کنار سرمیگردند و من به تنهایی ناگزیر بودم ، پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست ، وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت ! ابا میوزم محکوم به اجرای همه امور خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند ، شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند مرابه اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر منم

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزم و کارهاییکه باید در اینجا انجام میدادم ، بالاتر از توان بود - باید زیاد تر زنج بی کسی در میان ناگهان دین صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم ست به دروغ میزدم ، یعنی فرار میکنم - با تقبل دهه های شوی و بی عشق راه کابنیل را میپیمیدم ، در کابل هر شب را باید نزد معاند آزادی گاه در منزلی - گاه در سرسرای - و گاه در در کانی سرسرایم ، برضی ام شدت پیدا میکردم من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانین راهمه احساس سر رینده می یافتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشوم را میپیمیدم ، اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و برضی ام را دلیل من آورم از توجه و مهربانی های بهترین بی بهره می شدم

این اختراع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتنامیکه تنها از کتافتهای آن بهره داشتم ، هرگز کسی ازین دعوت به پافتن نشستن نکرد ، هرکسی به دست نظیر سلام دانگم بخاطر فروش جانم و بد بگری به خاطر برداختهای جنسی اش - و من در رانینوی از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بدیده ام

د بوی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد همراه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سزقت پول و جواهرها زخانه اش و لیا را محکوم به جارسال حبس کرد بدم و دوساره زخم محدود زندانی برهن تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم ، محیطیکه در آنجایی تفاوت ترین خبر برایم رسید ، خبر مرگ شوهر آورد و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف ، در منزل مادرش به ادا زنده می میکنم گرد بدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر ازدواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد هیرویین است ، بدون اندک مخالفتی نظرم را تایید کرد که برقصم پول بیاورم ، بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رسیدن نیازها نامسه داشته باشم - به کشته گتورفتم بعد از شرایط لان برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میگیرم و براسم ظلم را که هنوز کرد که بکمال است ، بنام میدهم و به تکه های میچوم - چرخ میخورم پول میگیرم و شوهر معتادم را مرفوع میسانم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالی مرد من ((سهیلا)) شده ام ، ((سهیلا)) بیکه شرم سرخروی ((سهیلا)) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است

شبهات برقصم روزها میخوام - بد رکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میگرد تابندی شد ، او بیخود تر از من است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتقاد است

بگذر حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده می اش را چنین قصه کند که ، دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده ، پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام ، احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش برهن ظلم کرده نگاه کرده اند ، اما حال دیگر شاید بدم زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرم تا بمرگ ، گاش چنین با فرور میبود

مردانیکه در دستم خوابیده اند از قصه ام سوخی خواهران نویالسن همسران شان کنند گاش چنین نیرو پیدا شتند (معامله گران از قصه ام دست به کیسه هایشان میزنند و دیگر از معامله انسان آنرا برکنند گاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیوم و دوباره زنده شوم و تقدیر بوم یا که اش باشد گاش چنین خوشبخت میبوم)

من سواد ندانم اما زبان سواد زنده می ام است - زنده می این بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شزبان من در دهانم با دست دیگری در ریههای گافت ترسم میشود

من نه گم نه اسلام - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت که میا است برهن است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیده ، شاید خدا چنین خواسته که این بد و خوشبختی و شرافت رابه انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زین و جها و آشوب بی عشق راند ازند و باز روسی ها که این توان را دارم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایبند شوم ، زنده می طومار آماز شدن است و بزرگ طومار زنده می و من آغاز شده ، انجام شدم ، مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و اینش را بی شوجد مپا فریند و گویر خود را میقتصر حرم میکند



آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه
ازمایش ساعت تیری
ده، مگره بحان بوری
بی هم باید وتری
حتما تاسی ته خیل
د کجکاو ی حسن اجازه نه
درکوی، ترخو موخیل بحان
نه و نی ازمایش کرمی چی
ترکوم اندازی بسوری د
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه
شمیرل کنیزی
۱- فرض کوچه تاسی به کورکی
خو ضروری شیان نه لری، او د
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا
شی، کم یوشی به تاسی اول-
واخلی .

الف - یخچال ۳۰ نمری
ب - تلویزیون ۵ ۵۰
ت - د کالیود مینه معلوما شین
۲۰ نمری .

ث - بالابوش ۱۰ نمری
۲- آیاتاسی همیشه خیلند کالیو
الماری تنظیموی .

هو
نه ۱۰ ۲۰ نمری
۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه
به هغه معینه ورخ جاروکوی .
هو ۲۰ نمری
نه ۵ ۵۰
۴- آیا مخری له دی چی میلانه
موکورت راشی، کولای شی تمول
خوراکی مواد به اشترخان کس
تیار کرمی .

هو ۸ نمری
نه ۲۰ ۲۰
۵- آیا کم وخت داسی تصادف
واقع کنیزی چی خیلو، میلنو ته
سوی بوپوی، مخ ته کنیزی .
هو ۱۰ نمری
نه ۱۵ ۱۵
باتو به ۹۳ ۹۳

کلیسیونهایم راه دوست دارم

ساخته و برایم امکان داده اند که
مناسبات گسترده با رادیوهای -
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم
داشته باشم .

زمری علاوه بر کلیسیون پسته ،
دو صد و بیست نوع سکه های تازه
از افاضه از سی کشور جهانرا که متجاوز
از چهارصد سکه میشود نیز دست
آورده ، در سکه های این کلیسیون
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو
طل درازنه ، تانخ چه در سیه که
خط وجود داشته و چه قبل از آن
برجسته است .

زمری سهار از این سکه ها
از بیست و پنج کشور جهان یکصد و بیست
نوع بانک نوت را نیز در البومها نگه
میگردد .

اوارزو دارد تا با کلیه کلیسیونان کور
تماس ، تبادل و تعمیم تجارت
داشته باشد چه تازه از دو سال به
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار
زاد بخش کلیسیونسازی ادامه
داده و بارهنگامی و شوق مستقیمش
به حفظ و تنظیم این کلیسیونها دست
یافته .

کلیسیونر مابین سال آموزش را -
پهوسه اول نمره ، موموی وصفی بوده
از ذوق و سلیقه ، عالی برخوردار
است .

کلیسیونهایم هر کدام تصویر
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی
هأمر ابا هغه سرزمین ها و ممالک ایننا

منعنه ، کلیسیون سازی
در کورما پدیده بیست نو معدود
از کلیسیونان کست، گوگرد، عطریات
شبیخ ، سگرت، پسته ، سکه و
بانک نوت و ۰۰۰ را سوانغ دارم .

زمری سهار نوجوانی که متعلم
صدف پنج لسه ، انقلاب است یکی
از این کلیسیونرها میباشد ، وی پسر -
پست هوشمند و دقیق ، او اکنون با -
کمال علاقه مندی سه هزار پسته
مهر خورده ، اضافه از ۴۰ کور -
جهان را با سلیقه ، لازم حفظ مینماید
بسته عابری که با نظم خاص در البوم
ها تنظیم شده اند ، سمولهای -
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی
جوامع مختلف بشری .

زمری سهار که از شوق و
حمایه ، فامیل، بخصوص برادرش -
ابراهیم سهار برخوردار است، در
حفظ و نگهداشت کلیسیونهایش
سخت دقت دارد و میگوید :
(کلیسیونهایم را مانند کتابهای
درسی ام دوست دارم ، این پسته
هأمر ابا هغه سرزمین ها و ممالک ایننا

سه هزار
تکت پستی
در یک
کلیسیون

اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را با فشار بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل می‌دادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د می‌کردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال می‌کنیم، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می‌آید و دریا تلاق ها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی آشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالا از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی است. سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکال های است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته باز هم خطرناک است (میکانیزم سنتز اسید نوکلئیک) پروتئین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل (پیل) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و آکنش های شدید در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید

س از شهر مزار شریف:

س: خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی آرامی بگذرانم!

ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.

راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم سن ۱۰:

س: به گفته بعضی دوستان سواد چندانی هم ندانم قلمرو ام بدگو نیست، آواز را چه عرض کنم، میخواهم نطق شوم چکنم؟

ج: همی، واسعه پیدا.

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم!

ج: کلان ۱۹۸۱ را بید کنید.

خانجان از صوفی مویل:

س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب می نوازد؟

ج: محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه (۴۵)

است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بو هنتون لایل:

س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا گالووی آمرییکایی - صنعت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنسی لباس قرن بیستم است، که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))

موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طرح ونیس آقایی ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.

انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد: ((برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است، آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که مستند رد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۳۹)

در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نماینده گس میکند بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال، رتبه و رشته خدمت او موجود است، برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال و کتاب روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.

یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قوایسه فروشی

علی گلرکز

مصرف کلینیک مرکز

ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده تر بنام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.
 در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایا بود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.
 ۳- جین

یکی از ادیانی است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.
 آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:

۱- برهمنی
 دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.
 ۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.
 اصول عمده بودیسم عبارتند از:
 ۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه ۸۵

درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، روزنمایان، محسوس، هنگام.
 این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود

کارته نو تعمیر سیمای اقبال

قواسیه فروشی ارزان

دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه ۲۷

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید.
 تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکمیر شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریج و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تپ ها را متحمل گردیده اما با حملات رهاروی هیچگاه متصرف نگردیده بودند.
 این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.
 واقعا که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهمارخوب بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند.
 دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکو - همین انامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.
 دیدن کرملین توجه جمعیت گهیر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکو دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

سیر درد

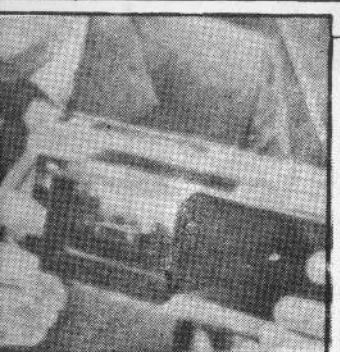
بقیه از صفحه (۸۲)

در هم پیورده، آنچه های
سکن که پالان میراها شکر خوردن
دانه و احساس درد را تخفیف
مهد و در طبیعت آسانی آنطور که
هست باقی میماند یعنی نمیتوانیم
کرکتر و احساسات خود را تغییر دهیم
رضی که موجب بیماری میگردد به
استغناء مواردی که چگونه در
شرایط خاصی با آن برخورد صورت می
گیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند
برخی اشخاص حتی میباید خیلی سا
بهر رانم هم مشغولند و تا آنجایی
تلقی میکنند • بعد از گذشت لفظه ای
این بیمار خواهد گفت: (پاساله زان
کامل درک کردم ولی نتوانستم چکر

احساسات را بگریزی) ولی در واقعیت
امر چنین کاری را نمیتوانستیم
ساختار خوش وضع زوی او چنین
است.
سردردی ها بسیار بی باری
ها از فصل بهاری های معده، جگر
کلیه ها و روده ها همراه است.
اغلب سردردی ها سستی در تولید
تاریختی های متین قنرات بخصوص
قنرات ناحیه رقیق، رما تسم
بیماری های گوناگون تلقی نیز می
مکند • در واقعیت امر، تمام
بیماری ها سردردی را با خود دارند
و از همین جهت است که دانستن
طل آن لقبی مهم تلقی میگردد زیرا
باید که ط آن راه درست تدای
راندی با هم
در اغلب حالات، ظهور سردرد
دردی برای بیمار آسناست • به
معاون یک قاعده، بیمار رقیق
های خلط خوش را برای مبارزه با
سردردی دارد • این رقیق های
تداوی صرف شکل طین نداشتند
بلکه اشکال خوب فلکوری، همز
وجود دارد • بیمار شکست برای
لخته کتاه قسمت خارجه، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی
محکم بگیرد (برای یک دقیقه در
فضای آزاد) بیمار با این کار احساس
بهبودی خواهد کرد • این عمل را
میتوان تکرار کرد • یا اینکه سر را
می توان بایک تکه نازک مک
بست • این تکه را تا ابرویان و
کوشاکش بکشد و پوست پیشانی
ش بشاهد • این کار با بسیاری
بیماری های سردردی های ناشی
اینهمه آمدن فشارخون دارند که
نهاد میکند
در سردردی های مزمن با
ها در آب گرم بپوشد • هر چند
از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد
در صورتی که مریض آنچه که
طلوب است بدست خواهد آمد •
از پلاسترهای خردل میتوان در
پشت گردن و بین تخته های شانه
یا روی قفساق ها استفاده کرد
ولی این پلاسترها را نباید یکباره
روی تمام این قسمت ها گذاشت
ساز خودی قسمت های
متنفر سردردی می تواند مفید ثابت

شود • چین فشار متوسط بر روی
قنات دردناک سر می تر بوده است
استفاده از مرهم ها مانند مرهم
پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه
ها میتواند خیلی مؤثر باشد • گاه
گاهی با بکردن بعضی عطبات و
مطلوب ها یا بخار آمونیاک سردردی
بطرف میشود •
هرگاه در حالیکه روی جاده
راه میرود چه سردردی دچار
شده که شکست ناشی از قنات باد
روی پیشانی باشد • شال یا کلاه
تا نرا تا ابرویان تا پایین میباید
گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد
شد ولی خیلی بهتر از آنست که به
سردردی ناشی از شنگ خوردگی
مثلا شکر که میتواند شکست
دوامداری را برای آن بیاورد •
باید چارشدن به سردردی
ها معمولا میدانیم که چگونه
با آن برخورد کنیم • ولی اگر
سردردی برای بار نخست باشد
باید با امید آنگد و وضع بدتر شود
پس در آن صورت باید فوراً با
داکتر مشورت کرد •



پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ
تلویزیونی کوچک را بپارد •
تعمیری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد
۲۰ × ۱۰ × ۶ سانتی مقرر

مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم • هر
چند که طرح های در زمینه
بهبود آن همین اکنون هم در
سردام •
س - ایاصمیم افراد اید که مجله
تلویزیونی به یک مجله فزونی
و خانوادگی بدل شود تا همه
مجله هوشمند •
ج - هرگز! نهراتلویزیون برنام
های فراوانی برای خانواده ها
دارد • برنامه زن و خانواده
کودک و اطفال • جوانان
نمایشهای تلویزیونی، برنامه
های فزونی و شغلی، فلم،
سپال و •••••
س - چه بچهار باشکالی در
راه ساخت برنامه، ثان وجود
دارد و ایا طرح و تهیه برنامه
چقدر به اراخ روان و آراش
زندگی ثان صده هیزند
ج - تهیه برنامه بی چون مجله
تلویزیونی هر چند که درگام
نست و سهل ساده به
نظر میرسد، اما، حقیقت این
است که دشواری های فراوانی
دارد • این دشواری ها اگر از
یک رهگذر امور تهیه برنامه را
در بر میگردد که مربوط
تهیه کنندگان برنامه میشود،
از سوی هم، محدودیت ها و
امکانات اندکی هست که روال
بهبود برنامه را صده هیزند
از کم بودن وقت محدودیت کانی
بودن امکانات و عدم منابع •
تصویری ضربه که بگذرد، گاهی
زنجیر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها
سیاسی، اقتصادیه • کار را برای
ما محدود میسازد که بهتر است از

سردرد

بقیه از صفحه (۳۱)

مرحوم (سردرد) طی دوره
کارش بی نهایت آنگان فلم درهلوی
سناریو نویسی برای هنرمندان
و دست اندرکاران سینمای کشور
لکچر های نیز تهیه می نمود •
مرحوم سردردی قبل از مرگ
اش شش سناریو آماده کرده که
دو سناریو یوان را عباس (شیان)
کارگردان ورزیده سینمای ماکسیم
وینام های (ستاره گان نمسی
میزند) و هیرت فلمی تحت
ساختار است و یک سناریوی دیگر
ان تحت نام (تلاش) بوسیله
موسسه هنری قیس فلم درجریان
فلمبرداری قرار دارد •
داکتر غلام محمد سردردی
در شان سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۷
ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دو ساعت بعدی ان ماشا همد
تاشای صحبت وی بهرامون
صدمین سالروز تولد ی نایفه
سینما - چارلی چاپلین از وری
نشرات تلویزیون جمع شوری
افغانستان بودیم به عمر ۴۲ سالگی
وفات یافت •
آخرین کارهای او به سان
اشکهای که در رخساره شمار
می بندد و خشک ویه گونه
لبندنی ناتمام به تمام شدن
زندگی او ناتمام ماند • ترجمه
نما پشته تیا تری او بنام
(بدن شکست را خورد کنند)
برنده جایزه اتحادیه هنرمندان
گردید، این آخرین یاد اش
بود که هنر برای او اهدا کرد •
و چی غم انگیز است این برای
کسیکه با هنر زیست و در راه هنر
و جلاش آن تلاش ورزیده و سر
انجام حباب اکسا پس رستر

حسری از نفس انتاد •
اعظم جوهر هنرمند شناخته
شده را که یو تلویزیون و سینمای
ما در رابطه به شخصیت فرهنگی
مرحوم سردردی گفت: (مرحوم
داکتر غلام محمد سردردی که شش سالگی
خواهرزاده من بود دوست
بسیار صمیمی من نیز
بود • مرگ ناگهانی او برای
من نیز سخت رنج آورده شد •
داکتر سردردی انسان خوش
برخورد، خوش قلب، متمدن
با دانش متواضع و صمیمی بود
صحت ها و معلومات های علمی
وی در بخش های مختلف برای
ملازمان هنر و فرهنگ قابل
استفاده بود • من شخصاً
در بخش سناریو نویسی از مشوره
های سودمند وی بهره میگیرم،
مرحومی دارای دو فرزند، یک
دختر و یک پسر بود دلپسنگی

نظم معده

بقیه از صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً
در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در
انسان معده مریض گستر کستگویی شده، دریافت
نمود، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren
در شفاخانه Rogalpearl این میکروب را در ریه
شیمی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره
تدقیق بیشتر یک ترکیب
Tindarcollin
تولید کرد که بکتریا را محو میکند
بارد این واقعیت دیگر تداری گستریت عا
وزخ معده، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده
که ممکن در اکثرها مریضان قیلا کم باشد، میشود
بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده
و تعقیب مریضان، تداور گردد و ناگفته نماند

مریضانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدای
مکل جواب نمیدهند، ممکن علت مریضی شان چیزی
دیگر غیر از زخم معده باشد، ممکن فقط حجای
حاجزی و ایز و فسفریت رستند رم ایتالیال باول و غیره
باشد و ناگفته نماند که بعضاً مریضان ناقل میکروب
بیلورن صاحب سیمی نفع و گاز هلو توسر و بدی
بوی دهن، توسع پلن بعد از غذا - عارق زدن
مندا ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین
میرود • در اخیر باید اضافه شود • گرچه اسید
معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب
مقاومت میکرو را بعهده در ارتعاش توسط بکتریا
بیلوری برای تاثیر فکوریته و علت اساسی قرحات
گستریت امی مزمن میباشد (دکتور ویرال اللوریان)

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشتر سبدم، از آن به بخلصورت تدریج تصویر برداری را آموختم و پس از آن برای تهیه زاینترها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا و نیویارک سفرهای داشته از هر یک کتاب را برایتان تنظیم و آماده کرده ام.

تصویربرداری استفاده کرده - اینست:

- از مینود تصویر برداری - تلویزیون و امکانات لنز و کمپوزر تلویزیون و هم از تبادل نظیر و تجارب دیگران استفاده اعلی حاصل آورده ام.
- با امکانات محدود کسور تلویزیون، آیا تلم های نیز فلور - داری کرده اید ؟
- بلی کارهای در تصویر دارم و توفیق امروزم اولین محترم آموز هنر و فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - شترنگد اشتن و سایلر چه سفر تکنیکی برای کار بر نمود به لویان توجه روی پرابل ها و خانه بد و نشی فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیوی هر چه تمامتر در اجرای امور این بیشتر و بهتر بردارم.

که نوشته ام در پند ح زبانی، هنر آکت و تمثيل بود - بالا و هم چنین اشعار شعری میباشد. امید دارم قناعتتان را حاصل نموده باشم.

من - برای من جالب من میباشد افراد رکنی شور و دین زنده گی شما در افغانستان همین انگیزه برای شعر گفتن وجود نه اشک که در وصف آن شعر گویید که همه اشعار تاثیر در وصف شخصیت های هوایا سروده اید.

«اولاً اینکه عشق به اشعار خودیادم نیست و این نگارنده است و کارهای دول هم از قدیمت را در مغلز انبیا خارج است چنانچه حرکات غیر زلزلی و در دوران خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و ترقیه سلطان عشق بر زمین دل به خیمه زه منطبق و استدلالات کنی میکند و حضرت سلطان کبریا عشق امیران مطلق العنان و کلید بود و چون انسان میگرد و دوماوند جور شده در فغان همه چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و تقویت کینه و دوا و تقویت نفس و قدرت با از زمین قلب تحلیه میکند.

«ثانیاً اینکه بزای ضرورت اشعار خود بیک منبع العلام ضرورت داشته همیشه فکر میکردم چیزی را که کرده ام و کمبودی بی در خود احساس میکردم مانند یک آتش فشان منجمد مانده در حالت قبض از لحظه انفجار خود را احساس میکردم و این منبع العلام باید حتماً زنده انباشته و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انبیا صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع العلام بر خود اید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به مبرهله زیاد داشت و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هنری و ادبی را راهی دیدیم که در تزیین معروضه بالا براد زلم حاصل دیدیم منبع العلام خود را پیدا کردیم و بقصد استان را بخودشان میدادند.

نماینده درین شعر در کربلا سیسی دل خود به ملک دیگر میفرستیم یک چشم ندیدیم که از آن چشم کسوست این شعر چه شعریست که میخوانند از بقیه از صفحه (۷۵)

مچون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمایند تمام جزایه روزنامه هائیکه گفته آمد پانزده خنوسه موجود است و یاد رکاب به خانه نامه کابل در صورت لزوم آزادیده میتوانند.

یک عمر میتوان سخن از زلفا یار گفت در زیند آن میاش که مضمون نموده است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میارون منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سب و روز و خوانندگان گرامی اس:

مختار علی مشرفی ایاب رسیده می توانم که شمار برای بد در هندی تان اشعاری سروده اید یا خیر، انشا الله خو خفه نس شود ؟

عربی صاحبه اصطلاح شطرنجی در لغت هندی ام شعر سروده ام یک و دو صد و در وصفی بکلمه هزارها یعنی ده هزار شعر سروده ام که در دوام شعر بند کور بنام ریخوس شرقی یا قد هوایا میباشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایه و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمتتان تقدیم است و بیسوان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید، بقصد آنرا نشر نخواهید کرد زود رصاحه گذشته نمونته شعر را شما خواستید و من گفتم نوشتیم، ما سنا سببه آنرا نشر نکرده ایم که دلیل آنرا میدانم شاید بسه ترم و تراکم مضمون و شعر در چار میانشه البته تمام اشعاری که در سیارون به نشر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقصی محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در جمله و زین تان نشر شود و اکنون که ازین سؤال کرده بد در چه مورد شعر سروده اید و لازم بود یک نمونه آنرا برای تان مرض تمام اماب دلایل فوق از اظهار آن صرف نظر نسوم البته اشعاری

میباشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سرده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی سر - کسین استوارن باشد که سلاید رنگه است - منتفا درین جانر عوض سه قشر مواد عکاسی رنگه سبز - آبی و سبزه (که انعا در ترکیب شعبن چهرنگ را میسازند) سه قشر کربنیل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند و نگار برده اند.

بوده جدید تلویزیونی درین امر پاینده های معمولی تلویزیونی متعابز متعابز دکه برده جدید با مضروفوق البعاد که برق کار کرده و همچنین تصویر تلویزیونی رنگه گونه سلاید در مقابل رویشی بیسوان مشاهده نکردم در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتاده شده من توانم اینچنین اخذ ه های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی شود.

ولانتهی زیاد از حد غافلتم بد اینته ولی سخن در شصت هائیکه باور داشته ام یک چیز را در میانتم که همیشه در زمانه طولانی در تلام بود و این هموار میگردید تا بسطی با سبب خاص سبب سازد البته چه رنگین و چه در زین دانستیم از اهرار که به کسی نگفت در دست تان روز هائیکه سناریوی تاریکی زندان را با همی سنی و احسن نظری کار کردن روزید و سنیما تلم کرده بود خوشحال به نظیر میروید ولی با تاتر که میفرک به سرافرا اند در راتر شکسته قلبی چشم از جهان بست و بار در صوبه خود نشانده بجای دگستر غلام محمد طه بد برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره هایش در ذهن ما ماندگار و روحش شاد و بیسان موسی را در شش

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

بیشتر و در نتیجه چسبگی بیشتر به چسبند با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از چهره های بود رخش سینما هند و یکی از باارمنگ ترین مردم ب ترین، خوش برخورد ترین افراد فرهنگی است در جهان نمایان امروری او به همان بیمانه که در روی برده سینما (بد) جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از حد بوده سینما (خوب) شناخته میشود با وجود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست داشتن او در کثافات کاری های رسوایی یخن خرفی زده نشده است فلمازان جرات آنرا ندانند که با این ابراه ابدان و بیسالیسی یکشنده مردم در باره آن حرف صد نفی برزند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محویت تراوان سر - خورن اراست

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

بخته تر و هتر جلوه گری میشود این امر گواه بزرگ یک هنر پیشه بزرگ تمام آشته شده متواتر در جهان سینما هنر پیشه مرد یازن جسی دارد که برای ارایه در بالورک ها نشیوه بخصومی را در خود برورن میدهد (بکینه ورمستا) حرکت همین دانیته باشد که درین زمینه بریم چو سوه از موسیقی چشکیر بر خورد اراست بد اریکه در فلم هالادانی بالورک عالی ابراه وجود عادی بودن از - فصاحت و بلاغت ادبی مردمان - عادی را کاملاً جان و میکند مثلاً که میگوید: ((به معنای ای شتم که سنگه با نیشه شنگانه)) لحن صد او نشیوه ادای ن بالورک های ای یگونی است که شنوندگان و تماشاگران را ارماید از که آنهارا داعی بچند ارد و با او وقت میگوید: ((نام ما بریم چو بره اس)) گویا میخواهد کار را با کتر کارمندی فلم در نمایه حینیت و نفوس شخص خود حبه را دعیت گرایسی

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

بیمارمون فلم کالا بقا را یک تیم اشکارا بریم چو بره راجسین ستود (در وقتنگه اقلیم در ای فلم که بریم چو بره دران رحمت اکتور در وقت نفس داشته باشه، خیرت برانگیز است. زترا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که اکتور دیگر ترا و امید آرد تا سوبه غیر نمایان در جها اجرای نقش خود را با بالا ببرد) خوش کار بریم چو بره در آنست که نمیخواهد مغزین تقلیدی و یک نواخت جلوه کند او در هر فلمی چیز - دیگری احساسی در قالب کتر کرده شده چنان حیا میگوید که او را زنده میسازد و تماشاگرا و امید آرد که آن صحنه را آمیزه سی اروا نمیتابد آن در این موضوع حینیت دارد - اگر برود نیوسر یک جفت ستاره (عتر میشگان) تازه استخرا می کند خود را -

مرد خشن...

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان و این) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۱) نواحه میباشد و در شش (۵۰) سالی که موزن سرعان در چار شده مدتی تب اری گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی ازین اژده ستند اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لانجلس - اعمه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست.

سازمانت کودکان

چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود ،
فرخنده نام ، فرخنده خروسی
داشت و خروسی هر صبح زود از
خواب بیدار شد و دیدگون
بانگ می کشید :

— کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !
پس از آن سویی فرخنده دیده ،
از کف دستش هاله هاله بار بار
خوشی می چید و آرام بروی دراز
چوکی که جلو خانه شان قرار
داشت ، کنارش نشست .

خروس برهائی رنگارنگی داشت
و طوری جلایش میکرد که گویا همه
بارون جرب شده باشند ، روزی
از روزها فرخنده نزد زن همسایه
ماکیانی راد پنهان و از ماکیان
بسیار خوشش آمده به زن همسایه
گفت :

— ماکیان تان را به من بده و من
در بدل خروس را بشمامید هم ؟
باشنید این حرفها خروس
تاجش را به پایین او بختنه
و سرش را به زیر انگشده چه
این خود مالکش بود که میخواست
ویرا به کس دیگری بدهد ، زن
همسایه با فرخنده این تعویض
را قبول و ماکیان راد در بدل خروس
به فرخنده داد ، فرخنده
به زودی با ماکیان دوست شد ،
ماکیان با پرهای سپید خود
احساس گریس و آرامش می نمود ،
همه روزه یک بیضه تخم میگذشت
— گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف
کنید .

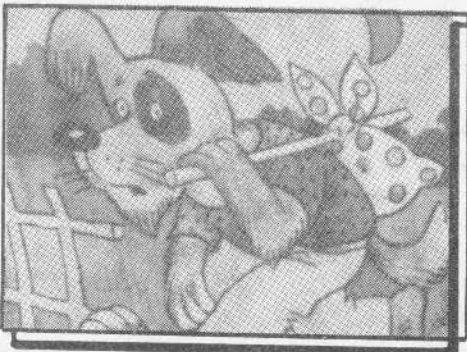
فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،
همواره ماکیان راد را قشوق گرفته
و بروی برهائی زیبایش بصهریانی
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه
رو بروی شان همراه پایک مرغابی
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از
مرغابی خوشش آمد و از زن —
همسایه خواهرش کرد :

— مرغابی تان را به من بدهید
و من در بدل ماکیان خود را به
شما خواهم داد !

ماکیان از شنیدن این حرفها
نمگین شده و از تاشترشید پند
بالعایش جانب زمین او بختنه
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا —
شت ، چه این مالکش بود که
من خواست وی را به کس دیگری
بدهد .

دری نگذشته بود که فرخنده
با مرغابی دوست همیشی شد ،
یا هم یکجا به دریای رفتند و در —
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا
میکرد .

— گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم
آنقدر رها دور شناسم ، زیاد رها
در آنجا زرف است (با این صدا
دخترک دوباره به ساحل دریا
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد
یکی از روزها همسایه بی باک
کوچک و دوست داشتنی خود به
خانه فرخنده ، شان به معناسی
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به
قد رکابی از چشم نگذشتند بود
که گفت :

— سگ تان را به من بدهید و در
بدل من مرغابی خود را به شما
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را —
شنید ، بالعایش خود را از زوی قهر
به هم زده و از منقارش آواز —
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند
می کشد ، همه بی فایده بود و
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست
کشید و گفت :

— خروس داشتم که با ماکیانیش
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن
را در مقابل مرغابی به کس دادم
و حالا مرغابی را داده و سگ
قشنگی بدست آوردم ، همینکه
این سخنها به گوش سگ رسید ،
دم خود را جمع نموده و به زیر
در از چوکی خانه فرخنده خود را
پنهان کرد ، در تاریکی شب
هنگامی که فرخنده در خواب
شیرین بود ، دروازه را آهسته
باز نمود و بیایک خیز به بیرون
خانه جست و پاه فرار نهاد ، در
راه این سگ دوست داشتنی
زیر زبان زوزه میگرد :

— با همچو مالکی نمی خواهم
یک جا زنده گنم ، وقتی
دخترک بیدار شد خود را تک و
تنها یافت .

آیاتناسی د . . .

- ۱- آیامیلانه د یخوینیزې هو ۱۵ نمرې نه ۶ د
- ۲- آیامخکی لدی چی د کور څخه د خوراکي موادو د رانیولو په غرضوړي د نوموړو موادو - لست نیسی . هو ۲۰ نمرې نه ۳ د
- ۳- آیاهمیشه خپل کورنۍ ته وړي په ټاکلی وخت بخوي . هو ۱۵ نمرې نه ۸ د
- ۴- آیاد خوراک پخولونوي آشوزي د ستورونه استعمالوي . هو ۱۲ نمرې نه ۵ د
- ۵- آیاهمیشه تاسی د آشیخانو سامان آلات منظم په الماری کسړ کیزدي . هو ۲۵ نمرې نه ۵ د
- ۶- آیاد کوربه کارونوکي ستاد گوزوند ملگري کمک کوي . هو ۱۲ نمرې نه ۶ د
- ۷- آیاتاسی پخجال د کور د پیر د ضروري شیانوڅخه شمیري . هو ۴ نمرې نه ۱۶ د

په لاسو راوړل شوي نمرې جمه کسري د آزمايش نتیجه تر ۱۵۰ نمرې پوري : که غواړي چی د کورنۍ د خیرکو د میرمنوله جملی څخه وشمیرل شی باید پخپلو کارونو کی نور هم دیر تجدید نظر وکړي ، تر ټولو د مخا باید د ی چی د وخت په موند - اقتصادي واوسی ، اوبه بڼه صورت سرخیل کارته سازمان ورکړي . د ۱۵۶-۱۹۰ نمرې پوري : تاسی کارکه یاستی ، هرشی - ستاسوپه کورکی خپل مشخص تعای لري ، که چیري تاسی کوم وخت څه شی باید ولټوي د لدی کیله چی تاسی تراوسه پوري د کورنور ضرور - یات په بڼه توگه ندی زد وکړي . د ۱۹۰ نمره څخه پورته : ستاسوپه کورکی د استقیما خیالی دی ، همیشه یوڅه شی مینعی ، یا کوي اویا جاروکوي ، اما اعتبار ولري چی د آکارونه لاندوره هم په لاند قدرت اوبه کم وخت کی تراوسه تر سره کولای شی ، لدی کیله لیا نورسوي ترخوچه وخت لري ، اما باید هرینه کړي چه بدون د کورنۍ مشکلاتو څخه نور مصرو - فیتونه لکه تیاتر ، سینما ، کتابونه اولمگري هم شته دي .



خانواده سوگواراست

فایده . . .

بقیه از صفحه ۳۰
بعد از نسخ نامردی همیشه فامیل ما از طرف آنها تعهد مید میشد ، دوسین که صاحب منصب اند همیشه آنها در وظیفه میبودند فامیل ما مورد تعهدی قرار میگرفت هولی من هرگز به سرانم چیزی نمیگفتم موضع را بنهان میکردم تا مباد امنین آنها بر خورد صورت گیرد ، بالاخره بتاریخ ۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه ساعت ۲ آن حادثه المناک رخ داد ، آندشب جاوید بسرسر یخانه آمده بود ، صبح چند یسین بار صدایش کردم گفتم مگر رگد ار خوابم ، نمیدانم چرا خوابم بوره میشود ، وقتی در زنده شد مارینا د ختم رفت تا ببیند کیست همراه با باز شدن دروازه صدای دو غیر مری و فریاد د ختم شنیده شد ، جاوید وارخطا از خواب برخاست بطرف بھرون دوید . د ختم انیتا که بیشتر از برادر خود شی ربه قاتل زسانیده بود ، مورد اصابت مری قرار گرفت و لوسی برادر خونش را سپر خواهر ساخت که یک مری درجان خواهر او ۸ مری درجان برادر جای گرفت ، وقتی من به نزدیکی بسرسر رسیدم خواهر و برادر هر دو د رافوش هم بودند برادر با وجود آنکه سوراخ سوراخ شده بسود میگوئید خواهر را از افتادن مانع شوه ، ولی بعد هر دو بزین

افتادند ، من بانی لی و سولج عقب قاتل میدویدم او بطرف سرك میدوید وقتی به سرك عمومی رسیدیم ، زیر سینما اقبال همراه یانه و شارسندوی اورا احاطه کردیم ، چون در دستش سلاح بود کسی جرئت نمیکرد نزدیکش شوه ، گفتم اورا بگیرید تفنگچه مریسی ندارد و بایند شده در غیران من تا اینجا زنده نمرسیدم درین اثنا دو مظنین حوزو رسیدند و اورا گرفتند ، او را دوباره به محل حادثه آوردند به جن خود اترار کرد همه جاها را نشان داد ، گفتم بازم می آیم همه را میکشیم و دختر را میبرم . همه را به شفاخانه بردیم ولی او مرده بود ، طب عدلی ۸ مری را در وجود او نشان داد . ولی من همان لحظه بخون فرزندم سوگفت یاد کردم او که بسر راطالمانه گشت من اورا توسط قانون میکشم . دو د ختم زخمی شدند یکی در کرده و دیگری در رطن . درین یکسال چقدر دویدم روزها بالب و دهن خشک بایسین ویلا تا دویدم یکسال مدت کسی نیست . در طول این مدت بارها از طرف فامیل نعمت الله هغه ما تعهدید هدم . بارها گفتند شما که خون ربا خون می شویید ماهمه تا ترا نابود میکنم . ولی هرگز از تعهدید آنها نترسیده ام زیرا در صورتی که نعمت الله اهدام شوه چانس سپم خود را برای نابودی فامیل من از دست میدهد ، اینک نمر مکتوب را بدست د ان که نعمت الله د ولد نورلم بتاریخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳ به اهدام محکم شد . با اهدام اولم اندکی آرام خواهد گرفت دیگر جسم سوراخ - سوراخ شده جاوید که فقط ۱۸ سال داشت مقابل چشمانم هزارها بار جان نخواهد داد .

نقش جدید من . . .

بقیه از صفحه ۳۱
من در فلم سفر نقش مصطفی را بازی میکنم که با گروپ از جوانان که برای سواد آموزی به قریه دور افتاده میروند فلم نیز از همین جا آغاز مییابد . و حوادث فلم یکی بی دیگری اتفاق میافتد و - گروپ از جوانان به شمول مصطفی با این حوادث درگیر میشوند و - قهرمان متن باد یگر جوانان با شجاعت و پای - مردی با ان دست و پنجه نرم میکند و در مجموع فلم نمایانگر آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده و بدون ترس با شجاعت بهتسو میتواند به هدف دلخواه خود برسد . من از نقش راضی میباشم زیرا اولین بار است که نقش یکن جوان تحصیل کرده و روشنفکر را بازی میکنم . و نقش های من عمدتاً با نقش توردی در فلم مسافر و فضلود فلم مرد هاره قول است فرق دارد . در این فلم با من سعید اورکزی واسع صدی ، اسد الله آرام - خورشید ، فریده همرا ، انجانا شمسی ، موسی رادمنش ، فتح الله بزند ، شاه محمود شارق ، زلمسی عبادی همبازی میباشند . فلمبرد در فلم محترم قادر طاهری بوده و اهنگ از محترم شاد کام میباشند .

چاپخانه

بنیه ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ایدمه ال بود
 با ان هر چه نیکه ماندنید اگر -
 خنده دار بود از ان دل می -
 خندید، سهم نگاه میکرد و می
 میخندید و انهم خنده بخود
 میزدند. این کاری مراجعات داده
 به تویح تمیم پرداختم.
 سنت بی مقدمه خطاب به
 دیگران گفتم: ببینید این آدم هر
 کاره است، ولگرد، آقا، شامه،
 ایدمه وار، تنها چاشق پیشه و -
 ماجراجو. او میتواند شما را مقاصد
 سازد که عالم، مونسین، اشرافی
 و بانگر پولواست و در زمین حال از
 بوداشتن تم سوخته سگرت و -
 شربتی برخاک افتاده نگ ندارد.
 - خوب من او ریسه خود را
 به پایان میرسانم میدانم که وقت
 و شرایط برایم بسیار مناسب بود.
 محبوب مردم سراسر جهان شدم.
 هم دوستم داشتند و هم از من
 نفرت میکردند.
 بلی زنده گی ازودیمه هایش
 خوبترین و بهترین را بمن ارزانی کرد.

البته يك کی از زمانلمات راهم
 تلاشچان چارلی بیشتر چه
 ها و کارگران بودند، و برخلاف تصور
 همگانی فلماهی تا سال ۱۹۲۰ -
 هنوز مورد علقه امان و اشراف
 تر از نگرفته بود، زیرا آنها هنوز
 خام و عوام پسند بودند. شاید -
 تقاضای زمان بود که آنها را رنگ -
 ماهانه داشته باشد. طبقه با
 سواد و تحصیل کرده کی در بر تبه
 چارلی علقه مند شدند و بنابراین
 نتوانستند او را منحرف سازند. از
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((کوچه
 درام)) ۱۹۱۷ او دوش نگ ۱۱۸ -
 و ((پسرن)) ۱۹۲۱ او ((زایر)) ۱۹۲۳
 و ((جستجوی خلا)) ۱۹۲۵، او -
 ((روشنایی شهر)) ۱۹۳۱ او «صفر
 جدید» ۱۹۳۶ آنچه به نظر میرسد
 نه دگرگونی بک زرنمایان و کامل -
 شدن شخصیت ((ولگرد)) است. حتی
 لباسش که اتفاقاً برای بعد از ظهر
 پارانی تدارک شده بود کم کم معنی
 خاصی مییافت. در این لباس زنده -
 پوشی از نگاه نجبا، لوکس
 از نظر فقرا، نقش مبرد
 فقیر بی همه چیزی را بازی میکرد که
 باشجاعت تمام واقعیت تلخ فقر و تهی -

دستی خود را نادیده میگرفت. چارلی
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد.
 برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از
 حیلله های بصری و تبدیل ناگهانی
 اشیا که در قلمهای نخستین به
 کاربرد استفاده میکرد. مثلاً در
 ((پسرن)) وقتی چارلی دستکش بی
 انگشتش را بیرون میکشید تا هم سوخته -
 بی را از قوطی سگرت (قوطی سارهن
 است) بیرون آورد این حرکت عادی
 را ظوری انجام مدهد که مانند
 تنفس بسیار ضعیف و گرانجا به
 نظر میرسد. در ((روشنایی شهر))
 چارلی در مهمانی مجلل ایشیا را
 بی بلعد و از درون شگش صدای
 وصل شنیده میشود و نیز در کاره
 وقتیکه توشه های کافذ با مگروشی
 مخلوط میگردد. این دو واقعه هر
 يك عموه بر اینکه به جای خود بسیار
 خنده دار است در ضمن تعایشگر
 است که چگونه چارلی از در و جان
 میکشند تا هرگز جماعت نشود. تا
 میایستوان، دختران، بانوان خوبی
 لباس او را در جمع خود میپذیرند و بی
 چارلی بخیلی میدانست که کوچک
 مردی هرگز نمیتواند هرگز این -
 جماعت شود. سرنوشتش چنین است
 که همیشه در تاریکی به امید و انتظا

بسرزد و همیشه با همی دوری نسا -
 اصدی را از خود دور براند.
 شاید در اینکه چاپلین در روز -
 گارانی که مردم به سن و رسوم
 جامعه گردن نهاده بودند -
 شخصیت ولگرد خود را جلوه دهد
 معنای خاص نرفته باشد. شاید
 چاپلین دیگر (صردک کوچک) به
 نهر و ایستادگی ان در برابر اجتماع
 ایمان نداشت و شاید احساس میکرد
 که رسانیدن پیام به جهان ان
 بیان صریح تر و مستقیم تر را ایجاب
 میکند. وان اتکا به نفس و ملامت
 نروانی چارلی ولگرد دیگر برای -
 این منظور کافی نبود. حتی ارسال
 ۱۹۴۰ به بعد با فلم ((دیکتاتور
 بزرگ)) چارلی شخصیت خود را کنار
 گذاشت، تا ازته دل پیام اصد -
 واری دهد و دلگرم کننده ان به
 کوشش مردمان خود شوند. در
 نیرسا و ظلم و استبداد برسانند -
 در فلم بعدیش ((سپوورد)) -
 ۱۹۴۷ چارلی ولگرد بکل ناپدید
 شد. در این فلم، که شاید -
 همین امروز تهن فلم باشد، قاطعی
 در دفاع از خود میکشد که جنیت او
 اصلاً گناه نیست بلکه قیاسه
 آن وحشتناک است. ((قتل یسک
 تن انسان را چینیکار همساز و لسی
 قتل چندین میلیون تن باعث افتخار
 است.))

از وی. تاسی و لوستل جسی
 اداری مرستیال ددنی نیسی
 وری صلاحیت به زور. تولسو
 د فترتونه دخیل خان دسر -
 پرست والی رسمی اطلاع میرسوله
 اود همانی وری له فرمی و روسته
 جی فنی مرستیال ترجمی خان
 و رساوه. نوتولود فترتونه بی د
 خیل کالت متحد المال مکتوبونه
 ولزیر. به دوهمه وری سعار
 اداری مرستیال بنجه جسی
 موسی ته رانی. حال داجسی
 فنی مرستیال له بیبسی ناخبره
 به اووه جی تکی موزکی له
 نوروما مورینود مخه خان موسی
 ته راروسی. خوگله جی خوکیدار
 ورته وای جی اداری مرستیال
 ترده دمخه رانلی دی. نونسی
 مرستیال د موسی به عومنی
 دروازه کی لکه. وچ لرگی به خای
 وچ کلک باتی کیزی. اوسر به
 وگوروی دغه لویه دجابه کتبه
 رانخرسی.
 (یونیم اواملا موزیک دی به
 خبله لوستونکی و شز وی)
 راوی: که فنی مرستیال
 موسی دروازه به خوله کسی -
 لرگی غرنی ته تکیه نه وای کری.
 نوبی له شکه به به خمکه رانور -
 بخیدلی وای. دومره ورسره
 بخت یاری وکره جی داماموینو
 موزیکه ویرا رسیدلی. که نوبه
 دغسی وضعیت د فنی مرستیال

لیدل کومه وری. خبره نه وهغه
 داداری مرستیال به دغه موقتی
 برلاسی ناامیده نه شو. او نیخ
 خیل دفتر ته لار. فنی مرستیال
 ددی له باره جی اداری مرستیال
 بی به راتلو یوه نه شی. خیل
 بوتونه بی دد هلیزه دروازه کی
 وایستل اولکه دچرگانو دغله
 غوندی دگوتوبه خوگوخیل دفتر
 ته لار.
 (د فنی مرستیال د ورو ورو -
 قد مونوبه مگرونوکی دی محترم
 لوستونکی د قمرگلی دغه مند ره
 جی: ((و رو و رو کیده قد مونسه
 اشنا)) له خانه سره زمزمه کری (ی)
 به دغه وری اداری مرستیال
 دومره دروند دریاست به جوکی
 باندي ناست و جی به ار مونو
 به هم جانته وای و زخنی ار ولی.
 دغرمی و ووی بی هم دخیل گارد
 میزله پاسه و خور. او به دا لویه
 وری کی بی ترمازد یگره پوری به
 جای روزه هم ماته نه کری.
 د فنی مرستیال خانه سامان
 حضرت میر جی یوروخ دمخه بی
 دکیم غرووی کارله باره له فنی
 مرستیال خخه اجازه اخستی وه.
 به دغه وری کارته نه و رانلی.
 کله جی اداری مرستیال له دی
 بیبسی خبر شو. د اجیرانوجا -
 ضری بی دفتر ته ورونیسته اوسه
 خیل قلم بی ((نیم روزه)) نمیر -
 حاضر کری. فنی مرستیال به دغه

و ری دجوکی به نه نیولود و سره
 خپه نه و. لکه دخیل خانه سامان
 غیر حاشیه لوجی به قهر کر.
 دوه در زری حله بی تیلون ته
 لاس ورتیر کری. خود تیلون له
 لاری اداری مرستیال به بی ابه
 کری. خوهرخل به بی یسه
 شیطان لعنت کری او دغه کلمات
 بی بل وخت ته برینود. هغه
 پوهیده جی اداری مرستیال د
 ریاست به جوکی پوری مییخ
 شوئی نه دی. او غرو به یووخ
 جی فنی پورته شی. هغه وخت
 جی فنی مرستیال بی فال به
 زه کی نیولی ز درسی وخت
 پای ته رسیدل وو. کله جسی
 رسمی وخت پای ته ورسیده. نو
 فنی مرستیال داداری مرستیال
 د غالفکیر کولو له باره د نورومامو -
 رنو به خیر له دفتر ته راویت او
 به لوی لاس دریاست د دفتر
 دکری تر خت تیرنو اوهداسی
 حال کی جی اداری مرستیال
 دریاست دجوکی له سرنه ورته
 دستر کولاندی کتل له موسی
 ووت.
 اداری مرستیال درسی وخت له
 پای ته رسید و روسته پوره یسو
 ساعت لا هماغسی تینک به جوکی
 پوری نبستی و. کله جی دخیل
 رقیب به تللو پاوه شو. نو
 دروازه بی به خیل لاسر کولپ
 کره او کونجی بی به حیث کی له

خانه سره و اجوله. خو خیرنه و
 جی فنی مرستیال به کونجی
 لا بیون ترلاسه کری وه او هم بی
 دیوال له لاری موسی ته د -
 بیرته رانوتلونیت کری و.
 (دلته دی یوازی درباب یوه
 لنده نغمه د خوتانیوله باره -
 و نزل شی).
 فنی مرستیال دامانم و ووی
 به کورکی و خور. اود سهار له
 باره بی یوه وجه و ووی اوخو
 ایشیدلی هکی له خانه سره
 به بکری و اجولی. دامانم
 به خره کی د موسی به دیوال
 وروایت او به بیخه زه بی د
 ریاست دروازه و خلاصه کری. ایه
 خرخی جوکی شیز اووه خرخه
 هاخواد یخواتا و راتاوشو. که خره
 هم دشبی د خوب او بلاستی
 له باره به دفتر کی یوغت او -
 مناسب کوچ هم بوت و. خوله
 دی ویری جی سهار دی ویده
 و او جوکی بی اداری مرستیال
 ونه نیسی. نوبه بی به هماغه
 جوکی سبارک. (دلته دی لوستو -
 تکی داس فکرو کری جی گوندی
 چرگان بانگونه کوی اوله دغسو
 بانگونوسره یوخای دی د صحنی
 بیلولو یوموزیک هم ورسره وری
 سهار اداری مرستیال بیلا
 دخیل رقیب له ویری به هماغه
 پورنی وخت موسی ته رانسی
 باتی به (۷۷) مخ

چاپخانه

۹۱۵



مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی
تان با ماد هویلا میخوامم بداتم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی
ویا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت
منام - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا بود -
(بندره) بعضی صورت گرفت که از جمله
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز
نوروزان، بلراج سها نی و چند نفر دیگر هنرمندان
معروف و علاقه مندان مد هویلا تشریف داشتند
راستی در سفر خترافان که دو خواهر بود رسید
و حدیثاً در جهان فنی شروع بکار نموده بودند
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو
و چندین ژورنالیست های ران یوهند و کهنکشان
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم
رسانیده بودند - دعوت ساعت چار عصر شروع شد
همگی حاضر شدند - دو هم شیره مد هویلا، کیتیز
و جنجل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند -
موجهر شوهر هم شیره مد هویلا هم تشریف داشت
که او هم یک هنرمند جهان سینما باشد - فلم بود ار
عکاس موقع گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصره
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو زبان آغاز شد
از کابل و هوای آن و سوه جات تازه و خوشک
افغانستان که مخصوصاً بسته وادام، کشمیر
و انگور و خربزه افغانستان در هندی شهرت
فون العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای
جسارتی و باریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان
بیا آید که آدم را سوال بپس کنند سوالا مختلف
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست
ومن باید همه این سوالها جواب میگفت، بعد ون
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و سوس به اردو و چارمی
هم به زبان دری - ومن درین حیران و سرگردان
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم
همچنان مد هویلا را سوال بپس کرده بودند که
آیاتوهم علی مشتی را دوست میداری یا اینکه
عشق او کلهه است اما یگری میگفت چطور است
با او ازدواج کنی ؟
ومن درین گمرو دار درست آنرا پیدا کردم که
کتاب ((وینوس شوق)) را که برای مد هویلا نوشته
بودم و شام ده هزار بیست میباشند - با تشریفات
مخصوص بحضور من تقدیم کم که این صحنه از طرف
حاضرین با یک زده تهای زیاد، استقبال کرد -
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه
آن میناتور و در بزرین حد آگانه داشت و چندین قطعه
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک
رسم مذکور مد هویلا را در لباس انسانی که مخصوص
افغانستان است نشان میداد - بنابرین کتاب
دست بد شدت گرفته بود - دوباره بدست مد هویلا رسید
که او کتاب را بوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته
گفت ((این یک کتاب مقدس است برای من که باید
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید
که شعرت برای یک ستاره فنی ازین فون العاده
دارد)) - مد هویلا ضمن بیان " خوش امانی
نمود: ((تو من لقب وینوس شوق را دادی که این
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف
دای - جست آمریکا هم من بزرگانی من منتشر
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده
است -
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا
انقدر بلند بردی که به ستارگان آسمان رسانیدی
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا
نمیدانم و یا حق ناشناس و ناسیاس هستم))
مد هویلا افزود: ((در یکی از جراید فنی بعضی
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -
بودند ومن این را نمانید نمیکم - اگر به معنی جنون
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق
باید اریاشده جزای ؟
زیرا تو شاعر هستی - نویسنده بود اکثر هستی
پس توانی مجنون عاقل نامید و سوسول و رهنمای
عشاق هستی - تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر
عالی هستی - تو توانستی با تمام مشکلات بدست
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان
بند بر نیست - و تو بر علاوه اینکه از افغانستان
تالیا (میدی) آمدی بعد از کد ام جاد بیه
بود که مرا وادار کرد ترا به نزد خود بیدیم - هر
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده
ای باز همه اشعاری که برای من نوشته ای بیکار دیگر
ساز و دیگران خویش را در حضور همه این هنرمندان
دایرگورها، ژورنالیست ها و مدبران جراید بپس
تقدیم میدادم - امید رام بد پرته گردند)) - در اخیر
گفتار و بیانیه مد هویلا بدویت از قسمت آخرین
کتاب را بزرگترین چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار
بیست که سروده بودم - گفتم :

هو کن گریمن جسارت کرده ام
ازم در یک اشعارت کسره ام
نیست نهامشتری مفتون تو
گشته عالم غرق در آسوس تو
مد هویلا فوراً گفت: ومن غرق در آسوس تو
در اینجامد بر سوسول مجله کهنکشان گفتم:
(زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشرفی بپایش
بخشید - یعنی در عوض شصت هزار بیت که سروده بود
شصت هزار طلیبی اشرفی برای فردوسی داد - و او
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته - خاموش
ماند - مد هویلا گفت: ((من قدرت برداخت
ده هزار طلا را بدم و این مبلغ را برای داکتر هلی
بپردازم)) - من گفتم: ((قبول نمیکم - زیرا فقط یک
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ازین دارد))
گفت: ((من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -
هزار طلا میدانی)) - مد هویلا همیشه مرا بنام هلی
خدا میگرد - ومن هم او را مد هوی - و گاهی متاخر مد
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند
در وقت بد شدن حسین و رقیب - بعد از صحبت
بموسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل بی پایان رسید
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا
از تر بد بیرون کرده بگفت: ((بیا همراه من برویم
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است))
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت: ((بهتر
است هلی شب همین جا ماند جاد ارم)) - ومن این را
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا
در کتابچه با دست خود نوشتم :
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم
بوی پیگر نگار سوز قدی لاله رخساری
سرا یا آنت دل بود شب جاییک من بودم
رقیبا گوش بر آواز او درناز من حیمران
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم
- به هر حال اکنون که ماد هویلا عزیز شما
جهان فنی را وداع گفته کون عاشق کی استید ؟
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال
و مشکلات برای من است که میخواهید حتماً سرا
توسط کسی بی آب سازی - بهر صورت جواب تان
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا تان
تان جواب گو باشم
پس گفتم کنید :
ما من خداداندولی در شانه من بینم
که از سودای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد
در پایان صحابه اگر سوالی دیگری داشته
باشید از شمارایی رحمت تان که با من این صحابه
را انجام دادید اظهار سپاس منبام - با تقدیم
یک راضی علامه اقبال :

ببای خود من زنجیر تقدیر
تو این گنبد گردان رهی است
اگر باور خیزد در سبب
که چون پروا کنی جولانگی است

در ارتباط نامه ها

درین ماه باز هم از دوستان خود نامه های پر محبت بدست آوردم ، ما از نظریات و انتقادات تان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فریده امید ، برشنا نظری ، محمد عارف ، شمانی ، محمد شاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت ، فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمد صابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن ، زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریبا وین خیرصافی ، احمد نوید ، احسان الدین ، تمیم صادقی سخیلا فرملی ، محمد داود فرملی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانیجو عادله انور عزتی ، فلورا اتایی رویا مشعل ، صدیقه فریبا سریزاده ، همایون ، سید محمود شرفی ، نیله فروغ ، راضیه ، دیانا ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی گارمند شوراب زریز حسینا غزال ، راضیه ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فریده فرملی ، سونیا اسمعیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکریده نادیه رضایی ، ناجیه ، خنایه نوری ، احمد شکیب ، عبدالرشید ، وحیده الله ، احمد فرید سرایزاده احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نوری شکیب انسر ، روحانه اعلمسیر ، خالی مومند ، فرزانه

عطیه ، رشیده ، فرزانه ، شکریده ، رحیم ظفری ، عبدالوهاب راسخ ، هنگامه ، راضیه راح ، حمیله کوهستانی ، فائله یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب ، کرام الدین نیامی ، فوزیه نوایی غوث الله همدرد ، سید قاسم سعیدزاده ، مسروره درویش ، محمد زیار وزیری ، راضیه وفا ، فاطمه ، ری الله فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزاده ، فائز ماریشا عبدالمجید یزدان برست ، گل علی نعیم ، نصرت اللله فریده نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشتکما عبد الخالی تقی ، بهرام علی خالد شعب ، محمد آصف فاطم ، فائله شعب ، زرمینه فتیریار ، محمد سالم ، نجیه امید ، الا اناعرفان ، عادله

اختر ، غلام عباس شاکری ، نقیسه رحیمی ، محمد عارف تنها ، مومند نوریه میرزاد ، داکتر ملالی شریف ، محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیبا نیله انوری ، مارینا خوشه چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زری ، غلام داود محمد یار سعیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امرالله ، اصمعیل قیاس امید ، فیز محمد متین ، لیلی سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمه نورزاد ، مارینا انورونی احمد شکیب ، سید اسد الله نقشبندی ، محمد داود حسام ، سید موسی عباسی ، احمد عیاض ، صبیح سرایز خاندونی ، و امین دولتی سروان

وسید نجیب الله عاشق ، محمد امام خزین حاصل سال چهار پوهنخی فارسی بوختون کاب .

دوستان خوب از کسارت ارسالی تان تشکر و توفیق هر یک شما را تمنایم .

رضوان ساحلی از هزار شریف ، چهار نامه تان سر به سر رسید ، گپ های تان قبول ، اما باید بدانید که در میان مطالب سیاسی هم چیزهای دلچسپ وجود دارد .

عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شما هم آدم بزرگ هستی لطفاً اگر نشون خیرنگاری دارید با انسان ها مساجحه کنید .

خلیل حکیمزاده از ولایت هلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ما هم میخواهد سیاهون را اول به شما بفروسم ، حتماً در نظر دارم که به ولایات محله برسانیم .

مود و فیشن یا سرنوشت مبین

شمس علی شمس حاصل استیقت طب علی نامه بی این مطلب را به ما نوشته و صفا تذکر داده اند که اگر چاپ نشود همکاری ام را قطع می نمایم .

(به سرنوشت مبین خویش می اندیشم))

چه زیباست تا جوانان ما که آینده سازان کشور خویش اند به جای آنکه در انتخاب رنگه ای سرخ و سبز لباس های بد ریزد قیام میشوند به چهاران خزان زد ، مبین شان ببیند بشوند زیرا مردم از او شان تقاضای خدمت را دارند و نمی خواهند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراسته به لباسهای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحیات برسان و دختران مجله سیاهون را دقیق شویم حرفی هم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواهیم یافت بلکه فقط مود ها را می بینیم و رنگه ابروی گریند ، اگر این صفحیات را از مجله جدا ساخته و کلکسیون نمایم فکر میکنم گرد آورده های بهترین راه نمایی درگزینی رنگه درجهان مود و فیشن خواهد بود و ذوق های گوناگون جوانان ما با شک های گرسنه و در انتظار نان سوسنق همه ذوقها محسوب خواهد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مبین به تلاش جوانان متعلق است نه به بیبیرایه گوناگون آنها ، من فقط به سرنوشت مردم و جامعه خویش می اندیشم و از ذوق های کودکانه و نابه هنگام امتناع میورزم زیرا این ذوق (به مود و فیشن) به یک پژوهنده علم و معرفت زینده نیست .

(براد عزیز ! درین صفحیات خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شده و پناه اینکه نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چه انسان نیازهای دارد که باید انرا در نظر گرفت)

یاسخ های کوتاه

محمد نعیم ولی غزنیوال حاصل در بلغاریا !

براد عزیز وقتی ازین راه دور نامه می فرستید لطفاً از بهترین ها مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نه از دیوان های کله فراتر از ام احمد جاوید مجید بخشیری نامه تان رسید اما چرا اینقدر کله و گداری همکاری تان را بدین مشغوم به مانامه بنویسید .

از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد الله داغ ازینفرگند ، سلام ها را هم پذیرا شوید نظریات شما را به مجله سباز مود توجه ما را از گزین تشکر از دوستانی چون شما که با صحت تان ما را یاری میرسانید ، مواد شماره یک تا ششم شان مواردی است که وقت آن گذشته و اما در راه نشر جوانان حرف تان میتواند تأثیر بزرگی باشد .

چاپ شماره اول کارمکن هم نیست و هم است ولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوباره آن فرصت نداریم ، ما که نشر نشدن نام آهنگ سازان که خدمات را بدین روشیون مانیت چیز است مربوط به خود آنها ما نشر است و که با ما نظر اداره مجله ما نیست که بفرمایید ما هم سر می فرستیم خواهش نام آهنگ ساز تشکر یاد شود از شما تشکر .

بامادر تماس شوید

براد عزیز برشنا نوری ، نظریات شما را در مورد داستان بازگرسرگردان در نامه ارسالی تان خواندم ، تشکر از توجه تان اما در مورد این که داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگرسرگردان نوشته الیور گولد اسمیت چاپ شماره سوم سال ۱۳۴۹ مجله سخن کابی شده برای قابل تا مل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شماره مقدمه مجله سخن را به دفتر نشر ما بیاورید ، از همکاری شما صمیمانه سپاسگزاریم .

یاسخ تان را بخوائید

بعد از عمر سلام خدمت تان باید عرض کنیم که جوانان ما چرا در برنامه های مختلف را بدین تو یز یون همچنان در مجلات نامه ما ارسال میکنند .

اگر منظور اینست که باید این مطلب یا آن مطلب در این یا آن برنامه به نشر برسد ، تعیه کننده ، گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیه میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامه ما ارسال میکنند .

با ارسال کردن یک یا چند نام

باید گفتا ، ورزند جوانان دیگر کثروما بلا ، به این فکر نیستند که باید به رادیو تلویزیون نامه ها ارسال بکنند ، جوانان کشیکور ما خوش دارند که فقط اسم و آدر خود را از طریق رادیو و تلویزیون بشنوند و در مجلات نام شان به چاپ برسد .

تعیه کننده گان برنامه ها ، برنامه ما را به مردم تعیه میکنند و مردم ما میتوانند بدون ارسال کردن نامه ها برنامه را تعقیب بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، هم وقت خود را تلف میسازند و هم وقت مسؤولین برنامه ما را .

امید دارم نامه مراسرتا با به نشر رسانید که جوانان ما در این باره چه میگویند .

فوزیه وصادقه فارغ التحصیل لیسه عالی مکریم .

خواننده گرامی ! ارسال نامه به مجلات و برنامه های رادیو تلویزیون در همه کشورهای جهان معمول است آنچه که درین نامه ها آورده شده دارد به تشفادات ، انتقادات و نظریات خواننده و شنونده هاست ، ارسال مطلب یک امر حتی است .

مطالب ارسالی شما

نقش ناخنها در تشخیص کبرکتر

زبان پوستر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی برو باره متحن وبرهیزگرگالی میباشند ودر مقابل مذاقات ومضاکلا حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیزطبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومسارونی باشند برای تعلیم وترتیب ومعلمی مسلطند ومعلمی برکاروشایسته معرفی میگردیده اند .

چطورازطرز چسباندن پوستر بر روی پاکتاز دورن فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است (فکرشواردم بیرون است)

۲- چنانچه پوستر قدردی متمایل به سمت راست باشد مقصدش این است ((بمن اطمینان داشته باش))

۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است (دیوانه وار ترامیرستم)

۴- اگر سرپوستر قدردی متمایل به سمت چپ باشد مفهومش این است (ترادوست میدارم)

۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتمایل بر راست چسبانیده ، مفهومش این است (دیگر ترا دوست ندانم)

ارسانی : حلیه

۵- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان بر حوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .

۶- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرعبرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم معترف کرده ودر بساط چیزی نمی گذارند .

۷- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .

وبالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین ((مساوی)) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .

روشنه ((زین)) ازگوزن کابل سنتر

نگته ها

۱- کم دانستن ویراگفتن مانند پول نداشتن وزیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن ومانند مرد فکر بیندیش .

۳- جدیت وشتکار آدمی را بفضله نزدیک میکند .

۴- از نیکی چاره فرزتوان دانست که بی مغزاست .

۵- خوشبخت ترین مردم کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود وازشادی دیگران انقدر رشاد میشود که گویی ایسن شادی مربوط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله مکن !

فرستنده شریف نورین

مستوره محبت نامری (استعداد تاز ، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست) بلقیس احمدی از بوهنی علم طبیعی (بیسی از گردید) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا
برخیزم واز خانه به میخانه گریزم
سایره شکیب از ولایت جوزجان (بارجه کردن حملات ومصراع وارنوبتن شعر نیست از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید) شکلا ازلیسه " آنسه " فدوی (خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبشه کنید) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیته های تان با کمی تصرف :
الله یارجان بگیرم اصل نامست
کبوتری میگردم به با مست
اگر یکبار بگویی یار شیرین
شوم ندقه همونوک زیانت
(نام) و (بام) با (زبان) قافیه نمیشود .
حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر میکند
مصراع سوم نیز زیاد است .
خالده خرم اقل " مهم :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامد سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد " بندری از سروده " تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :
خواهراتم بگذرید از مدنی
مدنوارش ندارد یک دو جو
تو مکن تقلید از هر بیگانگان
ابروی خود میزبان رایگسان
کی توامد خوب و نه با همکند
بسل تو این کار رسوا همکند

هنزه نوین انزولسوالی بلخمری :
دوستی های که به نام ((تک بیته)) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید .
سفوکودی به شهر دور دستی
دل نازکتر از جام شکستی
بهارتوک وناکن ((بیوه)) چنان
به هر آیین وهر مذهب که هستی
ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام ازب . اقتصاد :
((نارام)) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازتختیک ساختمانی :
برادر عزیزه اوقات بیکارن را کارکند و نه شعری راکه به مجله می فرستید بنهسید از کت ؟ از شما هاکن دیگر ؟

ملالی محبت : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟
فرده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر ((در خیال)) شما گامستی های فراوان دارد .
جستن معشوق از طرف شام و در شعری ، ((سنی)) نه خواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل " خبیبه :
به املا وانشا توجه کنید . بیته اشعرا تان :
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .
در کلبه " فزده گان اه و فغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی (خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که مام دارم) . نوبه عطا (تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید) . سمیرا نجیب سادات و خاطره همایون بیژاد ازلیسه " مهم (دوستی تان قابل نشمر نیست) . عادل اختاری از وزارت امور عودت کندگان (شعر انتخابی تان را گرفتیم یک بیت آن :
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان
تا بیره درد کمر نشناسی دوام مکن)
سخن مراد مسکین امسوق " غ ولایت مزار شریف (شعرا تان گامستی های دارد با انهم دوست آنرا نشمر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش دهید :

کنون از حال زار من مبرسید
که فرم دوستان در عالم خود
خراب یزار و حیران نمودی
بت شیرین ادا می از غم خود)
شکیلا نور از بوهنی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :
ای قاسد آرزو نامه زد لدا زنداری
از هر تسلی زبانش سخنی ساز
لینا نارام ازلیسه آریانا (خواهر عزیز) ماد راد بیته دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید)
اینسه مقبل بنه آرزلیسه " مهم (دوست عزیز با شعر ارسالی تان زنده باشید :
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید
برود یوار شورا این سخن باید نوشت
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید)
میرویس ژنند ازلیسه انصاری (دستوزبان) وزن قافیه ود دیگر معاییر شعری را با موزید " رباعی تان لغزشهای فراوان داشت) ، فرید احمد امید از مازا - ر شریف (استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :
باز فصل باغ بوستان میرسد
لبیل دل در گلستان می رسد
سبز میگردد چمنزار امید
نوعوس باغ خندان می رسد)
شکیلا پوهس از مزار شریف (طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :
باز فصل نوهاران آمده
فصل شوق مند لیان آمده
باز گلگهای فریبا و قشنگ
سوی بوستان و گلستان آمده
من شکیلا خوانم هر دم این سرود
لبیل غیلم نزل خوان آمده)
واژه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر ((بوستان)) بسازم این تعمیم رفع میگردد مصراع پنجم را به خاطر ثقل واژه هر دم این طور بسازید خوب است :
((هر زبان خواند شکیلا این سرود)) . آری از طب کابل (شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید) . بارجه " ک . ازلیسه رابعه " بلخی (حرفهای که به آریان جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند) . تورن عبد - الصادق ((هارون)) از کینناری بگرامی (دوستی های تان را به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید)
شکیلا نجیب ازلیسه آریانا (نامه تان با جها ر چشم رسید یک بیت از گردید های تان :
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این
الوداع ای صبروتقوی الوداع ای عقل ودین)

براسم فال گرفتن

متولدین ماه حمل

موفقیت‌های شایانی پیش‌رو دارید، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید. از صحت‌تان مواظب‌تر کنید. بادوستان مهربان‌تر باشید. دیدار تازه در تغییر سرنوشت شما نقش خواهد داشت.

متولدین ماه میزان

ملامت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست. باید شهادت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید. کودکان عزیز می‌توانند شما را خوشحال کنند. مجردها به ایجاد زندگی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می‌کنند.

متولدین ماه ثور

عشردن و مصیبت‌بیمورد عمر شمارانیم می‌سازد. از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می‌برید و این نکته بی‌است که متوجه آن نشده‌اید. قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده‌گی نمایید که استید. ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید.

متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما، ضعف اراده‌تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید. دوری شما از خانواده و وطن کارنا درستی است. اعتماد شما نسبت به خانواده‌تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند. مجردها دیدارهای خوبی در پیش دارند. دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید.

متولدین ماه جوزا

امیدهایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می‌پیوندد. یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می‌آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود. فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید.

متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربان‌تر باشید. کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارند. کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند. درس بزرگ زنده‌گی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است.

متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است. زندگی باغم‌هایش زیباست. دیدار تازه‌ای که دارید برای شما امیدهای جدیدی میدهد. بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امیدهای بزرگ خانواده‌تان رانیز جرات بخشید. آرزوهای تان برآورده میشود و انهم در همین روزها.

متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید. هیچگاه با شاگردان تان رویه‌نا درست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا از پت مینماید.

متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده‌گی تان کار معقول است. تشوشت روانی خود را دور سازید. خوبست که دل‌بسته‌گی‌های تان به کار زنده‌گی افزایش می‌یابد. بیشتر به فکر آموزش باشید. آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت.

متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید. تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است. یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد. قدر دوستی را دانستن، قدر زنده‌گی را دانستن است.

متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برای تان بر خاطره و جالب است. نامه‌های دوستان تان را بی پاسخ نماند. همسر تان را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می‌یابد.

متولدین ماه حوت

به صحت تان توجه داشته باشید. ورزش مصروفیت بسیار خوب برای تان خواهد بود. نگذارید کسی از شما بی‌جهت آزرده شود. دیدار عاشقانه بی در پیش دارید. امیدوار باشید که بخت با شماست.

تهدیدهای فضا

تهدید بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بافتد . سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خواهد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت . در باره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند یک راکت مجهز با کلاهک هسته ای میتواند چنین سیاره ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد . اما درین صورت نیز بارچه های سیاره به زمین خواهد ریخت . نظر بهتر آنکه در سال های ۱۹۸۰ آرایه شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم .

ترجمه حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت در لهره آفرین و تخریش اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود . حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد . سیاره های با عرض نیم میل در سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند درین میان سیاره های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون سال یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره ها خطر بزرگی را متوجه میسازد . همین سیاره ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده ای از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

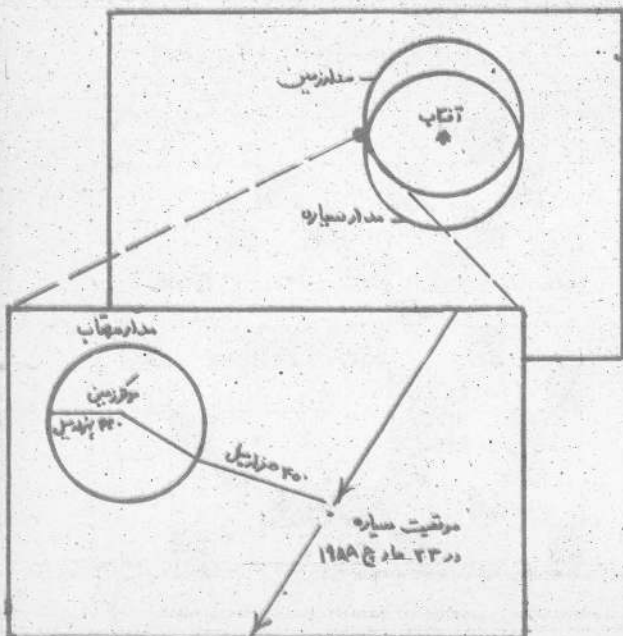
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست او اسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود . اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکوپ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفورنیای تهیه شده بود مطالعه کرد . گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یارده بوده باشد و اگر به همین پیمانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد . حفره ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوانست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتید بود به وجود آمده است . اما چنین حادثه ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده برجستگیت رانا بود کند . ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت . مانند زمین که به دور آفتاب گردش میکند منتها به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره دریاه آپول دور از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون تر قرار خواهد داشت . اما منجم بریان مارتس دن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را آرایه داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ماد قیق باشد این سیاره میتواند با زهم خطری به وجود آورد یا اینکه به زمین اصابت

شب بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید . خارج از منزل . همراه بادوستان یا مشغول تماشا یا برنامه های تلویزیون . به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید . شما ازین خطر آگاه نبودید . اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیکی از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است .

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه ای مانند انفجار هزاران بم هاید روجن می آفرید و ملیونها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد .

پیش ازینکه شمار زیاد به هراس بپفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهابت . با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود . از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این پیمانه با زمین نزدیک نبوده است . در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد .

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود . نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون



مسطرين

سفید بازی را شروع می کنند
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را
مات می کنند .

سفید بازی را شروع می کنند
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات
می کنند .

جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقر - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوی نیست .
- ۳- غم نداری انرا بخس - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹ - یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰ - جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱ - بایش رابسته کن همسایه ات را دزد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

پرسش ها

انقی :

- ۷- مار از ان بدش بدم غارش سبزی می کند . زورش به ان نمی رسد پیالانش می زند .
- ۸- زمستان زفت روسیاهی به ان مانسد .
- ۹- شق (اصطلاحی) - هرجا انست دریای لنگ است - خشک بی سر .
- ۱۰- معکوس ان روشنی (پینتو) - شراب - نخستین عدد .
- ۱۱- قطی ارمعروف است - وقتی ازت اند تروان با هم می سوزد .

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... بد برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود .
- ۳- تاك - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا، $\frac{1}{3}$ پول شعلان نیز جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلا، $\frac{1}{3}$ پول شکیبا نیز جمع شود . شعلان گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی $\frac{1}{3}$ پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

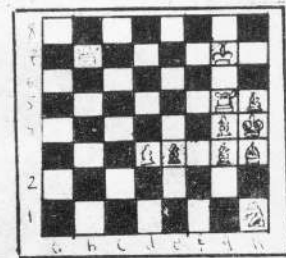
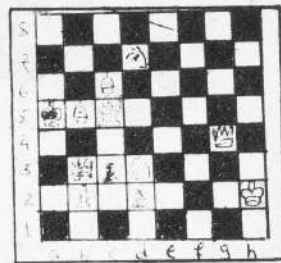
مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را بکار بیاوریم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه $\frac{1}{2}$ (یک بر دو) است

جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

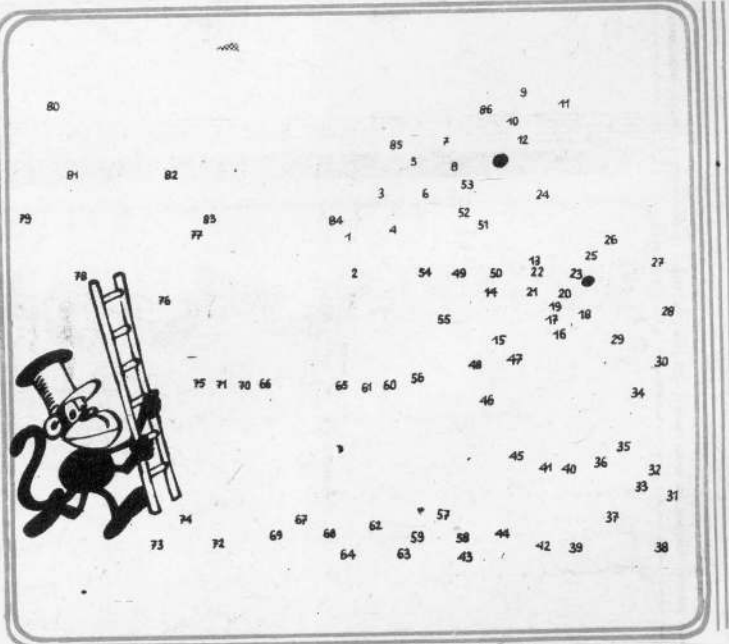
سرگرمی‌ها



پیش ادبی

حل کنید جایز بگید

برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است اعداد را به ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شمد رباره آثار یکتا از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نمود. ما بفرستید.

۶- آیا شمد رباره نویسندگان قبایل آزاد معلومات دارید؟ لطفاً درین باره ما بنویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نمود. ایده های خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت.

سرکننده گان

دین الله عمرخیل، فریده امید، بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک، نورجان ضیایی، عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا، فتح محمد فتاح، سلم دانستن، لیلما کاروز، خواجه ابراهیم نادره سیب، فرزبان جویان، سید عزت الله مجید، سوما فران، فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سید عزت الله مجید، گل علی فقیه، فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله، ناجیه شکره انور، محمد عمرعزیز، عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رابعیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فائزه یادگار، سونیا اسمعیار، مرخیمه محمودزاده، احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوپطان!

فرقه کسی جوایز بوی های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شعرنو مقابل پارک سړک نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری
نمبر تیلون (۳۰۲۶۲)

شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی
هرات در تماس شوید و مشکلات
تان را به سهولت حل سازید

آدرس: شهر نو مقابله پارک نمبر ہفتہ مارکیٹ

هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها •
صابون، شامپو، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس
برای هروقت برای هرکس، برای هر جا •
این اجناس را طور عمده از جاوید لند، کوچی مارکیٹ
نماینده گی ان در کوچی مارکیٹ دکان موہن لعل و ہمد کانہائی
شہر ولایات بدست آورید • همچنان این شرکت صابون ضد بخار
(DM4) را تازه وارد نموده است •

نیازمندان عجلہ نمایند :
تلفونہما (۲۰۰۰۱-۲۲۶۲۹)

وحید اللہ پلاستیک

وحید اللہ پلاستیک ہر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط
ماشین بوش می کند • همچنان قرطاسیہ مورد ضرورت د و ایسر
و طلاب معارف را بہ قیمت نازل تقدیم میدارد •

آدرس: میرویسر میدان تقابلہ تانکہ تیس

فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین
اجناس مورد
نیازتان استقاده
نمایید ارزان و به
مفادیتما

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

فروشگاه

بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش پوشاک ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و باز هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**